

نحویں

نشریہ دانشجویان کامپیوٹر
دانشگاہ صنعتی امیرکبیر

دایز ۷۷

دیکٹریٹ پور

Kid.

۷۸

Rami

فاطمہ حسین

ابراهیم

۷۹

مودودی

۷۹

حودیانی

۷۹

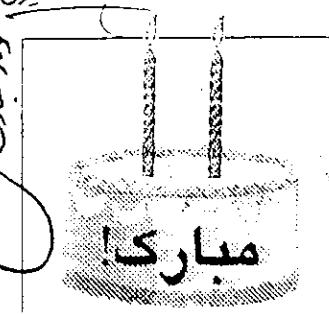
محمد حسین خندی

۷۹

ڈرامہ

۷۹

A.R



مبارک

ڈرامہ

۷۹

بهنام آفریننده

سردیزیر:	
ابوالفضل غلامرضاei	۳
قائم مقام سردیزیر:	۵
سوزده فاضلی	۶
تحویله:	۸
علی حاجی زاده مقدم	۱۰
آرش سیف‌هاشمی	۱۲
حامد شیباني‌زاده	۱۶
مسا جانی	۱۷
محسن فائزی‌بدر	۲۰
طراح:	۲۳
محسن طلیقیان	۲۴
مدکران:	۲۶
علی‌اکبر اخوی‌دی	۲۸
محمد‌آقابیور آهنگر	۳۰
میثم‌الهزار	۳۲
علی‌اژدری	۳۴
لمن‌امین‌بیروجی	۳۵
الهام بادوفا	۳۵
علیرضا‌بذرافشان	۳۶
محمد‌حسن مذکار	۳۸
مژگن‌بظخایان	۴۰
مارال‌پناهی	۴۱
قاطمه رحیمیان	۴۲
لیلا‌شیخی‌خاننه	
فرید‌فراموش‌زاده	
نازگردی	
سید‌احسان‌لواسانی	
حیدر‌ضام‌مختاریان	
محمد‌ظاهری	
دشانتی	
احمد‌هراتی	
سید‌جعیه‌رثه‌امان‌لری	

از اول
از نگاه استاد
اخبار دانشکده	مشکلی نیست؟
مشکلی نیست؟	کمی خشن
خبر!!	پویش پاسخ می‌دهد
DSL در راه است	اینترنت
اینترنت	IMAP چیست؟
مدیریت حافظه در DOS	چگونه جاوا بوجود آمد؟
ساختار فایل‌های گرافیکی BMP	تاریخچه NT
شبکه ماورا	آداب شبکه
از یادداشت‌های سردیزیر	شبکه ماورا
برگی از یک کتاب	از یادداشت‌های سردیزیر
این‌نوای مرموز	برگی از یک کتاب
طرح یک فیلم‌نامه	این‌نوای مرموز
یک چپ دست، یک سیگار	طرح یک فیلم‌نامه
یادمان	یک چپ دست، یک سیگار
پنجره	یادمان

از ۷۷ تا ۷۷ / دانشکده کوچک ما / دانشگاه امیرکبیر

انتظاراتش از شورا برآورده تحواده شد و هفت ماه بعد، خودش عسلکرد خودش را در شورا "صفر یا چیزی زیر صفر" ارزیابی خواهد نمود و برای پرسا کارشناس، "عضو متوسط شورای صنفی" و مسؤول واحد مالی و فرهنگی، شاید تنها باید یک سال می گذشت تا به این نتیجه برسد که "چه ها باید سپاسگزار باشند، نه طلبکار". اما در شورای صنفی مان سه نفر دیگر هم فعالیت می نمودند: افشنین رسولی که مسلمان اگر می دانست که "برای کار کردن باز هم جا خواهد داشت" بیشتر تلاش می نمود. مهدی کاظمی، از بچه های بامرا م جنوب تهران و آرش سیف هاشمی که آنقدر "اختلاف نظر را دوست می داشت" که کم مانده بود که از آن خواستگاری نماید!

اما سال پیش پوش در شماره سومش بود و هنوز نه اساسنامه ای داشت و نه این همه زیرگروه و همکار و دم و دستگاه و آن موقع هنوز امین چارو سه - از پدید آورندگان اصلی آن - جارا برای دیگران آنقدر تنگ نمیده بود که سردبیری آنرا به ابوالفضل غلام رضایی بسپارد و با گفتن جمله "سلام بر پویش" با آن خدا حافظی نماید و آنرا به "سال پایینیها" بسپارد. همزمان با همان شماره سوم، محمد رضا خجسته نیز اولین اعلامیه گزروه مکالمه اش را بر دیوار زد و مسؤولیت آنرا بر عهده گرفت در حالیکه شاید کمتر کسی امیدوار بود که جلسات آنها هر چند کمی نامنظم - تاکنون ادامه پیدا کند و آنها باتفاق بمانند. ۷ ماه بعد رضا هم از این مسؤولیت کناره گیری نمود و نسیم ناجی - با رای اعضای گروه - به جایش قرار گرفت.

در اوایل سال پیش شهرام گوهردهی همراه با فاطمه رحیمیان اطلاعیه اولین جلسه کانون هنر شان را به دیوار زدند که تا به امروز، شش مین جلسه شعر خوانی شان نیز به خوبی برگزار شده است. دکتر فصیحی - ریاست دانشکده برق - که با خوشبودی و گشاده رویی در جلسات آنها شرکت می نمود و آنها را تشویق می کرد و برایشان شعر می خواند، مسلمان با خبر نبود که چند ماه بعد، یعنی در آخرین روز فروردین ماه، از یک نماینده مجلس سیلی خواهد خورد که به خاطر آن سه روز دانشگاه به حالت نیمه تعطیل در می آید و سیل اطلاعیه ها و اعتمادهای و اعترافها از طرف دانشجویان (و نه اساتید) جاری می شود و آن نماینده را وامی دارد که از وی چند خواهش (البته به طور خصوصی) نماید و در برای این همیشگی پاسخگو باشد. پاسخ گفتند که هرگز به سختی پاسخ گفتن مسؤولان شورای صنفی دانشکده مکانیک در جلسه استیضاح (به خاطر عکس العمل دیرهنگامیش در قبال این واقعه)، به دانشجویان دانشکده شان نبود.

از طرفی دیگر، یک سال پیش، هنگامیکه مهدی کاظمی و محسن طریفیان اطلاعیه تشكیل گروه فیلم را به دیوار زدند، کسی کلاس ۱ دانشکده مان را آنقدر بزرگ نمی دانست که ۵۰ نفر را در خودش جای دهد و فیلمهایی مثل شباهی زاینده رود، پاپیون و توت فرنگیهای وحشی در آن به نمایش در آید. همچنانکه زمانیکه قرار شد مسابقه فوتبال درون دانشکده ای برگزار شود، کمتر کسی انتظار آنرا داشت که دختران دانشکده نیز به تماشای

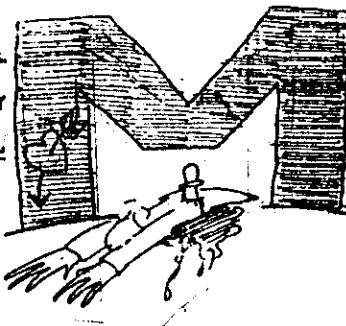
یک سال پیش، کوچکترین اعضا دانشکده مان تازه واردین بودند که آنها را هفتاد و شیشی ها خواندیم. آن موقع، مشغول تهیه ویژه نامه ای از طرف پویش برای آنها بودیم که در آن ورودشان را تبریک گفتیم و بر آنها سلام کردیم. حالا یک سال از آن هنگام گذشته است، آنها سال دومی شده اند و دیگر تازه وارد نیستند و به زودی گروهی دیگر جای آنها را خواهند گرفت - درست همانگونه که آنها جای ما را پر کرده بودند و احساس "سال بالای بودن" را برایمان همراه خود به ارمغان آورده بودند. و اکنون، پس از یک سال، سلامی دیگر، تبریکی دیگر و ویژه نامه ای دیگر، برای تازه واردین دیگر، با عنوانی چون "هفتاد و هفت ها".

اما در این یک سال در دانشکده کوچکمان اتفاقات زیادی افتاده است: ۳۶۵ روز که هیچکدامش به دیگری شباهتی نداشت، یکی پس از دیگری گذشت و مهمترین اثری که از آنها به یادگار ماند، شاید آنبوه تجربه ها و خاطرات مبهمنان بود که دیگر هیچگاه از ما جدا نخواهد شد. نکری می کنند که آیا مام مالها بعد، هنگامیکه به خاطراتمان رجوع می کنیم، این دوران را بهترین دوره عمرمان خواهیم خواند و از آن به نیکی یاد خواهیم کرد؟ به راستی، چه چیزهایی از این یک سال، برایمان مانده است؟ چه کار کرده ایم، چه چیزهایی را از دست داده ایم و اکنون در کجا ایستاده ایم؟...



یک سال پیش، چنین موقعی، دکتر صفا بخش هنوز ریس دانشکده مان بود و به علت "مشغله و تحقیقات علمی" زمام امور را بدست معاون آموزشی اش، دکتر همایون پور، نسپرده بود. دکتر صادقیان، نیز در آن زمان شاید هنوز نمی دانست که قرار است چند ماه دیگر، او جای خالی معاون آموزشی دانشکده را بر بنماید و در اجرای قوانین آموزشی اش مورا از ماست جدا نماید. همچنانکه آن موقع شاید دکتر ریاضی هم نمی دانست که مدتی بعد او به جای دکتر رهایی خواهد نشست و هنوان گران ریاست دانشگاه را با خود یدک خواهد کشید. و باز شاید محمد مظاہری، هنگامیکه در میان ماه کاندیدای شورای صنفی دانشکده گشت، آنقدر ها به "دیر" شورا شدن خویش اطمینان نداشت و نمی دانست که ۶ ماه بعد، یعنی در چهاردهم اردیبهشت ماه، وقتیکه به خاطر رساندن یک پیام، کلمه "دختران" را از یک جمله حذف می نماید، با اندیشه و بسیاری بر او خرد می گیرند که "هدف وسیله دانشجویان روبرو می شود و بسیاری بر او خرد می گیرند که" هدف وسیله را توجیه نمی کند. و از او جوابی قانع کننده می طلبند و او واداشته می شود که در مقابل همه یشنیدن و پاسخگو باشد. هر چند که هنوز هم عده ای او را نیخشیدند و از او دلخورند، وی در نظر خواهی عمومی درباره شورا، با ۷۴٪ کل آرا مقام اول را بدست آورد. رضا رجایی نیز که با آن شورا و شوق شروع به کار در شورا کرده بود مسلمان نمی دانست که نخواهد توانست تا به آخر در سمت خویش بماند و مدتی بعد، "به علت مشکلات درسی" استعفا خواهد داد. همچنان که نسیم ناجی نیز پیش بینی نمی کرد که

خبر خوش بعدی برای بچه های سال بالایی مان بود: ۱۲ نفر از آنها موفق شدند به دوره فوق لیسانس راه یابند، اما [...]



اتفاقات اما، تها به دانشکده کوچک ما محدود نشده بودند. سال قبل، در حالیکه کرباسچی هنوز شهردار تهران بود و عبدالله نوری وزیر کشور و بازار بحث ها و صحبتها درباره قانونگرایی، نهادینگی و جامعه مدنی، داغ داغ بود، کمتر کسی احتمال آنرا می داد که در مراسم سخنرانی دکتر سروش، حادثه دو سال پیش دوباره تکرار شود و گروه فشار باز هم، به همان اندازه و بلکه بیشتر، فشار بیاورد. اما این گمان، یک هفته بعد، در مراسم میزگرده جامعه مستقل زمانیکه "شار" تا مز کنکاری در مسجد دانشگاه پیش رفت، به یقین تبدیل شد و همه فهمیدیم که هنوز راه درازی است تا رسیدن به جامعه مدنی و نهادینگی، که طی کردن آنرا بر ما گزیز نخواهد بود.

پارسال برای فوق برنامه هم سال بدی نبود، کانون فیلم و نوارش که به دلایلی که معمولاً نامعلوم هستند تعطیل شده بود، کار خود را از سرگرفت. چند کنسرت موسیقی و آواز - که یکی اش هم در حیاط دانشگاه برجزار گردید - و چند نمایش فیلم و برجزاری کلاسهای آموزشی از مهمترین فعالیتهای اعضا ای آبود. مجال و پژواک نیز در همین سال با بیرون دادن اولین شماره خود، اعلام تولد نمودند. این جن همچنان تربیون آزادهای خودش را در حیاط دانشگاه برجزار نمود و نیز نشریه "سوج" را در کنار خبرنامه هایش بیرون داد. جامعه مستقل جلسات فیلم و اردوهایش را برجزار نمود و کانون اندیشه مسلمان، کارش را با دعوت از دکتر مهاجرانی آغاز نمود که زبانی که وی در آمنی تثاتر درباره قانونمندی و قانونگرایی برایمان صحبت می نمود لاید خودش هم نمیدانست که مدتی بعد، گروه فشار او را در روز روشن و جلو چشم همه مورد تعرض قرار خواهد داد و کلیه قوانین اجتماعی اجتماع نه چندان مدنی مان را زیر پا خواهد نهاد....

آری، یکسال گذشته است. ما در کنار یکدیگر زندگی کردیم و با هم تجربیات مشترکی داشتیم: با هم درس خواندیم و داشتیم، با هم نمراه گرفتیم، با هم پاس کردیم و با هم افتادیم، با هم اردو رفیم، با هم بحث و گفتگو کردیم، با هم انواع و اقسام گروهها را تشکیل دادیم و بعد منحلشان کردیم، با هم دعوا کردیم، لجیازی کردیم و از هم ایراد گرفتیم، جناب بندی کردیم و یکی را راست و یکی را چپ خواندیم. گاه به یکدیگر حتی "سلامی" هم نکردیم و وجود هم را نادیده گرفتیم و گاه هر کدام پناهی بودیم برای دیگری و گوش شنواری برای دردلهای یک دوست در دریای تنهایی و گاه ... اما براستی کدامیک است که باقی می ماند و جاودانه می شود و دوران دانشجویی را به بهترین دوره عمر تبدیل می نماید؟ برای سال جدید چه کار تازه ای باید انجام داد که جایش در دانشکده و در دانشگاه خالی است؟

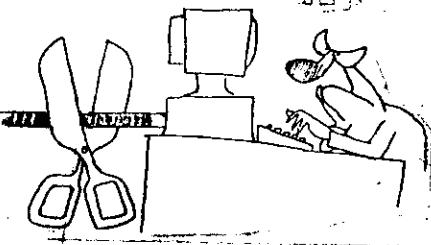
الف - دریا
وروی مفتاد و پنج.

مسابقه (با کمی تردید اما)، بسایند و همگان را در تعجب واگذارند.

سال قبل، دانشکده مان "سیب" نداشت و هنگامیکه اولین اعلایعه برای تهیه روزنامه دیواری به دیوار چسبید، بسیاری اینکار را بیهوده خواندند. اما بعد از آنکه "سیب" را همیرضا بدرازشان، امید توایی، علی ازدری و رضا رجایی - با همکاری فراوان شورای صنفی! - برای اولین بار به دیوار چسباندند، دیگر بیهوده خواندن آن، بسی بی انصافی بود.

سال پیش، دانشکده ما به اینترنت وصل بود، که البته همراه بود با اعلامیه ها و اخباریه های همه روزه برای محدود کردن آن، با این وجود هیچگاه نکر نمی کردیم که مسؤولان دانشگاه دلشان باید که به این راحتی این امکان را از ما بگیرند و ما را بکلی از آن محروم نمایند و اینترنت، باز هم برایمان به صورت یک "رویا" در بیاید.

در اوایل آن سال، در حالیکه قرار بود دانشکده برق را به ما بدهند و بر قیها را به ساختمان ابوریحان منتقل نمایند، چونهای مسؤولین دانشکده برق را در بیان...



شنیدیم که ساختمان در حال ساخت ابوریحان را "فاقد امکانات لازم برای دانشجویان" خوانند و از رفتن به آنجا سرباز زدند و طبیعتاً، ما باید به جای آنها راهی آنجا می گشیم....

در سال تحصیلی ۷۶/۷۷، دانشکده مان پیشرفت‌هایی نیز داشت که در مقابل کوچکی آن، بزرگ به نظر می‌آیند. قبل از این، در زمان ریاست دکتر صفتاخش، تها کامپیوتر های مورد استفاده ما همان ترمینالهای معروف Sun بودند و طبقه نهم نساجی بجای کامپیوترهای نسبتاً جدید امروز (هرچند که هنوز تعدادشان کم است) تها چند PC کهنه و از دور خارج شده، داشت. سال پیش، کتابخانه و سالن مطالعه مان یک جا بودند و مثل امروز در محل مجزا قرار نداشتند و مهمتر آنکه مسؤول آن نیز به مهربانی امروزش نبود، توکویی که دههای ما در او اثر نموده است. آنسال، دانشکده سال ۷۵ به نامه نگاری و اعتراض و امضا جمع کردن دانشجویان نیازی نبود. و دیگر اینکه شورای صنفی که تا آن موقع جایی تداشت و در "لامکانی" به سر می برد، بالاخره گوشش ای از سالن مطالعه را برای خودش تصاحب کرد و میزی و کمدی و دفتری و دستگاهی و نیز شیشه ای برای تابلوی مظلومش و برای اولین بار موفق شد که خودش را به مسؤولین دانشکده به رسمیت بشناساند. واقعه مهم بعدی، برجزاری آبرومندانه اولین گردهمایی فارغ التحصیلان، از طرف دانشکده بود که انصافاً تمام سعیش را در هرچه بهتر برجزار شدن آن نهاده بود. کار جدید دیگر دانشکده، برجزاری مسابقه برنامه نویسی بود که البته برندگانش هنوز در انتظار جایزه به سر می برند. اتفاق مهم دیگر اما، بازگشت مهندس دستپاک بود که سال قبل، همین موقعها رفتش را - به علت مشکلات شخصی؟ - به سوگ نشسته بودیم.



مشکل این است

گفتتو با دکتر احمد عبدال忿یزاده

دانسته‌های او نظر بدهد؟ چرا دانشجو مدام در پی ارزیابی استاد است. اگر استاد هم بخواهد فقط شما را ارزیابی کند، آیا می‌تواند به وظایفش به درستی عمل کند؟ البته این بدان معنا نیست که هر کاری توسط استاد مجاز است و اوناید ارزیابی شود. ارزیابی استاد باید با مکانیسم‌های خودش صورت بگیرد. باید اشکالات استاد به او منتقل شود و او در صدد رفع آنها برأید. اگر هم نمی‌تواند شغل دیگری اختیار کند. من در اینجا به همیچ و چه در صدد تبرئه استاد یا دفاع از آنها نیستم. بلکه می‌خواهم ضروریات صفت دانشجویی را یادآوری کنم.

دانشجو باید طالب آموختن باشد. باید منابع درسی معرفی شده را بخواند و در کلاس، سوالاتش را از استاد بپرسد. وقت کلاس باید صرف پاسخ‌گویی به سوالات شود. نه آنکه استاد بخواهد مطالب کتاب را خط به خط شرح دهد. این کار استاد دانشگاه نیست. کار یک مدرس خوب است. استاد در کلاس باید تجربیاتش را در مورد مطالبی که دانشجو می‌داند بیان کند. تجربیاتی که در کتابهای مرجع پیدانمی‌شود. این وظیفه دانشجوست که با مطالعه و آمادگی قبلى به کلاس بیاید تا استاد بتواند وقت کلاس را صرف پاسخ‌گویی به سوالات کند. دانشگاه باید برای یاد دادن وظایف دانشجو به او کلاسها بپذارد.

دانشجو باید یاد بگیرد که "چگونه یاد بگیرد؟" چگونه از کتابخانه استفاده کند. چگونه دانسته‌های استاد را بیاموزد. من پیشنهادی دارم: استادی را انتخاب کنید که منابع خوبی را به شما ارائه کند. در انتخاب دروس بینید چه چیزی خواهد آموخت. نه آنکه به فکر تنظیم ساعت کلاسها باشید. شاگردی می‌آید و می‌گوید من این درس را برداشتم تا برنامه‌ام جور شود. آخر مگر اینجا سینماست؟ چند در صد دانشجوها هنگام انتخاب واحد به برنامه کلاسها توجه می‌کنند؟ صد درصد! چند در صد به محترم درسها نگاه می‌کنند؟ خیلی کم (اگر نگوییم همیچ). این دانشجو نیست که فقط بخواهد روزهای کمتری به دانشگاه بیاید. حالا وارد این بحث نمی‌شوم که چقدر به نمره دادن استاد نگاه می‌کنند. چون آنرا سبک می‌دانم.

این است دلیل آنکه خروجی دانشگاه نمی‌تواند نیاز کشور را برآورده کند. با این شیوه، اگر بهترین امکانات هم در دانشگاه فراهم شود، هدر خواهد رفت و بازدهی نخواهد داشت. چون معتقد نیستی به آنچه می‌خوانی، فقط می‌خوانی که وقت بگذرد. احساس نیاز نمی‌کنی. باید عطش یادگرفتن داشت. تشنگی آن است که سوال داشته باشیم و دنبال پاسخش بگردیم. مشکل آن است که تشنگی نیستیم. ■

• لطفاً به سه سوال زیر پاسخ دهید:

○ یک دانشگاه ایده‌آل چه خصوصیاتی دارد؟

○ دانشجویان ماتا چه حد به وظیفه‌شان عمل می‌کنند؟

○ اساتیدمان چطور؟

■ عوامل ایجاد کننده محیط آموزشی باید به درستی با هم کار کنند تا محیط پویا و ایده‌آل باشد. این عوامل دو دسته‌اند: عوامل مستقیم (Functional) مانند استاد، دانشجو، امکانات درسی، کتابخانه، آزمایشگاه، سیاست‌های آموزشی، محیط حاکم بر دانشگاه و... . دسته دوم عوامل غیر مستقیم، مانند مشکلات اجتماعی و فردی یک‌ما و...

از بین عوامل مستقیم، دو تایشان جان‌دارند: استاد و دانشجو استاد باید وظایف خودش را بداند و انجام دهد. دانشجو هم باید خودش را بشناسد و وظایفش را بداند. آیا درست است به علت آنکه دانشجویی خودش را نمی‌شناسد، استاد به وظیفه‌اش عمل نکند؟ و برعکس، آیا اگر استاد وظیفه‌اش را نداند یا به درستی انجام ندهد، دانشجو می‌تواند از زیریار وظیفه‌اش شانه خالی کند؟

من شخصاً عقیده دارم دانشجوهای ما دانش آموزند و با عنوان دانشجو، در حد استانداردهای دانش آموزی کار می‌کنند. چند در صد از دانشجوهای ما وقتیشان در کتابخانه می‌گذرد؟ چقدر از وقتیشان؟ اگر این وقت دو برابر زمان کلاس باشد من قبول می‌کنم که اشتباه کرده‌ام. آیا منحنی مطالعه در طول ترم و در زمان امتحان یکسان است؟ یا آنکه همانند منحنی مطالعه دانش آموزی، نقطه اوج آن در شب امتحان است؟ دانشجوی ما با چند سوال وارد کلاس می‌شود؟ چند تا را جواب می‌گیرد؟ چند دفعه درس جواب می‌دهد؟ چند بار دانسته‌هایش را در بوته آزمایش می‌گذارد؟ اینها خصوصیاتی است که بک دانشجوی سال دوم به بعد باید داشته باشد. دانشجوها باید در سال اول و دوم این مسائل را بیاموزند. از چه کسی؟ از استادها یا اینها را یاد نمی‌دهند، به وظایفشان عمل نمی‌کنند. ولی نمی‌شود دانشجو به این دلیل وظایفش را انجام ندهد. باید خودش بیاندیشد که "من چه فرقی کرده‌ام؟" آیا فقط با تغییر سیلاس درس، دانش آموز دانشجو می‌شود؟

به نظر من روحیه غلطی بین دانشجویان ما حاکم است و آن روح انتقادگری مدوام در مسائل آموزشی است. چرا دانشجویان ما فقط سعی دارند بیینند استاد خوب است یا نه؟ چرا سعی نمی‌کنند یک جلسه نشستن سر کلاس یک استاد، درمورد شیوه تدریس و

مسابقه برنامه‌نویسی گروهی

شبکه دانشکده

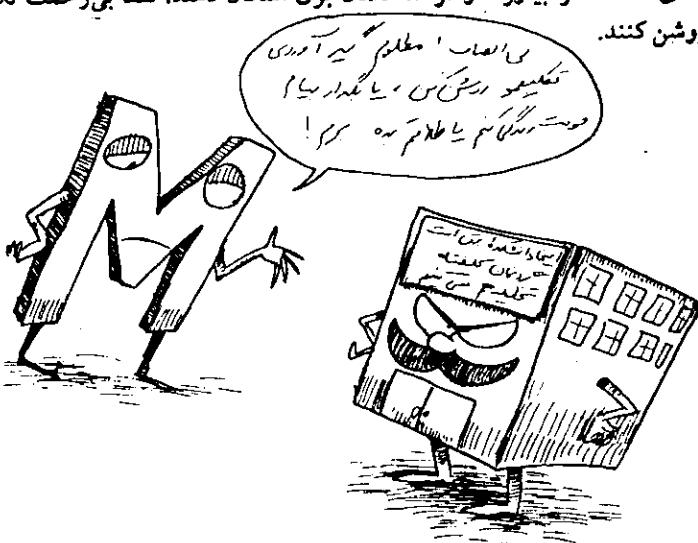
اینده اصلی مسابقه از مسابقه برنامه نویسی که در شانگهای چین برگزار شد اخذ گردید. طرح برگزاری این مسابقه توسط دکتر رزازی به سه تن از دانشجویان دانشکده (محمد رضا جمالی، فاطمه رحیمیان، نسیم ناجی) داده شد. عمله تلاش برای برگزاری مسابقه بر مهده آقای جمالی بود. برخی مشکلات اولیه (مانند ایراد c borland طبقه نهم، کمبود جا) و نیز کم توجهی دانشجویان، باعث شد یک هفته قبل از شروع مسابقه تصمیم به عدم برگزاری آن گرفته شود که با پیگیری جدی آقای علی پژشک این مشکلات برطرف شد. تعداد شرکت کنندگان در مسابقه ۲۴ نفر بود که این افراد برای پاسخگویی به چهار سوال مطرح شده توسط دکتر رزازی و مهندس پورآذین ۴ ساعت فرست داشتند. مجموع امتیازات چهار سوال فوق ۲۴۰۰ بود که گروه اول ۱۱۹۸ امتیاز آنرا کسب نمود. آقایان حجت پارتا، علی پژشک، عباس پالاش، علیرضا آرزومندی ارشادی (همگی از ورودیهای ۷۵) اعضای این گروه را تشکیل می‌دادند. گروههای پنجم و ششم از دانشجویان دانشکده برق بودند. البته تکلیف جوایز برندهای این مسابقه هنوز معلوم نیست!

نکته تأمل برانگیز، عدم موفقیت گروههایی مشکل از نخبگان برنامه‌نویسی دانشکده بود. این امر نشان می‌دهد که برای یک کار موفق، تبحر فردی کافی نیست و همانگی اعضای گروه یکی از شروط اساسی است.

پویش از تلاش‌های دوستانمان، علی‌اکبر آخوندی، حجت پارتا، علی پژشک، محمد رضا جمالی، فاطمه رحیمیان، محمد تقی سمعی، نوید قره‌قزلو، ابوالفضل مستغیشی و نسیم ناجی صمیمانه سپاسگزار است.

همچنان بلا تکلیف

می‌گویند عجله کار شیطان است. ظاهرا این جمله روی ذهن مسولان دانشکده برق تاثیر ماندگاری گذاشته! شاید هم عطسه کرده‌اند! به‌هرحال آنطور که از ظواهر امر پیداست، حالا حالاها قصد تخلیه ساختمان فعلی شان را ندارند. نکته جالب‌تر آن است که این ساختمان بلا تکلیف، تازگی‌ها مدنی تازه‌ای نیز پیدا کرده است. مانکه بخیل نیستیم! اصلاً ممه بی‌خانمان‌های دانشگاه را بیاورند و در ساختمان برق اسکان دهند. فقط بی‌زحمت تکلیف ما را هم روشن کنند.

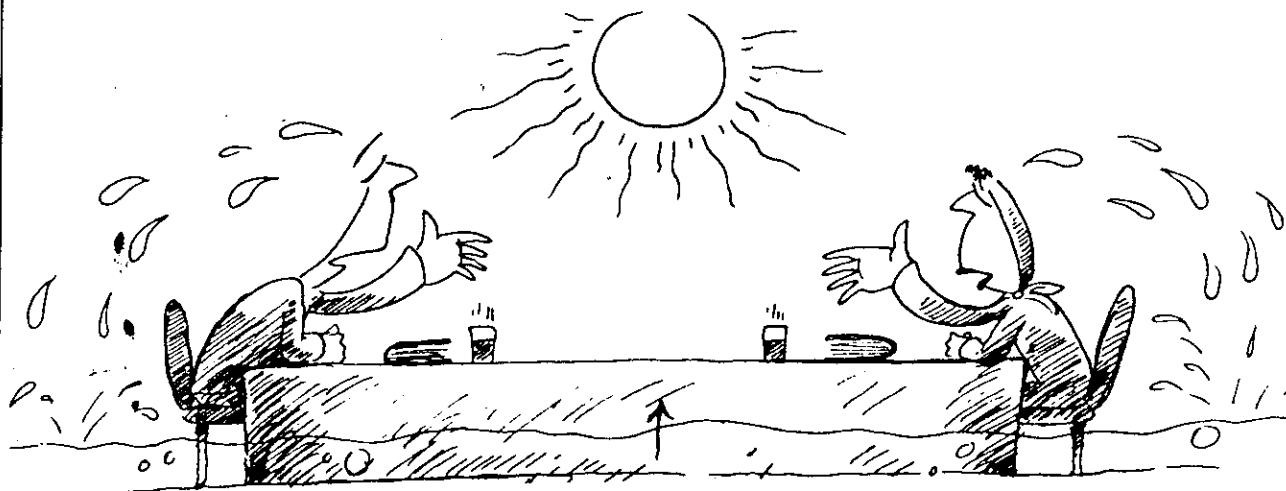


به دنبال تصمیم شورای انفورماتیک دانشگاه در مورد متمرکز کردن سرویس اینترنت در مرکز محاسبات و قطع سرویس دانشجویان دوره کارشناسی، ارتباط دانشکده با شبکه اینترنت قطع شد. به علت ادھای اثبات نشده مرکز محاسبات در مورد نفوذ به مرکز محاسبات از طریق دانشکده کامپیوتر و مباحثت بین مدیریت دانشکده و مرکز محاسبات، تصمیم به قطع دسترسی ماشین ce (قدیم) به شبکه دانشگاه گرفته شد. به همین علت ماشین جدیدی با نام ce را اندازی و ماشین قبلی به sun490 تغییر داده شد. تعریف کاربران نیز با استفاده از NIS متمرکز گردیده و تمام Home Directory های کاربران به صورت متمرکز در آمد که توسط NFS Auto Mounter استفاده می‌شود. بنا براین Home Dir کاربران و password ها در تمام ماشین‌ها یکسان بوده و دسترسی به هر ماشین فقط از طریق مجوزهای دسترسی آن کنترل می‌گردد. برای کنترل آدرسها شبکه داخله به دو بخش ثابت و متغیر در آمد که بخش ثابت شامل آدرس بقیه کامپیوترها در آزمایشگاه سیستم حامل پیشرفت، هوش مصنوعی و پردازش تصاویر از طرق DHCP که روی NT server نصب شده کنترل می‌شود.

یافته و کامپیوتر جدید خریداری شده که یک ماشین دوپردازندۀای ۳۰۰ - ۳۰۰ Pentium II است به نام2 server به هنوان server جدید راه اندازی شده است. برای دسترسی به شبکه داخلی دانشکدهم یکی از خطوط تلفن دانشکده از طریق ماشین NT متنظر شده که دسترسی به آن فعلًا محدود به اساتید و مدیران سیستم می‌باشد. بخش فارسی سیستم وب دانشکده هم در تابستان توسط کارآموزان تکمیل شده است. این اطلاعات از طریق ماشین Pentium2 در دسترس است. اطلاعات وب انگلیسی که قبله تهیه شده بود نیز از طریق cwe5 قابل مشاهده است.

دانشگاه تعطیل شد، ولی...

پس از بیان امتحانات، کارگروه فرهنگی پوش بطور منظم ترا ادامه یافت. گروه موضوعاتی زا با رأی اکثریت انتخاب کرد و جلسات بحث این گروه شروع شد. جلسات بحث در تابستان بسیار گرم و پرحرارت بود که البته گرمای هوا در این زمینه نقش عمده‌ای داشت! موضوع‌هایی که تابه حال در این گروه بررسی شده، صفات انسان و عشق در دفتر اول مشتمی است.



مفتان و هنرمندان شهروند کوچکان

این دو کارکور بیست و سه بیکم و نیمین را بوقتی دانشگاه را بوقتی کشوری کنیم! میزونه هنرمندان شهروند کوچکان، هنرمندان ای ای و پیش از وقتی ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان! ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان! ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان! ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان! ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان! ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان!

تهران - شهریور مفتان و هنرمندان

این دو کارکور بیست و سه بیکم و نیمین را بوقتی دانشگاه را بوقتی کشوری کنیم! میزونه هنرمندان شهروند کوچکان، هنرمندان ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان! ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان! ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان! ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان!

کارکور هنرمندان

این دو بحث در ۲۴ بهمن مصباحی به مدت یک هفته ادامه شدند که در مدت آنها مفتان و هنرمندان بحث جویی ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند (میزونه هنرمندان شهروند کوچکان، هنرمندان ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند). آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان و دانشگاهیان ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان! ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان! ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان! ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان! ای ای و پیش از وقتی همچویی بودند. آنها دانشگاهیان گفتهن، چیزی گفتهن، سه شهروند هنرمندان شهروند کوچکان!

SUMMER VACATION

بابی جونز می گوید: «استاید راهنمای باید در روز ثبت نام حضور داشته باشند». والبته که غالباً اینطور نیست.

موقعیت سوم:

«کلاغها را دور کنید»

همه به هم نگاه می‌کنند. مستول ثبت‌نام به صفحه کامپیوتوش نگاه می‌کند. پیغام خطایی که روی صفحه به چشم می‌خورد، حکایت از بهم ریختن شبکه آموزش دارد. مفهوم عمیق‌تر این پیغام، آن است که ثبت‌نام تا زمان راه افتادن مجدد شبکه متوقف گردیده. اینکه در همین لحظه، ثبت‌نام در سایر دانشکده‌ها ادامه دارد و برخی واحدها ممکن است پر شوند، به هیچ وجه مورد توجه نیست.

بابی جونز می گوید: «کابلهای شبکه از راه هوایی و از لابلای درختان کشیده شده اند. بنابراین قطع مسیر توسط کلاغ زاضی های مهاجر امکان پذیر است. بهتر است کابلها از زیر زمین عبور داده شوند. اینکار احتمالاً به زودی انجام خواهد شد.» بابی هشدار می دهد: «پیش از استفاده از کابلهای زیرزمینی شبکه ایسترنت دانشگاه، به فکر مسائل امنیتی باشید! در یک شبکه عمومی امکان نفوذ و خرابکاری خیلی زیاد است.» بابی خودش این کاره است!

موقعیت چهارم:

«جامعه گاهی مدنی است»

مسئول ثبت نام می‌گوید: «ستاره خورده‌اید؟!... اخطر اعدام رعایت پیش نیاز و هم نیاز...» احتمالاً شما دلایلی دارید که ناچار ید اینظرور واحدهایتان را انتخاب کنید. شاید ترم قبل درس را افتاده‌اید و حالا گر درس بعدی اش را برندارید، تمام برنامه‌تان بهم بریزد. شاید درس خیلی بهم ربط نداشته باشند. شاید بشود کمی انعطاف به خرج داد.

ولی بابی می‌گوید: «به هیچ وجه! محال است! قانون، قانون است و شاید موبه مو، عابت شود.»

دانستن اینکه شما می‌توانید به محل آموزش کل بروید و در آنجا، رئیس آموزش با یک امضاء کارتان را راه بیندازد، می‌تواند شگفت‌زده‌تان کند. البته، قانون قانون است. ولی همیشه گریزگاههایی هم دارد!

■ با بی جونز می گویید: «وجود یک چیز عجیب، هیچگاه عجیب نیست.»

■ بابی اس. جونز، فیلسوف بزرگی است که تابحال ناشناخته مانده، ذهن فعال بابی، لحظه‌ای آرام نیست، او در خیال خود، موقعیتها و شرایط عجیب و غیرقابل توجیهی می‌افزیند و سپس، نظریات بدیع خود را پیرامون آنها ارائه می‌نماید. آسچه دریی می‌آید، تراوشتان اندیشه نازارم اوست پیرامون "سیستم ثبت‌نام دانشجویان دانشگاه الاسکا"

موقعیت نخست:

«کسی دیپر کر دی؟»

عده‌ای دانشجو پشت در اتفاقی جمع شده‌اند. از آنجا که امروز، روز ثبت‌نام است، احتمالاً این افراد برای ثبت‌نام ترسم آینده‌شان در این مکان تجمع نموده‌اند. احتمالاً این محل دفتر آموزش دانشکده است. با این جونز می‌گویید: «همه چیز به خوبی پیش می‌رود. نظم از راه بسیار نظمی برقرار شده: با تهیه فهرستی تصادفی از اسمای دانشجویان، دیگر کسی نگران حفظ نوبتش در صفت نیست. همه چیز به خوبی پیش می‌رود. ساعت هم ۱۵:۰۰ است. تنها ایراد کار، بسته بودن در دفتر آموزش است.

موقعت زوم: -

«رقبت جدی ایهام اساسی»

بیت نام شروع شده، مسئول ثبت نام تمام تلاش خود را می‌کند که کارها سریع انجام شود. اینکه آیا یک دستگاه کامپیوتر و یک نفر مسئول برای این کار کم است یا خیر، موضوع دیگری است که فعلأً کسی به فکر نیست. هر کدام از دانشجویان، فهرست دروس انتخابی اش را که قبلاً به امضا ای استاد راهنمای مربوطه اش رسانده درست دارد. اینکه این کار چگونه انجام شده هم موضوع دیگری است.

نهام موجود پیرامون موقعیت و فلسفه وجودی "استاد راهنما" و ازدهی این شیوه، اساسی است. مردم می‌پرسند چگونه است که رخی استاد راهنما، حداکثر ۱/۱ برابر معدل فرد به او واحد می‌دهند، بعضی برگه انتخاب واحد را نماید، امضاء می‌کنند، برخی مان حضورشان را محدود به ساعتی از پیش اعلام شده می‌نمایند،

دو تا کافیہ

طبق آمار موجود جمعیت، دانشگاه آلاسکا بیش از ظرفیت آن است. طبق مستندات دیگر، هر سال تعداد پذیرفته شدگان بیشتر می‌شود. گزارش‌های تأیید نشده حکایت از پذیرش بیش از ۷۰ دانشجو در سال جدید دارد. به این ترتیب اصلًا نباید تعجب کنید اگر واحدی به شما ترسد و ظرفیت‌ش تکمیل شود. همچنین ممکن است گروهی که به برنامه شما می‌خورد پر شده و زمان گروه دیگر با بقیه واحدهایتان تداخل داشته باشد. حتی بدتر از این، گاهی ممکن است واحدهایی که یک گروه بیشتر ندارند، با هم تداخل داشته باشند.

بابی جو زن عقیده دارد: «دانشجویی که طبق برنامه پیش آمده، باید با مشکل تداخل روبرو شود.» او ادامه می‌دهد: «برنامه ریزی کار دشواری است و پارامترهای زیادی را باید در نظر گرفت.» به عقیده او اینکار به تخصص ویژه‌ای نیاز دارد و کار هر کسی نیست.

بابی پیشنهاد می‌کند در پایان هر روز ثبت‌نام، اسامی و شماره گروههایی که ظرفیت‌شان پر شده روی دیوار زده شود تا دانشجویان بتوانند لائق برای روزهای بعد برنامه‌شان را تنظیم کنند.

• موقعت ششم:

«به چشم هایم نگاه کن...»

حال راستش را بگو!

در سیستم آموزشی دانشگاه آلامساکا، تعداد واحدهایی که یک دانشجو در هر ترم می‌تواند بردارد، بستگی مستقیم به م معدل ترم گذشته‌اش دارد، تا اینجای کار هیچ اشکالی وجود ندارد. مشکل وقتی آشکار می‌شود که بدانیم موقع ثبت‌نام، معدل کل ترم قبل هیچکس معلوم نیست. بنابراین برای استاد راهنمای، راهی باقی نمی‌ماند بجز اعتماد به گفته خود فرد، و خود فرد هم راهی ندارد بجز گشتن به دنبال نمره‌هاش، روی در و دیوار.

بابی جونز دو علت برای این مشکل یافته: «اول آنکه اساتید، گاهی نعمتات را خیلی دیر به آموزش ارسال می‌کنند. که استاد اس، بعضی

1100

کم خشن!

- را امضا کند و... که این مسؤولیت هم با من است.
- شما ارتباط خودتان را با دانشجوها چطور می بینید؟
- من دوست دارم با دانشجوها ارتباط نزدیک داشته باشم، ولی گاهی رفتار برخی از دانشجوها درست نیست. مثلًا پارسال ما اینجا دسترسی به اینترنت داشتیم. خوب خطی که دانشگاه از طریق فیزیک نظری دارد ظرفیت محدود است. بارها پیش آمده بود که یک استاد یا دانشجوی دکتری برای انجام طرح تحقیقاتی یا تزیش، احتیاج به کار با اینترنت داشته، ولی به خاطر سرعت کم نمی توانسته کارش را انجام دهد. بعد می آمده اینجا و می دیده که همه در حال کار با اینترنت هستند. حتی پیش آمده که استاد یکی دیگر از دانشکده ها بر سر همین موضوع به من پرخاش و توهین کرده. آن موقع، وقتی به دانشجوها می گفتم با اینترنت کار نکنند، فکر می کردند من با آنها پدر کشته گی دارم. در حالی که من دانشجوها را مثل برادر و خواهر کوچکتر خودم می دانم. ما اینجا در دانشکده کامپیوتر یک خانواده ایم. من هم ک کارمند بیشتر نیستم و اگر دانشجو نباشد ما هم نیستیم. اگر دانشجوها هم وظیفه خودشان را بدانند بهتر است. ما دوست داریم با همه رفیق باشیم و راه بیایم.
- از بحث اینترنت که بگذریم (که البته بچه ها هم متناسب با این سیستم که جلوی کارشان با اینترنت را گرفت شدیداً گله دارند) رابطه شما با بچه ها چطور بوده؟
- جو دانشگاه جوی است که من تک و توک با بچه ها رفاقت می کنم. بچه های الان مثل جوانهای قبل نیستند. رفاقت قدیم فرق می کرد. قبل افراد ۵-۶ سال طول می کشید تا از دبیرستان به دانشگاه بیایند و در این مدت "مردم دیده" می شدند. الان بچه هایی که می آیند هنوز در حال و هوای دبیرستان هستند. فکر می کنند استاد همان معلم مدرسه است و کارمند هم همان خدمتگزار مدرسه، تا بخواهد جا بیفتند و ذهنش با این محیط آشنا بشود یک سال، دو سال طول می کشد. و گرنه من بچه های دانشجو را دوست دارم. اگر هم ظاهراً خودم را خشن نشان می دهم به خاطر موضوع های دیگر است.
- اگر می شه توضیح بدید.
- شرمنده! اینو نمی تونم!
- الان جامعه طوری شده که سریع برای آدم حرف در می آورند.
- حالا من می خواهم فکری را که در بین برخی بچه ها هست بگویم. آن هم این است که می گویند چون خنداب خیلی با بچه ها دخور نمی شود، شاید حراسی باشد! نظر خودتون چیه؟
- من تبیه طوری است که همه از این فکرها می کنند. بیرون از دانشگاه هم همینطور است.
- حالا واقعیت چیه؟
- واقعیت نداره!
- من در اردوی فشم که برای اولین بار با شما آمدم، خودم شنیدم که

● بسم الله الرحمن الرحيم. ضمن عرض سلام به شما، آقای خنداب. چه خبر آقای خنداب؟

● خبری نیست! شکر.

● لطفا از سابقه کارتان در دانشکده بگویید.

● من در سال ۱۳۷۲ وارد دانشگاه امیرکبیر شدم و مستقیماً در دانشکده کامپیوتر شروع به کار کردم. آن موقع مرکز کامپیوتر دانشکده در کلاس ۱ فعلی بود و مسؤول آن آقای عبدی بودند که من هم توسط دکتر صفا باخشن فرستاده شدم به مرکز کامپیوتر در کنار آقای عبدی.

● همین آقای عبدی، معاون مالی خودمون؟

● بله. ایشون مسؤول اتاق کامپیوتر بود و کارهایی مانند وقت دادن و رفع ایراد کامپیوترها را انجام می داد که بعد من جای ایشان را گرفتم و ایشان پستشان عوض شد.

● پستشان پس از مسؤولیت اتاق کامپیوتر چه شد؟

● معاونت مالی اداری ایشون دانشکده این طوری نبود. خیلی درب و داغون بود. با پیگیری هایی که آقای عبدی و بندی و سایر کارکنان انجام دادیم، این دانشکده رو به راه شد.

بعد از مدتی به دلیل مشکلاتی که بوجود آمد، آقای یزدی مسؤول انتشارات، شدند مسؤول دفتر و من با حفظ سمت شدم مسؤول انتشارات. حکم من تکنین کامپیوتر خورده بود. ما کارهای انتشاراتی می کردیم، ایرادهای کامپیوترها را رفع می کردیم، برای کار با کامپیوترها وقت می دادیم.

● شما تخصصی در علوم کامپیوتر دارید؟

● قبل نداشتم. ولی به مرور زمان چیزهایی بیاد گرفتم. الان ایرادهای سخت افزاری کامپیوترها را تا حدودی می توانم برطرف کنم و نیز کارهایی مانند پاک کردن ویروس دستگاهها و... البته دروس کامپیوتر پیش فته تر از اینهاست.

● ولی ما گاهی می بینیم شما کارهایی خیلی بیشتر از اون چیزهایی را که گفته اید انجام می دهید. مثلًا خوبیدها و...

● الان در حدود ۱/۵ الی ۲ سال است که من کاربر داز دانشکده شدم. هر کاری را که به من ارجاع کنند انجام می دهم.

● بالاخره یک چارت مشخصی دارد...

● درسته. ولی الان در چارت دانشکده کامپیوتر نیرو کم است. یک سری کارها را هم باید آقایان انجام دهند. ما کارها را به صورت رفاقتی انجام می دهیم و سعی می کنیم کاری زمین نماند.

● من گاهی اینطور حس کرده ام که شما نوعی نظارت روی کار بقیه (علی آقا و...) هم کرده اید. آیا این هم جزو وظایفتان است.

● بله من مسؤول خدمتگزاران هم هستم. الان در دفتر فنی دانشگاه طرحی تهیه شده که در هر دانشکده یک مسؤول ساختمان انتخاب شود و اگر مشکلاتی (از قبیل قطعی برق و...) پیش آمد، زیر نامه ها

کمک شده، ما خودمون کما بیش در جریان وضع مالی داشتکده هستیم و می دانیم که بودجه کم است. ولی به هر حال باید طوری باشد که کارمندی که می آید دل به کار بدهد.

۴- امکانات رفاهی خاصی برای کارکنان هست؟

○ در دانشکده‌های دیگر کارهایی از این قبیل می‌شود که مثلاً کارمندان را بطور دسته جمعی به مسافرت بفرستند و... نمونه‌اش در دانشکده برق. ولی ما تابه‌حال چنین چیزهایی نداشیم.

روابط بین دختر و پسر را چگونه می بینید؟

○ در دیبرستان بچه ها محدود بوده اند و در اینجا که کمی آزادی پیدا می کنند ممکن است مشکلاتی پیدا کنند. به همین دلیل بعضی مواقع مجبور به یک سخت گیری هایی بکنیم. نه من، حراست دانشگاه، نه حراست دانشگاه، جای دیگر.... تا یک مدتی بگذرد. بعد که اشیاء شدند مشکلی ندارد. روابط باید حسن باشد. مشکلات درسی را با هم حل کنند. روی پرورده ها کار کنند.

خودتان حرف دیگری ندارید

• خدا حافظ

گفتگو توسط علیرضا بذرآفشا و علی حاجیزاده

می گفتند "این کیه او مده! دیگه اردو بیں اردو!"

- البته ما که شما رو بیرون از دانشگاه دیدیم می دونیم که واقعیت نداره... رابطه شما با کارمندها چطوره؟ با او نها هم مثل دانشجوها برخورد می کنید یا نگرشتان فرق داره؟

○ شما می‌آید و می‌روید. ممکن است بعد از چهار سال بروید و دیگر پشت سرتان را هم نگاه نکنید. ولی ما باید ۳۰ سال اینجا در کنار هم کار کنیم. ۹۰ درصد زندگیمان در اینجا و با هم می‌گذرد. بنابراین رابطه مان باید مثل برادر یا خواهر باشد. سعی می‌کنیم مشکلاتمان را با هم خودمان حل کنیم.

● از انتقال دانشکده، چه خبر؟

○ اینظر که من شنیدم به احتمال ۷۰٪ این ترم منتقل می‌شویم.

● شما پویش را می خواهید؟ چطوری است؟

○ خوب است. دانشجوها را به هم نزدیک می‌کند و اتفاقاتی را که در دانشکده می‌افتد به بچه‌هایی که در جریان نبوده‌اند منتقل می‌کند. اینکه مشکلات دانشجویان و اساتید و کارکنان را بتوسیله خیلی خوب است.

● از مشکلات کامپیوٹر سے

○ هر کارمندی که اینجا حساب کنید کلی مشکل دارد. چون اغلب تشکیل زندگی داده اند و متأهل شده اند. با این تورمی که هست، اغلب مشکلات در جامعه مالی است. البته تا جایی که بوده، کمایش به ما

عجم و خس و زنگ

بیوی از بیان کارهای امیرکل را در راه هم زدن و فرج زدن معرفه کردند. این تحقیق را می‌دانند
که این جزوی از تحقیق ایزرا که در تحقیق این کارهای امیرکل هر طریقی است ای تحقیق، ای تحقیق
که این کارهای امیرکل را در راه هم زدن و فرج زدن معرفه کردند. این تحقیق را می‌دانند

دعا زریم و طلاق که اینجا بینهایی نیست که در راضی الله و دعا و ادعیت مطلب است
تمام و آنچه چشم در صفات پر خداوندگار کریم صفات را گرفته:

معلم از حسن صدیقی - ششمین دوره مکان خوب ... | پیویش ۶ / صفحه ۱۱

ترجمه خبرها: علی اکبر آخوندی



آماده برای Windows 98

اگرچه آمدن ویندوز ۹۸ مهمترین حادثه دنیای نرم افزار ظرف ۳ سال گذشته نمی باشد، ولی با این اوضاع و احوال اگر قصد دارید سیستم عامل دستگاه خود را ارتقا دهید لازم است با یکسری اصول اولیه برای بهتر اجرا شدن این سیستم عامل بر روی دستگاه خود آشنا تر شوید و از بعضی از امکانات جدید آن مطلع شوید.

حجم ویندوز ۹۸ بیشتر از حجم ویندوز ۹۵ نیست، ولی با اینحال برای آنکه بر احتی اجرا شود نیاز به حداقل ۱۶MB RAM و ۱۹۵MB فضای خالی روی دیسک سخت دارد. از آنجا که ممکن است بعد از مدتی بخواهید دوباره به ویندوز ۹۵ برگردید، برای همین موقع نصب ویندوز ۹۸ از شما سوال می شود آیا می خواهید امکان برگشت به ویندوز ۹۵ را حفظ کنید یا خیر. در صورتیکه به این سوال پاسخ مثبت بدید، امکان **uninstall** کردن ویندوز ۹۸ را خواهید داشت. به یاد داشته باشید که اگر FAT خود را به ۳۲-FAT تبدیل کرده باشید امکان این بازگشت وجود ندارد.

برخی از امکانات جدید ویندوز ۹۸

(۱) **DVD Player**: تا قبل از آمدن ویندوز ۹۸ اکثر افراد در استفاده از DVD دچار مشکل بودند. مهمترین این مشکلات، شناساندن آن به ویندوز ۹۵ بود که کار مشکل و پر در درسری شمرده می شد. اما حالا، با ویندوز جدید بر احتی می توانید از DVD توان استفاده کنید. ویندوز ۹۸ درایورهای لازم برای DVD را همراه خود دارد. فقط کافی است موقع نصب ویندوز آنرا مشخص کنید.

(۲) امکان استفاده از چند نمایشگر: انواع کارتهای گرافیکی و نمایشگرهای موجود یا در راه (مثلاً آنها که برای اپل مکیتاش ساخته شده‌اند) توسط ویندوز ۹۸ شناخته می شوند. همچنین این سیستم عامل می تواند با بیش از یک نمایشگر کار کند. یعنی شما می توانید تا نه عدد کارت گرافیکی روی دستگاه خود نصب کرده به هر کدام یک نمایشگر وصل نمایید. ویندوز می تواند خروجی برنامه‌ها را روی این نمایشگرهای تقسیم کند. طوری که مثلاً یک برنامه در یکی و برنامه دیگر روی نمایشگر دوم اجرا شود.

(۳) امکان استفاده از دو مودم: یکی از اشکالات اساسی در کار با شبکه اینترنت، پایین بودن سرعت خطوط تلفن است. یک راه حل برای خلیه بر این مشکل، استفاده از تکنولوژی Dual-Modem است. یعنی با استفاده از دو مودم می توانید سریعتر به وب دسترسی داشته باشید. ویندوز ۹۸ می تواند به راحتی برکار دو مودم نظارت کند، بدون اینکه احتیاج به نرم افزار یا **firm ware** خاصی باشد.

استفاده از اثرا نگشت

به جای کلمه عبور

شرکت Compaq قصد دارد نوع جدیدی از بگ سخت افزار کوچک را ارائه دهد که به جای دریافت کلمه عبور کاربر، با پرسنی اثرا نگشت او، اجازه دسترسی به شبکه یا کامپیوتر شخصی را می دهد.

این ابزار جدید، محصول مشترک دو شرکت **Indicator Technologies** و **Compaq** است و از دو بخش نرم افزار و سخت افزار تشکیل شده. نرم افزار است **Indicator** نرم افزار لازم برای شناسایی و تشخیص اثر اثرا نگشت افراد را می سازد. این از این وسیله، نصف یک **Mouse** معمولی است. شوه کار اینکه است که کاربر، یکبار اثر اثرا نگشت و کلمه عبور خود را به نرم افزار مربوطه معرفی می کند، از آن پس به جای وارد کردن کلمه عبور، اثرا نگشت خود را داخل دستگاه می گذارد. پس از بررسی اثر اثرا نگشت، نرم افزار کلمه عبور را که با این اثر اثرا نگشت وارد شده بود، به برنامه متناسب کلمه عبور می فرماید.

این سیستم نیست به وارد کردن مستقیم کلمه عبور مزایای پیشی دارد: اول اینکه هنگام درود به سیستم، وقت کنتری از شما گرفته می شود. ثانیاً امکان اینکه گس دیگری بتواند از شناسه کاربر شما استفاده کند وجود ندارد: با وجود این مزایا، هنوز شرکتها و موسسات دولتی، چندان به این وسیله جدید خوشبین نیستند. قرار است این دستگاه با قیمت ۹۹ دلار تا اوایل اکتوبر تنها با شبکه ها و دستگاههایی که سیستم عامل آنها Win95 یا NT است گار می کند، هرچند بناست از Win98 و Novell هم پشتیبانی کنند.

باز هم تاخیر

کمپانی ایتل عرضه Merced Chip را به تاخیر انداخت.

چندی پیش کمپانی ایتل با اعلام خبر فوق افزود قصد دارد تولید این Chip جدید را حداقل شش ماه به تاخیر بیندازد.

این تاخیر در عرصه نن آوری جدید باعث بالارفتن آن شده، و پس پیش می شود سود سرشاری نسبت این کمپانی شود. کمپانی ایتل از این کار به عنوان استراتژی جدید خود نام برد است. یکی از کارشناسان شرکت ایتل نحوه عملکرد این کمپانی را چنین توجیه کرد: در حال حاضر در بازار برنامه های که با 64bit کار کنند وجود تاردو عرضه این آوری جدید قبل از آنکه موردن تقاضا باشد کار پس منفعتی نیست. بنابراین تخصیم گرفته شد این تکنیک جدید بروزی ارائه نشود.

این عمل شرکت ایتل باعث افزایش ارزش سهام این شرکت گردید. صاحب نظران معتقدند شرکت ایتل این استراتژی را تنها برای بالایردن قیمت انجام داده است.

امنیت! امنیت!

طبق خبر رسیده از واشینگتن، یک تم مخصوص با استفاده از یک کامپیوتر دست ساز که با صرف هزینه ای کمتر از 500 دلار ساخته شده است موفق شدند در کمتر از سه روز یکی از پرکاربره ترین روش های رمز گردان داده ها را بشکستند. این گروه به مدت 65 ساعت، 1.18 میلیارد (یکیون) حالت مختلف را در هر ثانیه آزمایش کردند تا یک پیام راک با استفاده از روش DES که یک روش تضمین شده دوستی است را رمزگشایی کنند.

این مسابقه برای شکستن پیام توسط شرکت RSA که بر علیه محدودیتهای صادرات تولیدات مجاز نیست Virtually Unbreakable (قابل شکستن) بود. پیامی که با امکانات فعلی یا برای مدت پیش یافته شده در زمانهای بسیار طولانی قابل شکستن می شود، مثلًا 10^{50} سال) قوی رمزگارانی که از 56 بیت باشد می بازد می کند. این محدودیت برای محصولاتی است که طول کلید رمزگشایی آنها از 56 بیت بیشتر باشد. پیامی که رمزگشایی شد این بود: "it's time: for those 128-, 192- and 256-bit keys" در تلاش قبلي برای شکستن همین پیام، 1 ماه و 29 روز طول گشته بود که در آن تعداد زیادی کامپیوتر بطور موازی روی استرلت برای تست 72 حالت ممکن کلید کار می کردند.

Win98 از

یکی از قابلیت های ویندوز 98 ، جدول تخصیص فایل (FAT) سی دو بیتی آن است. این ویژگی، به شما امکان می دهد از میزان هدر رفتن دیسک سختان بکاهید. FAT-32 می تواند درایور های مجازی بیش از 2 گیگابایت را پشتیبانی کند در حالی که سیستم قدیمی 16 هدکتر می توانست 2 گیگابایت برای هر درایور تخصیص دهد. در $FAT-32$ ، مقدار حافظه مورد نیاز برای ذخیره یک فایل یک بایتی 4 کیلوبایت است (به اندازه طول یک بلوک قابل آدرس دهی) که این مقدار در 16 کیلوبایت است. FAT-16 در نسخه های قدیمی ویندوز وجود نداشت و $FAT-16$ استفاده کرد. FAT-32 در نسخه های مایکروسافت معرفی شد. البته در آن نسخه نخستین بار در Windows 95B توسط مایکروسافت انجام شد. این مشکل در Win98 به امکان تبدیل $FAT-16$ به 32 وجود نداشت و اگر هارد شما با $FAT-32$ فورمات شده بود، احتیاج به یک برنامه دیگر برای این کار بود. این مشکل در 98 به خوبی حل شده و تبدیل فوق بدون از دست رفتن اطلاعات انجام می شود.

ویروسی برای Win98

در تاریخ 19 ماه می اعلام شد ویروسی جدید منحصرأ برای Windows98 نوشته شده در حالی که تاریخ عرضه خود Win98 توسط مایکروسافت 25 ماه ژوئن اعلام شده است. این ویروس به فایلهایی با فرمت bitmap مورد استفاده Windows98 حمله می کند و عمل Miror را روی آنها انجام می دهد. ویروس فوق در صورتی فعال می شود که شما کامپیوترتان را روز یکشنبه راه اندازی کنید. نویسنده این ویروس Griyo است که در دنیای ویروس نامی آشناست. خبر دلگرم کننده ای هم از اسپایانا رسید مبنی بر اینکه نرم افزار ضد ویروس این ویروس هم تهیه شده است.



مشکل سال ۲۰۰۰

رئیس جمهور آمریکا خواستار مشارکت هرچه وسیعتر محققین برای رفع مشکل سال ۲۰۰۰ شد. Bill Clinton در پانزدهم July در آکادمی ملی علوم واقع در واشنگتن در مورد مشکل سال ۲۰۰۰ سخنرانی کرد. وی در این سخنرانی به گوشاهی از طرحهایی که دولت آمریکا برای مقابله با این مشکل طراحی و برنامه ریزی کرده است، اشاره کرد و خواستار مشارکت محققین برای رفع هرچه سریعتر این مشکل شد. وی همچنین در ادامه سخنان خود افزود در حال دادن پیشنهادی به کنگره ملی آمریکا هستیم تا با این مشکل به صورت قاطع تری برخورد شود. وی همچنین از تاسیس و ایجاد یک بانک اطلاعاتی وابسته به وزارت کار آمریکا اطلاع داد که در این مرکز در مورد مشکل فوق اطلاعات جمع می کند و به وسیله این مرکز افراد واجد شرایط برای رفع این مشکل جذب شده و استخدام می شوند.

سرپرست این پروژه عملیاتی اظهار داشت ایالات متحده برای قویتر شدن این مرکز مبلغ ۱۲ میلیون دلار سرمایه گذاری کرده است وی همچنین افزود این مرکز ۲۰ کنفرانس ناحیه ای برای ردوبلک کردن اطلاعات و کشف راه حلها جدید برگزار می کند. طبق خبرهای رسیده از روسیه آنها نیز خواستار رفع این مشکل شده اند. سرپرست قسمت بازرگانی آمریکا در امور روسیه افزود، اگر تا قبل از اول ژانویه سال ۲۰۰۰ این مشکل حل شود ضررها مالی زیادی به مؤسسات بازرگانی آمریکا و روسیه وارد می شود.

مشکل سال ۲۰۰۰ به این شکل است که بیشتر نرم افزارهای قدیمی برای صرفه جویی در مقدار حافظه از دو رقم برای نشان دادن تاریخ استفاده کرده اند یا به عبارتی آنها سال ۱۹۰۰ را برابر ۰۰ گرفته اند و همین موضوع باعث می شود که در محاسبات پس از سال ۲۰۰۰ میلادی اشتباهات زیادی بوجود بیاید.

طبق گزارش رسیده از کمپانی Micro Soft این کمپانی هنوز راه حلی برای مقابله با این مشکل ندارد. سخنگوی این کمپانی گفت: نسخه های جدید نرم افزاری این کمپانی مشکل قدیمی ثبت تاریخ را ندارند.

طبق خبری که از وزارت نیروی آمریکا رسیده، مقامات این وزارت توان اعلام کرده اند چون بیشتر تجهیزات نیروگاههای این کشور به وسیله نرم افزارهای حساس به تاریخ کنترل می شوند. اگر این مشکل حل نشود هیچ تضمینی برای قطع نشدن برق در اول ژانویه سال ۲۰۰۰ وجود ندارد.

نحوه عملکرد نرم افزارهای وزارت نیرو به این صورت است که اگر تاریخ دستگاه هر روز تغییر نکند برق عبوری را قطع خواهند کرد و در اول سال ۲۰۰۰ تاریخ دستگاهها اشتباه محاسبه می شود و همین امر باعث قطع برق می شود.

همین مشکل در نیروگاههای اتمی آمریکا نیز وجود دارد ولی مسئولین آن اعلام داشتند این مشکل تاثیری بر روند کلی عملیات نیروگاهها نخواهد داشت.

باز هم پردازندگان

دو اوایل تایستان شرکت ایستل پردازندگان جدید خود را با نام Pentium II Xeon را به بازار معرفی کرد. این پردازندگان با پیاس ساعت ۴۰۰MHz کار می کنند. نسخه ۴۵۰MHz ای این هم قرار است در پاییز امسال به بازار عرضه شود. این پردازندگان ها با پیاس ۱۰۰MHz کار می کنند و پردازندگان از دو باس مجزا برای ارتباط با خارج بجهه می برد. سرعت پام در پردازندگان های قبلی ۶۶MHz بوده است. مساری Xeon به گونه ای است که آنرا قادر می سازد در یک ساختار ۴ پردازندگانی به خوبی کار کند و به قلت استفاده از مساری Extended Server Memory Arch.

آدرس دهن داشته باشد. همزمان این شرکت قصد دارد Mobile Pentium را برای کامپیوتر های کمیک و Celerone را برای کامپیوتر های شخصی عرضه کند.

هنرمان شرکت Cyrix رقیب ایستل، پردازندگان M-II 300 خود را عرضه کرده است. این پردازندگان که نصف قیمت P-II 300 را دارد به عنوان رقیب Celerone عرضه شده و حدوداً ۲۵٪ از Celerone سریعتر است. این پردازندگان در اصل یک پردازندگان با سرعت ۲۲۲ است. شرکت National Semicond ۷۷۷۷ که سهام Cyrix را خریده است گفته قصد دارد PC-on-a-chip را عرضه نماید که امکان می دهد که شما کامپیوتر هایی در هر شکل و اندازه بسازید.

پویش پاسخ من دهد!

سوال از شما

پیش علمی بپوش در نظر دارد به سوالهای شما در مورد موضوعات مختلف رشته کامپیوتر، پاسخ دهد. شما می‌توانید سوالهای خود را در صندوق شورا پین‌دازد و اگر از خارج دانشگاه باشد ارتباط داشته باشید. پویش تمام بگیرید. در زیر به تعدادی از سوالهایی که دانشجویان مطرح کرده‌اند، پاسخ داده‌ام:

Knuth داده شده است. این نرم‌افزار قابلیت فراوانی در برنامه‌پذیری، صفحه‌بندی، تغییر نوع قلم و تولید فرمولهای ریاضی دارد و پایه اکثر واژه‌پردازهای امروزی محسوب می‌شود. این نرم‌افزار برای کاربردهای علمی رایگان است. نسخه فارسی این نرم‌افزار هم در دانشگاه صنعتی شریف تهیه شده است.

Windows 95 و Windows NT هر کدام چه مزیتی بریکدیگر دارند؟

Windows 95 بیشتر برای کاربردهای شخصی و خانگی مناسب است در حالی که Windows NT برای کارهای جدی تر (دستگاه‌های پرقدرت و شبکه‌ها و...) بهتر است.

□ مزایای Windows 95 :

- نصب و گاربای آن، این روزها خیلی آسان شده است (به خصوص در نسخه چدید Windows 98)، چرا که این Windows خودش بسیاری از وسایل جاتی را می‌شناسد و driver مورد نیاز برای کار با آنها را در خود دارد، بعلاوه خصوصیت plug & play آن، نصب ابزارهای جدید را بسیار ساده‌تر می‌کند، همچنین اجرای نرم‌افزارهای قدیمی (برنامه‌های تحت DOS یا Windows 3.1) بر روی آن کمتر به مشکل برمی‌خورد.

این Windows امکانات خیلی زیاد (از نظر مقدار RAM و سرعت CPU و...) هم نمی‌خواهد و با کامپیوترهای شخصی متداول به خوبی کار می‌کند.

□ مزایای Windows NT :

این Windows قابلیت‌های زیادی برای محیط‌های چند کاربره و شبکه دارد، مدیریت کاربرها در آن بدون نقص است و می‌توان برای کاربرها گروههای کاری تشکیل داد و به آنها به طور فردی یا گروهی اجازه استفاده از برخی منابع سیستم را داد یا از آنها گرفت، همین طور برای هر فایل یا دایرکتوری می‌توان مجوزهای جدایگانه برای هر کاربر تعیین کرد که این به خاطر فایل سیستم ۳۲ بیتی آن (NTFS) است. این Windows از امکانات پیشرفته سخت‌افزاری به خوبی استفاده می‌کند، مثلاً اگر Mother Board با دو پردازنده داشته باشد، Win NT به بهترین نحو از آن استفاده می‌کند.

در این سیستم عامل حق تقدیم پردازه‌ها به نحو دقیق‌تری رعایت می‌شود، بنابراین امکان این که یک برنامه شورشی بتواند کل سیستم را از گاربای پین‌دازد کمتر است.

امکانات Win NT برای تبدیل شدن به سرویس دهنده‌ای روی اینترنت کامل است.

Win NT دارای دو نوع WorkStation و Server می‌باشد که آن در شبکه می‌تواند چندین کامپیوتر را که به صورت WorkStation متصل شوند، سرویس دهی کند.

■ از دانشجویان زیر که در پاسخ دادن به سوالات، ما را یاری کردند، متشکریم: آقایان مختاریان، مظاہری، رسولی، شبیانی‌زاده، حاجی‌زاده، نادری‌بدر.

■ سوالات خود را در زمینه‌های رایانه‌ای از پویش بپرسید.

● آیا در یک فایل exe اعمال تغییرات امکان پذیر است؟

○ اعمال تغییرات در کد اجرایی یک برنامه مستلزم آشنایی با زبان اسکلپی و داشتن نرم‌افزارهای مانند Debugger و Sourcer است. با این نرم‌افزارها می‌توان یک فایل اجرایی را به کد زبان اسکلپی آن تبدیل و پس از اعمال تغییرات در آن، دوباره آنرا به کد زبان ماشین تبدیل کرد. اگر فقط بخواهیم پیغامهای برنامه را تغییر دهیم، با برنامه‌های ویرایشگر که قابلیت ویرایش هگز‌ادسیمیال داشته باشند (مثل PCTOOLS و NC) می‌توانیم این کار را انجام دهیم، البته طول پیغام ثابت است و نمی‌توان اندازه آنرا تغییر داد ولی متن آن قابل تغییر است.

● Client & Server چیست؟

○ Client & Server یا معماری سرویس دهنده سرویس گیرنده (خادم و مخدوم)، نوعی معماری برای طراحی برنامه در شبکه‌های کامپیوتری است. در این روش بار پردازش بین کامپیوترهای روزمری و سرویس دهنده شبکه تقسیم می‌شود. در شبکه‌های محلی به کامپیوتری که نرم‌افزار سریبوستی روی آن اجرایی شود و دستیابی به تمام یا بخشی از شبکه یا منابع آنرا کنترل می‌کند، Server گویند. این منابع عبارتند از: چاپگر، دیسک‌گرفان، Scanner و سایر وسایل جهانی کامپیوتور و حتی Client & Terminal (ترمینال گرافیکی).

در برنامه‌های Client & Server بخشی لازم کد برنامه روی Server و بخشی روی Client اجرا می‌شود. کاربر با Client و Server با اطلاعات ذخیره شده و منابع متصل به آن کار می‌کند. این روش گفتگویی به شکل "درخواست-پاسخ" بین Client و Server برقرار است و Server منابع شبکه را بنا به درخواست Client در اختیار آن قرار می‌دهد.

در شبکه‌های بزرگ، Server ممکن است سیستم عامل شبکه‌ای خاصی را آجرا کند ولی در شبکه‌های کوچکتر ممکن است سیستم عامل کامپیوتور شخصی را اجرا کند که در بالای آن نرم‌افزار استفاده از شبکه نظیر به نظر در حال اجرا باشد.

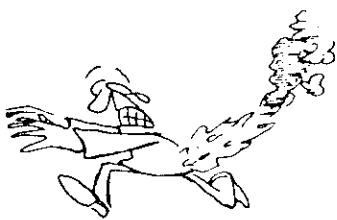
یکی از مزایای Client & Server، توزیع داده‌ها در سطح سازمان است. در این روش برای آن که داده‌ها در دسترس افراد بیشتری قرار گیرند از شیوه رونوشت برداری داده‌ها استفاده می‌شود، همچنین با روشهایی اطمینان حاصل می‌شود که اطلاعات به طور مداوم همگام می‌شوند، به طوری که مردم در مکانهای مختلف با داده‌های به روز شده کار می‌کنند.

روش Client & Server ممکن است سیستم عامل شبکه‌ای Server می‌تواند از یک محل مرکزی سازماندهی شود، مدیریت Client مشکل است، چون سرویس گیرنده‌ها معمولاً امینت خودشان را خودشان مدیریت می‌کنند و از آنجا که اطلاعات به صورت موکری نگهداری نمی‌شود و در سطح سازمان حرکت می‌کند، ممکن است اطلاعات حساس به بیرون درز کنند.

● TEX Language چیست؟

○ TEX یک نرم‌افزار واژه‌پرداز قوی است که ایده آن توسط آقای

DSL در راه است



دنیای مخابرات و نیز بی علاقه‌گی شرکت‌های ارتباطی به از دست دادن تجارت پر سودی که با اجاره دادن خطوط T1 به مشتریان خود دارند، جلوی رشد سویع DSL را می‌گیرد. همان مشکلاتی که ISDN داشت. اومیگویید "مدتها طول کشیده تا ISDN مدت‌ها طول کشیده تا به جایی که امروز هست برسد و تازه هیچ‌گاه هم به حدی که در تبلیغات گراف زمان انتشار آن مطرح می‌شد نرسید". و البته در این مورد، تبلیغات مفرط را مقصراً می‌داند، نه تکنولوژی را.

بعلاوه و تئی درگیر جزئیات شویم، مشکلات دیگری هم رخ می‌نماید:

اول از همه آنکه کارایی DSL به فاصله بستگی دارد. هرچه محل کاربر نهایی از محل اداره مرکزی سرویس دهنده (CO) دورتر باشد، سرعت پیش‌رفت می‌کند.

مشکل بعدی، بوجود آمدن تداخل فرکانس (Cross talk) بین DSL و دیگر سرویس‌هایی است که سیم‌هایشان از همان دسته کابل (Cablebundle) می‌گذرد.

بعلاوه، قرار دادن واسط بین DSL و سایر سرویس‌های انتقال داده، می‌تواند هر دو را بسیار کند نماید.

استفاده درست از DSL به داشتن چیزهای زیادی بستگی دارد. چیزهایی از قبیل اینکه چه نوع کابلی در زمین است، کاربر نهایی چقدر از CO دور است، چه سرویس‌های دیگری از سیم‌های مجاور همان دسته کابل استفاده می‌کنند، و از همه مهمتر: از کدام نوع DSL استفاده می‌کنیم؟

کدام DSL

امروزه ۹ گونه DSL مختلف از وجود دارد: ADSL, ADSLlite, ADSL, VDSL, SDSL, RADSL, IDSL, HDSL2, HDSL و UDSL.

هر چند همه آنها DSL هستند، ولی این بدان معنا نیست که همگی یک کار را انجام می‌دهند. سرویس‌های DSL به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: متقارن (Symmetrical) و نامتقارن (Asymmetrical).

کاربران اینترنت شگفت‌زده خواهند شد وقتی بشنود که می‌توانند با استفاده از خطوط تلفن معمولی، با سرعتی در حد ۱۲ مگابایت در ثانیه (Mbit/s) به شبکه متصل شوند! این ادعایی است که تکنولوژی جدید DSL دارد. در واقع تکنولوژی DSL (Digital Subscriber line) سعی می‌کند حداقل پهنه‌ای باند در دسترس را از دل خطوط مسی بیرون بکشد. با در نظر گرفتن اینکه امروز حدود ۶۸۰ میلیون خط از این نوع در دنیا وجود دارد، به نظر می‌رسد بازار محصولات DSL بسیار پرورونق باشد

مودم‌های معمولی موجود تنها از ۴ کیلو هرتز (KHz) از پهنه‌ای باند خطوط تلفن استفاده می‌کنند، آنهم با فرض اینکه اتصالشان از نوع آنالوگ است و بطور کلی از هیچ یک از امکانات مراکز سوییج دیجیتالی استفاده نمی‌کنند. با این روش حداقل سرعتی که برای انتقال اطلاعات فراهم می‌شود ۵۶Kbit/s است. ولی DSL میتواند از همه پهنه‌ای باند در دسترس (که اغلب در حدود ۱ الی ۱/۱ مگاهرتز است) استفاده کند. آنهم با این فرض که شبکه تلفن اساساً دیجیتال است، به این ترتیب، DSL می‌تواند به سرعتهایی بسیار فراتر از سرعت مودم‌های ۵۶KHz موجود و حتی خطوط پرسرعت T1 (که سرعت انتقالی برابر با ۱/۵۴۴ MbH/s) دست یابد. آنهم با هزینه‌ای بسیار کمتر: بجای پرداختن ۲۰۰۰ دلار در ماه برای یک خط استیجاری T1 یا ۷۰۰ دلار برای ADSL، یک خط ISDN هزینه‌ای در حدود ۲۵۰ دلار در ماه دارد.

باین ترتیب به نظر می‌رسد آینده بسیار خوشی در پیش است ولی باید زودباور بود!

مشکل قیمت بالا و سرعت کم در دنیای ارتباطات مشکل دیرپایی است. یک دمه قبل ISDN راه حل مناسبی بنظر می‌رسید. شش سال پیش همه از SMDS حرف می‌زنند. حال هم نوبت DSL است. آیا DSL هم مانند اسلافش در مسیر تاخیر در انتشار و بدقولی می‌افتد؟ نظر سردبیر نشریه DataCommunications این است! به عقیده او، گونه‌گونی و تنوع قوانین و استانداردها و پیاده‌سازیها در

گوناگون با تعریفهای مختلف برقرار کنند. ADSLlite حداکثر سرعتی برابر 128 Kbit/s برای 1 Mbit/s و $upstream$ برای 1 Mbit/s و $downstream$ برای 52 Mbit/s مقداری فرضی اند و تاکنون هیچ مودمی با تکنولوژی ADSLlite ساخته نشده است. VDSL می‌تواند به سرعت 52 Mbit/s برای $upstream$ و $2/3\text{ Mbit/s}$ برای $downstream$ رساند به این سرعت از فیبرنوری استفاده می‌کند (که این تها استثنای بین سرویس‌های DSL است و بقیه همگی از کابل‌های مسی استفاده می‌کنند).

در حال حاضر ADSL پرکاربردترین سرویس در این خانواده است و در آمریکا هشت سرویس دهنده سرویس ADSL را ارائه می‌کنند. RADSL توسط هفت شرکت ارائه می‌شود.

سرویس‌های متقارن سرویس‌هایی هستند که سرعت دریافت وارسال داده‌ها از کامپیوتنهایی به CO و بلکس (DSL access multiplexer) $upstream$ با هم برابر است. چنین سرویسی، برای برنامه‌هایی از قبیل پست الکترونیکی (Email)، انتقال فایل (FTP) و ویدئو کنفرانس که مقدار داده‌های دریافتی و ارسالی‌شان برابر است مورد

سرویس‌های نامتقارن آنها بی هستند که سرعت ارسال داده‌ها از کاربر CO (اداره مرکزی سرویس دهنده اینترنت) یا upstream توسط آنها، کمتر از سرعت دریافت داده‌ها از اینترنت (downstream) است. چنین سرویسی بیشتر برای کاربرانی مناسب است که از Web استفاده می‌کنند. چنین کاربرانی می‌خواهند با کلیک کردن روی گزینه‌هایی محدود، حجم زیادی از اطلاعات را دریافت دارند. RADSL و ADSL مطற ترین سرویس‌های نامتقارن‌اند که تا 7 Mbit/s برای $upstream$ و 1 Mbit/s برای $downstream$ (البته در شرایط ایده‌آل) سرعت دارند. هرچند فروشنده‌گان تجهیزات، بانگاهی خوش‌بینانه این مقدار را تا 9 Mbit/s برای ADSL و 12 Mbit/s برای RADSL تخمین می‌زنند.

تفاوت این دو سرویس، در نحوه برخوردهایشان با شرایط واقعی و غیر ایده‌آل (خطوط شلوغ و کثیف تلفن) است. مودم‌های RADSL، با (DSL access multiplexer) DSLAM مذاکره می‌کنند تا ترافیک داده‌ها با سرعت بالا حرکت کند مودم‌های ADSL طوری طراحی شده‌اند که در فواصل از پیش تعیین شده برگشت کنند. بعلاوه RADSL به سرویس دهنده‌گان اجازه می‌دهد سرویس‌هایی در کلاس‌های

و از هنایه

DSL (Digital Subscriber Line): تکنولوژی‌ای که پیامدهای استفاده شده سیم مسی را برای انتقال داده‌ها با سرعت‌های چندین مگابایتی نیکار می‌گیرد. DSL به صدا و داده‌ها اجازه می‌دهد بطور همزمان از یک سیم عبور کنند از آنجاکه سرویس "همیشه فعال" است، کاربرنهایی شماره‌گیری نمی‌کنند.

DownStream: داده‌هایی که به طرف کاربرنهایی حرکت می‌کنند.

UpStream: داده‌هایی که به CO (از طریق آن به اینترنت) ارسال می‌شوند.

Symmetrical (متقارن): ترافیکی که در هر دو جهت یا یک سرعت حرکت کند و $upstream$ و $downstream$ هر دو پنهانی پاندیکسانی داشته باشند.

Asymmetrical (نامتقارن): سرویس‌هایی که داده‌ها را با سرعت‌های مختلف انتقال می‌دهند. دریافت فایل سریع تر از ارسال فایل است.

Cable bundle (دسته کابل): همه سیم‌های مسی که از درون یک پوشش می‌گذرند که معمولاً در هر پوشش ۵ خط است.

Crosstalk: تداخل بسامد بین DSL و سایر سرویس‌ها. این مشکلی بقایع در ADSL و ADSLlite است. هر دو آنها می‌توانند کار خطوط ISDN و نیز سایر خطوط DSL را که از همان دسته کابل می‌گذرند مختل کنند.

DryWire: خطوط مسی با قطر کمتر که در اصل برای سرویس‌های محلی با سرعت پایین (LADS) از قبیل زنگ‌های دردگیر و آتش‌نشانی به کار می‌روند. برخی از سرویس دهنده‌ها ممکن است سرویس مسی DSL را از طریق DryWire توزیع کنند.

ADSL - Asymmetric DSL (DSL نامتقارن): همانطور که از اسمش معلوم است، این سرویس داده‌ها را با سرعت‌های مختلفی توزیع می‌کند که بستگی به مسیر حرکت آنها دارد. در حالت ایده‌آل $UpStream$ می‌تواند تا 9 Mbit/s و $DownStream$ تا 1 Mbit/s برسد.

بعلاوه HDSL2 تنهاز یک سیم می استفاده می کند (برخلاف HDSL که به یک جفت سیم نیاز دارد) و این امر استفاده از آن را ارزان تر می کند.

از تئوری تا عمل

هر آنچه در مورد سرعت DSL گفته شد، آن چیزی است که در تئوری پیش بینی و در آزمایشگاه ها اندازه گیری شده است. مدیر یکی از شرکت های ارائه دهنده می گوید: "هیچ راهی وجود ندارد که تا قبل از نصب تجهیزات پیش بینی کنیم سرعت چقدر است". و هیچ حداقلی برای سرعت وجود ندارد! بعلاوه سرعت سرویس های DSL با فاصله نسبت عکس دارد. عملاً در فواصل بیش از ۶۰۰۰ متر، سرویس های DSL قابل استفاده نیستند. با وجود همه این حرفها، باید در انتظار اخبار شگفت آور دیگری در مورد DSL بود.

ترجمه: علی حاجیزاده مقدم.

Data Communications مرجع:

استفاده قرار می گیرد. IDSL (که DSL شبیه ISDN است) با سرعت ۱۴۴ Kbit/s در هر دو جهت کار می کند، SDSL با سرعت ۱/۱ Mbit/s و HDSL2 با سرعت ۱/۱ Mbit/s (۱/۵۴۴ Mbit/s) کار می کنند. هر دو با سرعت خطوط T1 (۱/۵۴۴ Mbit/s) کار می کنند. Centillium (DSL جهانی) که سال گذشته توسط عرضی شد، داده ها را با سرعت ۲ Mbit/s در هر دو جهت توزیع می نماید. سرویس های متقارن کمتر از همتایان نامتقارن شان استفاده می شوند و هر کدام تنها توسط یکی دو شرکت ارائه می گردند. کسانی که از HDSL2 خوششان می آید، باید مدتی صبر کنند. چرا که هنوز هیچ شرکتی چنین سرویسی را ارائه نمی دهد. با وجود این به نظر می رسد HDSL2 جایگزین مناسب تری برای خطوط اجاره ای T1 باشد. Pulse Amplitude Modulation = (مدولاسیون دامنه پالس) PAM چند مرحله ای آن، تاخیر و تداخل با سایر سرویس های DSL را کاهش می دهد و می تواند به لطف مصویت دربرابر نویز و تصحیح خطای داخلی ضعف خطوط شلوغ را جبران کند.

● ADSLlite (محبوب نام G-lite شناخته شده): تاسخه کنندگی از ADSL که تنها در تئوری وجود دارد و هیچ نمونه ای از آن ساخته شده است.

● DSL Accesss Multiplexer (DSLAM): وسیله ای که در اداره مرکزی می نشیند (CO) و توانیک داده هارا از خطوط DSL مشترکان به یک خط حامل با اینترنت مستقل می کند.

● High-Speed DSL (HDSL): یک سرویس متقارن که داده ها را در هر دو جهت، با سرعت خطوط T1 مستقل می کند (در حالت ایده آل).

● HDSL2: یک سرویس در حال ساخت متقارن که برای یکی کردن مشتری ها تهیه شده است. داده ها با سرعت T1 در هر دو جهت حرکت می کنند آنهم از طریق یک سیم. در واقع هم انتادگی (تداخل) ساماندهی به حداقل می رسد. زمان ضریبه، آغاز فصل سوم سال ۹۸ اعلام شده است.

● ISDN شبیه DSL (IDSL): یک سرویس متقارن که داده ها را در هر دو جهت با سرعت ۱۲۸ Mbit/s انتقال می دهد (در حالت ایده آل).

● Rate-adaptive DSL (RADSL): سرویس نامتقارن که می تواند به سرعت ۱۲ Mbit/s برای downstream و ۱ Mbit/s برای upstream برسد. مودمهای RADSL با DSLAM گفته شوند.

● Symmetric DSL (SDSL): همانطور که از نامش پیدا است، این DSL به توانیک اجازه می دهد در هر دو طرف بایک سرعت حرکت کند. سرویس می تواند در محدوده های از سرعت ها تدارک دیده شود.

● Symmetric DSL (SDSL): همانطور که از نامش پیدا است، این DSL به توانیک اجازه می دهد در هر دو طرف بایک سرعت حرکت کند. بیشترین سرعت در شرایط ایده آل ۷۶۸ Mbit/s بوده است.

● Universal DSL (UDSL): سرویس متقارن که در شرایط ایده آل سرعتی تا ۲ Mbit/s بیز می رسد.

● Very high-speed DSL (VDSL): تنها کار با قیپر ثوری ساخته شده است این سرویس نامتقارن می تواند تا ۵۲ Mbit/s برای upstream و ۲/۲ Mbit/s برای downstream برسد.

چگونه عضوی از جامعه اینترنت شویم؟

(احتیاجات سخت افزاری - بخش اول)

حیدرضا مختاریان

برنامه ارتباطی را به منظور گرفتن شماره و برقراری اتصال با میزبان راه دور اینترنت اجرا می کنید. بعد از این که اتصال برقرار شد با تایپ نام کاربری و کلمه عبور خود ارتباط شما کامل می شود. البته ممکن است برنامه ارتباطی شما این کارها را به طور خودکار انجام دهد و شما مجبور نباشید کلمات را خودتان تایپ کنید. اگر شماره کامپیوتری نام کاربری و کلمه عبور داشته باشید اصطلاحاً گفته میشود در آن کامپیوتر حساب (Account) دارید.

هر چند روند کار در هر دو یکسان است، اما این دو یک فرق اساسی با هم دارند. در روش Dialup کامپیوتر شما عملاً در اینترنت نیست (در اینترنت آدرس ندارد) و تنها نقش یک ترمینال را دارد که از یک سیستم اشتراک زمانی مانند یونیکس استفاده می کند. یعنی تمام برنامه های اینترنتی شما روی کامپیوتری که به آن متصل شده اید اجرا می شود و کامپیوتر شما تنها برنامه شبیه سازی ترمینال را اجرا می کند. به چنین حساب هایی، حساب پوسته (Shell Account) گفته می شود. در روش (Proxy) کامپیوتر شما مانند یک میزبان مستقل اینترنت است. یعنی کامپیوتر شما نشانی IP دارد (هر میزبان اینترنت دست کم یک نشانی IP دارد) و تمام برنامه های اینترنتی روی کامپیوتر خودتان اجرا می شود به همین دلیل است که میتوانید از رابط گرافیکی و امکانات چند رسانه ای کامپیوترا ن (صدا، تصویر و ویدئو) استفاده کنید. اما در روش Dialup فقط میتوانید از رابط متنی استفاده کنید. اتصال شما چه Dialup باشد چه Proxy به وسائل زیر احتیاج خواهد داشت:

الف - یک خط تلفن

ب - یک کامپیوتر با یک پورت سریال (برای مودمهای خارجی) یا یک شیار گسترش (برای مودمهای داخلی)

ج - یک مودم (اگر خارجی است کابل اتصال آن به کامپیوتر هم لازم است)

الف) خط تلفن:

اگر فقط یک خط تلفن دارید می توانید از همان برای دستیابی به اینترنت استفاده کنید. اما دیگر نمی توانید در همان لحظه بر روی آن گفتگوی تلفنی نیز انجام دهید. به همین دلیل اگر می خواهید زمان زیادی را روی اینترنت صرف کنید، بهتر است به فکر تهیه خط تلفن جداگانه ای باشید.

مقدمه - اینترنت چیست؟

اینترنت شکل تکامل یافته شبکه ای به نام آرپان (ARPANET) است. آرپانت پروژه ای بود که از طرف آژانس پروژه های تحقیقاتی پیشرفته دپارتمان دفاع ایالات متحده (DARPA-Defense Advanced Research Project Agency) حمایت می شد. هدف این پروژه ساختن شبکه ای بود تا بتواند در شرایط سخت (یک حادثه هسته ای) اطلاعات نظامی و دولتی را منتقل کند. اولین گروه کاری آرپانت در سال ۱۹۶۸ تشکیل شد و در ۲۱ نوامبر ۱۹۶۸ توانست نخستین ارتباط بین دو کامپیوتر راه دور را برقرار کند. در ابتدا هدف محققین آرپانت ساختن شبکه ای یکپارچه و بزرگ برای متصل کردن کامپیوتر ها در مسافت های طولانی بود. اما در اواسط دهه ۷۰ روشن شد که هیچ شبکه منفردی قادر به تأمین نیازهای همه افراد نیست. محققین پی برند توسعه فن آریکی که بتواند انواع مختلفی از شبکه ها را در سیستمی بزرگ و منفرد متصل سازد، بسیار مفیدتر است. این ایده باعث مطرح شدن مفهوم میان شبکه (InternetWork) یا اینترنت شد به معین خاطر اینترنت امروزی یک شبکه کامپیوتری بزرگ نیست بلکه مجموعه ای از ده ها هزار شبکه گسترده در جهان است. آرپانت ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۹۰ به طور رسمی اعلام شد با موفقیت کامل متوقف شده است. اکنون روح آرپانت ستون فقرات اینترنت را تشکیل می دهد. اینترنت بسیار گسترش یافته و به شکل وسیله ای سریع و نه چندان هزینه بر برای دستیابی به اطلاعات در آمده است.

اتصال به اینترنت

برای استفاده از اینترنت باید کامپیوترا ن را به کامپیوتر دیگری که قبلاً بخشی از اینترنت بوده است، متصل کنید

چهار روش پایه برای این کار وجود دارد

1- Dialup

2- Proxy

3- Direct

4- Leased Line

برای استفاده های شخصی معمولاً فقط گزینه های ۱ و ۲ استفاده می شوند که به توضیح آنها می پردازیم

هر دو روش Dialup و Proxy می توانند از خطوط تلفن برای متصل کردن کامپیوتر شما به اینترنت استفاده کنند معمولاً روند کار چنین است که کامپیوترا ن را از طریق یک مودم به خط تلفن وصل و پویش

ب) کامپیووتر:

اگر می خواهید از اتصال Dialup استفاده کنید هر نوع کامپیووتری مناسب خواهد بود اما مطمئناً نمی خواهید تا آخر عمر فقط از اتصال Dialup استفاده کنید. پس بهتر است به خواندن ادامه دهید... خرید کامپیووترها با خرید سایر چیزها تفاوت دارد. کامپیووترها به سرعت کهند و قدریم و یا به عبارتی فاسد می شوند. علت این امر نیز پیشرفت سریع برنامه های موجود است. ممکن است کامپیووتر شما بتواند تمام برنامه های کنونی را اجرا کند، اما نمی توان در مورد برنامه های سال آینده، یا حتی ۶ ماه بعد مطمئن بود. هرچه می گذرد برنامه های برای اجرا حافظه و سرعت بیشتری طلب می کنند. پس بهتر است همین حالا در مورد خرید کامپیووتر دقیق تر باشید تا مجبور نشوید پس از مدت زمان کوتاهی آن را حوض کنید. شما باید بهترین کامپیووتر در حد توانان را بخرید. برای استفاده کامل از اینترنت کامپیووترتان باید دارای تجهیزات چند رسانه ای (بلندگو، میکروفون، دوربین و...) باشد.

ج) مودم:

مودمهای دو دسته کلی تقسیم می شوند: مودمهای داخلی و مودمهای خارجی. تفاوت این دو از نامگذاری شان معلوم می شود. مودمهای داخلی روی برد مادر و در داخل کامپیووتر نصب می شوند. اما مودمهای خارجی از طریق یک کابل به پورت سریال کامپیووتر وصل می شوند. مودمهای داخلی و خارجی تفاوت قیمت چندانی ندارند (مودمهای خارجی کمی گرانتر هستند). اگر مطمئن هستید از مودم فقط در یک کامپیووتر استفاده خواهید کرد و راجع به مودمهای اطلاعات کافی دارید مودم داخلی و در غیر اینصورت مودم خارجی تهیه کنید. مودمهای خارجی به منبع تغذیه جداگانه ای احتیاج دارند و به همین خاطر Reset کردن آنها آسان است اما برای Reset کردن مودمهای داخلی باید کل کامپیووتر را Reset کنید. به علاوه مودمهای خارجی روی خود چراگاهی علامت دهنده ای دارند که برای تشخیص خطامفید هستند. با این همه زمانی ممکن است مجبور باشید که از مودم خارجی استفاده کنید. مثلاً هنگامی که تمام شکانهای گسترش مادربردتان با کارتهای مختلف پر شده باشد. در اینصورت دیگر جایی برای نصب یک مودم داخلی وجود نخواهد داشت و شما باید یک مودم خارجی تهیه کنید. مشخصه اصلی مودمهای سرعت آنهاست که با واحد Bits Per Second (bps) اندازه گیری می شود. پس از گزینش بین مودم داخلی و خارجی باید دقت کنید مودمی با سرعت مناسب انتخاب کنید. مودمهای سرعتهای استانداردی دارند که بعضی از آنها عبارتند از: ۹۶۰ bps، ۱۴۴۰ bps، ۲۸۸۰ bps، ۳۳۶۰ bps... هر چه می توانید مودم سرعتی تهیه کنید. مودم کنترل ارزان تر است. اما این بدترین مکان برای صرفه جویی است. مودم کنند باعث می شود که دقائق زیادی را به انتظار بگذرانید. به علاوه اگر برای هر دقیقه دسترسی به اینترنت هزینه ای پرداخت می کنید مودم کنند باعث خواهد شد تا هزینه بسیار بیشتری پیدا کند. مودمهای از استاندارد هایی پیش روی می کنند که در اینجا چند نمونه از آنها را خواهید دید. یکی از این استانداردها سرعت ابتدائی مودم را مشخص می کند. مثلاً هنگامی که می گوییم این مودم از استاندارد V.34 استفاده می کند معادل این است که بگوییم سرعت این مودم

V.22	1200 bps
V.22bis	2400 bps
V.22ter	4800 bps
V.32	9600 bps
V.32bis	14400 bps
V.34	28800 bps

...Tricks of the Internet
Gurus, SAMS Publishing, 1994

Estrada, Susan
Connecting to the Internet
A Buyer's Guide, O'Reilly & Associates, Inc, 1993

Hahn, Harley
The Internet Complete Reference
Osborne, Mc-Graw Hill, 1996

مراجع:

طنین پویش

مرکز فروش انواع

پرینتر و کامپیوتر با نازکترین

قیمتها و [تخفيج داشتگوئی]

آدرس: خیابان ولیعصر، چهارراه انقلاب، شماره ۳۹۲، بازار رضا، طبقه اول، واحد ۸
تلفن: ۰۲۶۱۴۸۳۸-۰۲۶۴۱۴۹۹۶

شرکت آرمان، مجہزترین مرکز کامپیووتری جهت ارائه خدمات ذیل:

- تایپ و حروفچینی پایاننامه و کتب با فلمهای زیبا و پرینت لیزری
- ترسیم جداول و نمودارهای دوبعدی و سه بعدی تک رنگ و رنگی
- مشاوره جهت مطالعات تحقیقاتی و آنالیز پژوهشها
- طراحی سربرگ - کارت ویزیت - بروشور
- فتوکپی - چاپ تک رنگ و رنگی
- سریعترین مرکز چاپ کتب و مجلات
- صحافی گالینور - شومیز و فنری
- ترجمه متون انگلیسی
- برنامه نویسی به زبانهای C - پاسکال و ... طراحی AutoCAD
- مشاوره جهت خرید کامپیووتر - پرینتر و لوازم جانبی
- کلوب CD های تخصصی (پزشکی - مهندسی و ...)

ما معتقدیم که کار رسمی ما من را بسیار خوب نماید و شما خواهید بود.

۲۸	۲۱	۱۴	۷	شنبه
۲۹	۲۲	۱۵	۸	یکشنبه
۳۰	۲۳	۱۶	۹	دوشنبه
۲۲	۱۷	۱۰	۲	سه شنبه
۲۵	۱۸	۱۱	۴	چهارشنبه
۲۶	۱۹	۱۲	۵	پنجشنبه
۲۷	۲۰	۱۳	۶	جمعه
۲۸	۲۱	۱۴	۷	
۲۹	۲۲	۱۵	۸	
۳۰	۲۳	۱۶	۹	
۲۲	۱۷	۱۰	۲	
۲۵	۱۸	۱۱	۴	
۲۶	۱۹	۱۲	۵	
۲۷	۲۰	۱۳	۶	
۲۸	۲۱	۱۴	۷	
۲۹	۲۲	۱۵	۸	
۳۰	۲۳	۱۶	۹	
۲۲	۱۷	۱۰	۲	

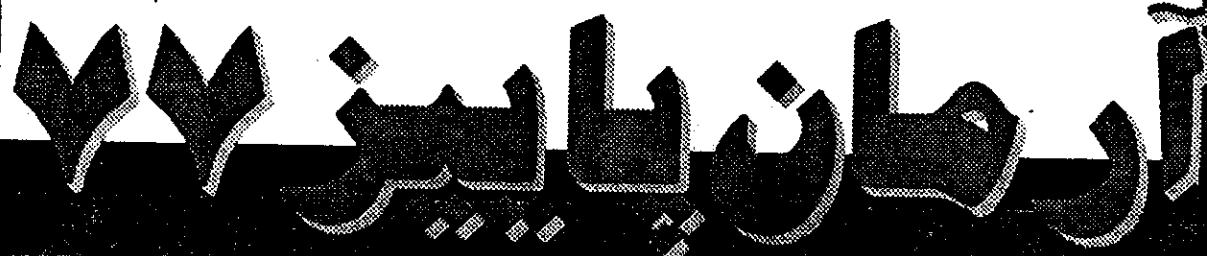
۲۳	۱۷	۹	۲	شنبه
۲۴	۱۷	۱۰	۳	یکشنبه
۲۵	۱۸	۱۱	۴	دوشنبه
۲۶	۱۹	۱۲	۵	سه شنبه
۲۷	۲۰	۱۳	۶	چهارشنبه
۲۸	۲۱	۱۴	۷	پنجشنبه
۲۹	۲۲	۱۵	۸	جمعه
۳۰	۲۳	۱۶	۹	
۲۲	۱۷	۱۰	۲	

۲۵	۱۸	۱۱	۴	شنبه
۲۶	۱۹	۱۲	۵	یکشنبه
۲۷	۲۰	۱۳	۶	دوشنبه
۲۸	۲۱	۱۴	۷	سه شنبه
۲۹	۲۲	۱۵	۸	چهارشنبه
۳۰	۲۳	۱۶	۹	پنجشنبه
۲۲	۱۷	۱۰	۲	جمعه

سابقه درخشان ها در همکاری با جامعه فرهنگی مدیون:

- کاری ایده آل
- سرعتی م Jury
- تکنولوژی روز
- وارانه کیفیتی برتر می باشد.

با همراه داشتن این شماره پویش از قیمت های استثنایی بهزه ۵۰٪ می شود.



ادعا ریم

که از میان مدعیان بسیار، تنها این مرکز محدود شایسته عنوان

برترین بانک نرم افزار و نرم افزارهای ایرانی و خارجی

محله: ۱۰۰۰

دانشجویان دانشگاه امیرکبیر
اوکسیجین ایجاد کرده اند
نهفته هایی از تحقیق
لهم از هدایت

تکنو

تکنو ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
و شکاہ نیست
یک جریان است
۲۰۰۰ سوی سال

• احترام کامل به حقوق مولفان و تولیدکنندگان نرم افزار ایرانی از افتخارات ماست. ما در هر لحظه صدها بسته نرم افزار ایرانی را با قیمت تولیدکننده و به شکل اینستاگرامی آماده عرضه داریم.
• آرشیو ما با بیش از ۲۰۰۰ عنوان CD و ۸۰۰۰ عنوان نرم افزار، گنجینه‌ای گرانبهاست که با قیمتی منصفانه در اختیار عموم قرار گرفته است.

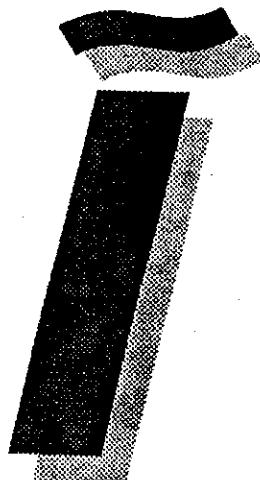
• CD های اصل: عرضه صدها عنوان CD اصل خارجی و اینستاگرامی باور نکردنی
• و نیز کپی هارد و CD شما با کیفیت مطمئن، تحویل آنلاین، قیمت مناسب، تضمین امنیت!! و گارانتی بی‌پول و پردازش
• تکنو ۰۰۰۰ فامی است که در عرصه صنعت نرم افزار ایران به خوشنامی می درخشد.



آدرس: تهران، چهار راه ولی عصر، بازار کامپیوترا رضا، طبقه همکف، شماره ۱۸، تکنو ۰۰۰۰
تلفن: ۰۶۴۹۳۵۶۰-۰۶۴۱۲۹۲۸ فکس: تمام خطوط - ساعت کار ۹ الی ۲۰ پنجشنبه ها ۹ الی ۱۴

دفتر فنا

دفتر فنا



تکثیر جزوات دانشجویی

فتوکپی یک رو ۱۰۰ ریال

فتوکپی دو رو ۱۲۰ ریال

تعداد زیاد

فتوکپی یک رو ۸۰ ریال

فتوکپی دو رو ۱۰۰ ریال

خیابان حافظ شفیعی - روبروی دانشگاه امیرکبیر - پلاک ۵۶۵
تلفن ۰۲۰۸۹۹۴

مرکز تایپ و تکثیر قائم (عج)

با بیش از سه سال سابقه درخشنان در دانشگاه امیرکبیر

- الف) تایپ و حروفچینی پایان نامه، مقاله، کتاب، نشریه، مجله و ... با بالاترین کیفیت همراه با دو پرینت لیزری و با نازلترین قیمت
- ب) تکثیر یک رو و دو رو از پایان نامه، جزوات، کتاب و ...
- ج) صحافی همراه با گالینگور ایرانی و خارجی و خدمات طلاکوب
- د) پرینت لیزری از فایلهای ذر تار و ...

دانشگاه صنعتی امیرکبیر - جنب مسجد دانشگاه - روبروی کارگاه مکانیک
مرکز تایپ و تکثیر قائم (عج)

خدمات کامپیووتری

فروش

فروش فوق العاده شماره ۳
از تاریخ ۱۵ مهرماه
به مدت ۱۵ روز

فروش اولین سه های سخت افزاری و فرم افزاری نقد و اقساط
تمدروات سخت افزاری فرم افزاری می باشد



ایشیست IMAP

پویش کارشناس

- سازگاری بسیار زیاد با استانداردهای پیام اینترنت مثل MIME
- اجازه دسترسی و مدیریت پیام از طریق بیش از یک کامپیوتر
- اجازه دسترسی بدون تکیه بر پروتکل های کم تاثیر دسترسی فایل
- پشتیبانی از روش های دسترسی On-line، Off-line و مجزا (Disconnected)
- حمایت از دسترسی متناظر به صندوق پستی های مشترک
- نرم افزار سرویس گیرنده به هیچ اطلاعاتی در مورد فرمت ذخیره فایل سرویس دهنده نیاز ندارد.
- پروتکل شامل اعمالی برای ایجاد، حذف کردن، دوباره نامگذاری صندوق پستی ها، چک کردن پیامهای جدید، پاک کردن پیامهای صورت پایدار، ترتیب دادن و پاک کردن Flag ها، RFC_822 بر مبنای سرویس دهنده Parsing MIME (بنابراین سرویس گیرنده ها حتیاجی به آن ندارند)، جستجو، تغییر خواص پیام های انتخابی، متون و بخش هایی از آن برای کار آیی است.
- آخرین نوع این پروتکل IMAP4rev1 است که بر روی خط استانداردهای IETF (نیروی عمل مهندسی اینترنت) قرار دارد. مایه IMAP صورت اصلی در سال ۱۹۸۶ در دانشگاه Stanford توسعه یافت. بنابراین، این پروتکل توجه فروشندهان اصلی e-mail را تاده پیش به خود جلب نکرده بود و هنوز هم به اندازه پروتکل های ابتدایی و با توانایی کم دیگر مثل POP به خوبی نشده است.
- یک پروتکل همراه برای IMAP وجود دارد که در دانشگاه Carnegie Mellon توسعه داده می شود و IMAP را پروتکل دسترسی موقوفیت عمل نامیده می شود و موقعيتی مشابه دسترسی مستقل به فایل های Config، کتابهای آدرس، لیست های Bookmark وغیره که IMAP برای صندوق پستی ها عرضه می کند، ارائه می دهد.

برپروتکل دسترسی پیام اینترنت دلالت می کند و روشی است برای دسترسی به پست الکترونیک پیامهای تابلو اعلانات که روی یک سرویس دهنده پست (در صورت امکان به صورت اشتراکی) نگهداری می شوند. به عبارت دیگر، IMAP به یک برنامه e-mail می شود که به ذخیره های پیام دور دست در صورتی که محلی باشند دسترسی پیدا کند. برای مثال، e-mail ذخیره شده بر روی یک سرویس دهنده IMAP می تواند از طریق یک کامپیوتر رومیزی (DeskTop) در خانه، یک ایستگاه کاری (Workstation) در دفتر و یک کامپیوتر دفترچه ای در طول مسافت دستکاری شود بدون اینکه نیازی به انتقال پیامها یا فایلها به صورت رفت و برگشتی بین این کامپیوترها باشد.

قابلیت IMAP برای دسترسی به پیامها (هم پیامهای جدید و هم پیامهای ذخیره شده) از طریق بیش از یک کامپیوتر بسیار مهم شده است. همانطوری که تکیه بر پیست الکترونیک و استفاده از کامپیوترهای گوناگون (چندگانه) افزایش یافته است. اما این وظیفه و عمل نمی تواند درست شناخته شود. پروتکل دفتریست که به صورت وسیع مورداستفاده قرار گرفته است از آنجاکه برای پشتیبانی از روش Down load دسترسی به پیام Off-line طراحی شده که در آن پیامها شده و پس از سرویس دهنده Mail حذف می گردند تنها زمانی که شخص فقط یک کامپیوتر دارد خیلی خوب کار می کند. این روش دستیابی با دستیابی از طریق کامپیوترهای چندگانه سازگار نیست. زیرا در روش دوم باید پیامها در بین همه کامپیوترهایی که برای دسترسی به Mail استفاده می شوند پخش شود. بنابراین به جز آن مانیفای که در یک سیستم فایل عمومی مشترک ند روشن دسترسی POP برای پشتیبانی مؤثر از آن طراحی شده کاربر را برای ذخیره و دستکاری پیام به یک کامپیوتر محدود می کند.

هدف کلیدی برای IMAP عبارتنداز:

بر روی CD پویش ۱ خواهید یافت

■ سیستم عامل:

ویندوز ۹۸ (نسخه نهایی)

ویندوز ۳.۱ فارسی سینما

ویندوز ۹۵ فارسی سینما

یک CD برای همه

CD پویش ۱

مدیریت حافظه در DOS و انواع حافظه

محمد مظاہری

Video Card دارد. از آدرس 00000 تا FFFFF نیز برای استفاده ROM انتخاب شده است. دراین قسمت هر نوع ROM مانند HardDisk Control Card و ... می تواند استفاده شود. Network Card

بدون شک اگر آشنایی اندکی با کامپیوتر داشته باشید با اصطلاحاتی نظیر حافظه قراردادی (Conventional Memory)، بلاکهای حافظه فوقانی (UMB=Upper Memory Block)، ناحیه حافظه فوقانی (HMA=High Memory Area) و Expanded Memory باشید. برخورده داشته اید.

هدف این مقاله معرفی مختصر این مفاهیم می باشد.

Upper Memory Block

از آنجا که ممکن است همه حافظه فوقانی (Upper Memory Area) RAM و Video RAM را در DOS توسط (Upper Memory Area) استفاده نشود، ممکن است این قسمت ها بار می کند. چون ممکن است این قسمت های استفاده نشده متوالی باشند آنها را به بلاکهایی تقسیم می کنند و اصطلاحاً به این بلاکها UMB گفته می شود. گردنده EMM386 استفاده از این بلاکها را امکان پذیر می سازد.

Expanded

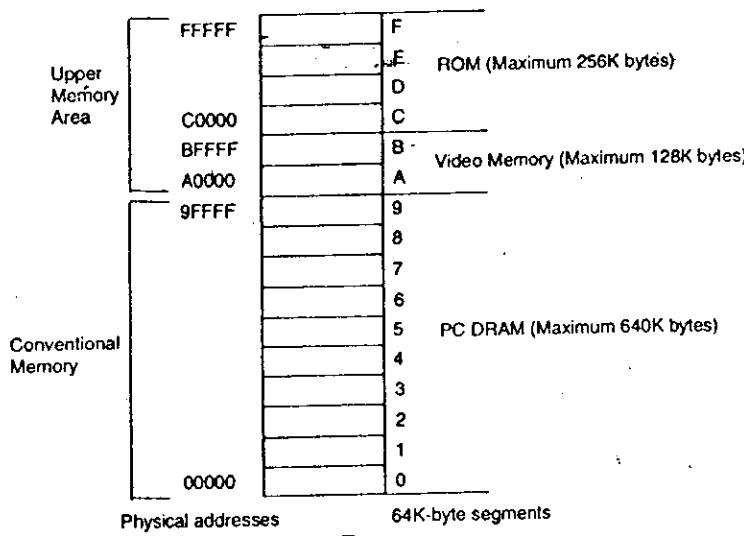
همانگونه که گفته ایم طراحان IBM تنها 640K RAM را برای در نظر گرفته بودند که این محدودیت در اوایل سال 1980 مشکلات خاص خودش را بوجود آورد. از آنجا که بعضی از نرم افزارها (نتیر صفحه گسترده ها) به حافظه بیشتری نیاز داشتند تصمیم بر این شد که بیش از 640K RAM استفاده شود. به این حافظه اضافی، حافظه Expanded گفته شد و در آن از روشی به نام Bank Switching استفاده گردید. در این روش صفحه های 16K بایتی در قسمت Upper Memory Area در نظر گرفته می شوند و برای هر صفحه، به همین میزان حافظه از بالای 1MB بر روی آنها Map می شود.

8086/88 با ۲۰ پین آدرس دهنده اش تنها قادر به آدرس دهنده یک مگابایت از حافظه می باشد. این مقدار از حافظه در فاصله 00000 تا FFFFF ۶۴۰K تراور دارد. اول این حافظه در فاصله 00000 تا 9FFFF، اصطلاحاً حافظه قراردادی نامیده می شود و تعبیر به RAM می شود. BIOS این 640K را برای RAM استخان می کند و اطلاعات خود را نیز در آدرس 40:0017 تراور می دهد. یک کیلو بایت اول این حافظه یعنی از 00000 تا 003FF مربوط به بردار و قوه می باشد. از آدرس 00400 تا 004FF یعنی ۲۵۶ بایت مربوط به اطلاعات BIOS می باشد. آدرس 00500 تا 005FF برای تغههاری پارامتر های DOS استفاده می شود. از آدرس 00600 تا FFFFF یعنی آخر 640K نیز برای برنامه های کاربردی و DOS استفاده می شود. دیگر این حافظه در شکل زیر به خوبی دیده می شود:

ناحیه فوقانی حافظه:

(Upper Memory Area)

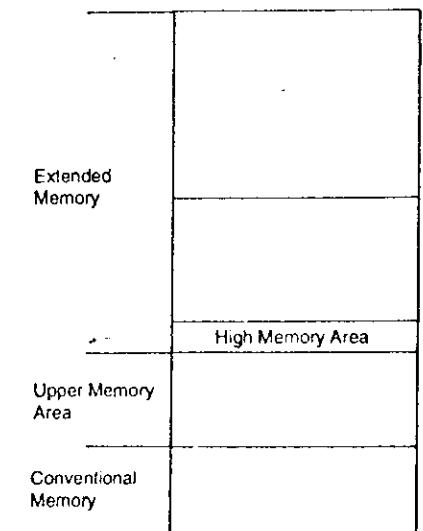
ناحیه حافظه بین 00000 تا FFFFF یعنی 384K RAM می شود. IBM PC از آدرس 00000 تا BFFFF یعنی فقط 128K RAM را برای Video RAM می شود. میزان حافظه استفاده شده دراین قسمت بستگی به نوع قرارداده اند.



High Memory Area

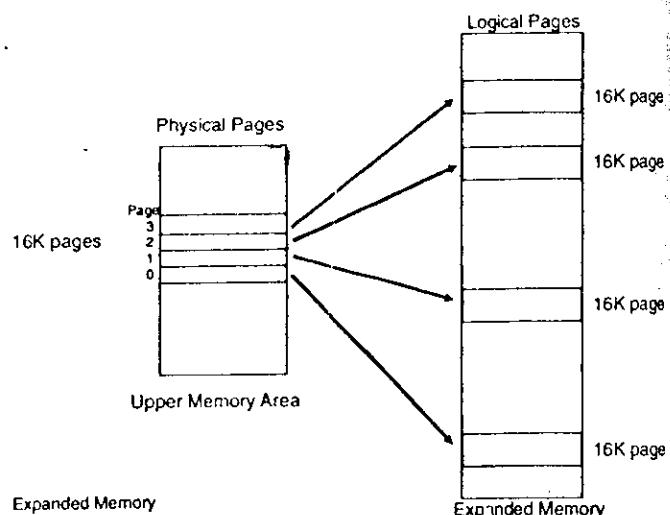
وقتی در حالت Real باشد تنها 1MB از حافظه قابل استفاده می باشد. در اینجا فقط یک استثناء هست و آن این است که با استفاده از پین A20 پردازنده مقدار ۶۵,۵۲۰ بایت یعنی از آدرس 100000 تا 10FFFF قابل آدرس دهنی است. این قسمت از حافظه High Memory Area نامیده می شود.

در دیاگرام زیر این حافظه نیز به خوبی نشان داده شده است:



Extended Memory and High Memory Area

با آمدن کامپیوتر های دسته AT (386, 486, ...) CPU توانایی آدرس دهنی تا 4 گیگابایت را داشت که در حالت Real فقط از یک مگابایت آن می توانست استفاده کند. برای استفاده از آن یک راه رفتن به حالت Protected بود که تیاز به یک سیستم عامل قوی مثل OS/2 یا Windows95 بود. برای حل این محدودیت حافظه بالای ۱۰۰۰۰۰ واحد حافظه Extended نامیده شد و برای استفاده از آن استانداردی به نام (Extended Memory Space XMS) وضع شده. گرداننده **Himem.sys** نمونه ای از یک مدیر برای استفاده این بخش از حافظه می باشد.



کتاب الکترونیکی، برای اهل مطالعه:

متن کامل نهج البلاغه (با ترجمه دکتر شهریاری)، دیوان حافظ، دیوان شمس، فرهنگ انگلیسی به فارسی نشر، فرهنگ انگلیسی به انگلیسی Oxford + متن کامل کتابهای زیر به صورت HTML:

- | | |
|---|-------------------------------------|
| 1) Teach Yourself ActiveX in 21 days | 8) Unix unleashed, Internet Edition |
| 2) Teach Yourself TCP/IP in 14 days | 9) Visual Basic Scripting |
| 3) Teach Yourself Internet in 24 hours | 10) Using JAVA |
| 4) JAVA Quick Reference | 11) using CGI |
| 5) The JAVA language Specifications | 12) Using ActiveX |
| 6) A guid to HTML and CGI | 13) Using Visual Basic Script |
| 7) Unix unleashed, System Administrator's Edition | |

برای برنامه نویسان:

JAVA Developer Kit 1.1.6
MS J++

JAVA WorkShop
Jpad pro

Jamba

و کامپایلر Borland C++ و مفسر PERL

ابزارهای چند رسانه ای (MultiMedia)

MidiSoft, RealPlayer 5.0, Winamp 2.02, Xing Player 3.2, MP3 Encoder, Ystation, RealAudio Encoder, 2show, MS Picture IT, Print Artist, PaintShop Pro 5.0, Slide Show, VUE print, xarad 3d, Zarnegar (NO PRINT VER)

یک CD برای همه

پویش ۱ / صفحه ۲۵۴

پویش ۱ CD

پکونه Java به وجود آمد

برنامه نویسی موثری بود. با رهبری سران SUN، پروژه جلو رفت و در نوامبر ۱۹۹۲ به عنوان FirstPerson تاسیس گشت. گروه، تلاش خودش را بر روی صنعت بیلیون دلاری ITV متمرکز کرد. (نخندهای این تازه در اول دهه ۹۰ بود...)

درست در حالیکه در سهار سال ۱۹۹۳ گروه FirstPerson، مشغول آزمایش Time Warner's Interactive TV بود، اتفاقی در حال تریخ دادن بوقتی بعد از آنکه گروه پروژه ITV اش را تمام نمود، برای آنها خادمه ای مهمنم به شمار آمد: اولین Visual WEB Browser (کاوشگر تصویری اینترنت) بوسیله مارک اندریسن (Marc Andreessen)، دانشجوی دوره فوق لیسانس در مرکز ملی برنامه های کاربردی سوپر کامپیوترها، به نام Mosaic ۱.۰ به وجود آمد.

در ۲۱ ماه بعد، پروژه FirstPersons سعی نمود تا یکی از شرکهای ITV یا Oak Consumer Electronics یا سیستم عامل Green خود را به فروش برساند. آینده جاوا می تواند در ریشه های خود از این شکست پروره در جذب یک مشتری بزرگ پیدا نماید. بعد از اینکه Time Warner SGI را بر FirstPerson ترجیح داد و معاونهای ۳DO بروای سیستم عامل FirstPerson نیز محقق نشد، پروژه نیزه کاره را گشت و تلاش جدیدی برای یافتن یک علت وجودی جدید بروای ادامه پروره آغاز گشت.

در اواسط سال ۱۹۹۴ افرادی که هنوز به Oak اعتقاد داشتند، این هسته را برای ماندن، پیدا کردند: Word Wide Web. زمانی که Web خلق شد، سرویسی بود که تعداد کمی آنرا می شاختند... در حالیکه مروگر گرفتگی Web اندریسن، جرقه یک پیدا نموده بخوبی را زده بود و Web پیروزت به صورت رسانه ای بزرگ در آمد. تکنولوژی Oak برای این رسانه بسیار مناسب به نظر می رسد. به خصوص به دلیل توانایی های آن در اجرا شدن از سکوهای مختلف و عدم وابستگی به سختی افزار. مهمتر اینکه این تکنولوژی چیزی را معرفی می کرد که در جای دیگری وجود نداشت: برنامه هایی که می توانستند بدون انتباخت از یک Web Page اجرا شوند. Jonathan Payne و Patrick Naughton WebRunner را به این رسانه اضافندند، مروگر Web که ستاره Duke Star7، را برگرداند. Sun می دانست که چیز امیدوار کننده ای را در دست آشنا پاره امایه زودی نهیم که Oak نمی تواند یک نام جذابی برای این رسانه باشد. چراکه محصول دیگری با همین نام وجود داشت. هنگامی که Sun تصمیم گرفت تا نام Oak را عوض

۵ سال پیش JAMES GOSLING عضو STAR7 مهندسی در SUN، با موضوع استفاده از کامپیوتر در وسایل روزمره بود. محققین می خواستند اسبابهایی هوشمند تولید کنند و نیز می خواستند که این وسایل با یکدیگر ارتباط داشته باشند. برای تزدیکتر شدن به مطلب، GREEN ها وسیله ای نموده به نام

STAR7 ماختند. این ابزار یک دستگاه کنترل از راه دور بود که بوسیله لمس کردن اشیاء متحرک روی صفحه نمایش کار می کرد. کاربر STAR7 می توانست با انگشت خود، دیایر از اتفاقها و اشیاء را هدایت کند.

مهترین قابلیت STAR7 چگونگی ارتباط برقیار کردن بیان بقیه وسایل از همان نوع STAR7 بود. شیوه روی صفحه می توانست از وسیله ای به وسیله ای دیگر فرستاده شود. نموده اولیه یک سیستم عامل توزیع شده بود که هر کدام از وسایل یک "جزء از تمام سیستم" عامل بود. درست همان چیزی که لازم بود تا به عنوان مثال یک فریزره به جارو بر قی خانه بگویند که به انسان بگویند که ماشین بخشار تازمانی که یک نفر آنرا تمیز نکند در اختصار خواهد بود. اولین ایده برای بوجود آوردن سیستم عاملی STAR7 می تواند از C++ بود. اما همانطوری که آنای GOSLING در شخترانی هزارای خود در ماه مه سال ۱۹۹۶ گفت: "ابزارها دائم نقص داشتند و این واقعه بنست زودرسی برای ما بجهة تا آنچه من آنقدر غواصت شده بودم که به دقت رفته، مشغول تایپ شدم. چیزی که او مشغول نوشتن آن شد، نامه ای شکایت آمیز به BJARNE STROUSTRUP خالق زبان C++ نبود، بلکه از معرفی GOSLING در دفتر خود ماند و زبان برنامه نویسی جدیدی نوشت که برای اهداف پروره GREEN مناسب باشد. این زبان را به یاد درخت بلوطی که از پنجه دفترش دیده می شد (Oak) نامید. زبان GOSLING از همان ابتدا ساده، بدون BUG و با قابلیت اجرا روی شیوه ساخته شده بود. Oak مانند C++ شیوه گرا بود -

شیوه برنامه نویس قدرمندی که نسبت به مایر روشها برتری زیادی داشت ولی مسلط شدن به آن مشکل بود. Oak به شکه ای طراحی شده بود که یاد گرفتن و استفاده آن از یک گزینه زبانهای برنامه نویسی شیوه گرا ساده تر بود.

برنامه های Oak می بایست مشکل از دستگاه و سخت افزار می بودند. چراکه لازم بود تا مصرف گذشته گان برای مشکشتن قیمتها بتواند برد آذنده های گران قیمت را با بیانی ارزانتر آن عرض کند.

پروره GREEN دارای دستگاه نمایش، سیستم عامل و زبان

پروژه مشوق خوب جدیدی پیدا نمود: اندروین. در داستانی در صفحه اول **San Jose Mercury News** گزارشی آمده بود که **Sun** بر روی پروژه ای کار می نماید تا صفحات **Web** را با همان سرزنگی و تازگی یک **CD-ROM** به وجود آورد. این نوشه جمله زیر را نیز از اندروین - که حالا برای خودش در **NetScape** ریاست می کرد - با خود یدک می کشید: "کاری که اعضای این گروه انجام می دهند، بی تردید، کاری کاملاً جدید می باشد" و نیز: "[پروژه] عالی است. کارهای زیادی هستند که مردم خواستار انجام آن در یک شبکه می باشند ولی نرم افزار مناسب آن را ندارند. این گروه واقعاً کار را به جلو می برد."

حداده رخ داده بود. **NetScape** اجازه استفاده از **Java** در مرورگرها را چند ماه بعد از اتمام پروژه صادر نمود و آنرا در اختیار میلیونها استفاده کننده **NetScape** قرار داد. اولین نسخه بتای جارا **Download** نمودن، در نوامبر ۱۹۹۵ آماده گشت. **Sun** محیط برنامه نویسی "Java" را ساخت و نیز اصل کد محصولاتش. را به رایگان در اختیار همه قرار داد - و در آن تاریخ، هزاران نفر از مردم عادی و شرکتها از آنها استفاده نمودند.

امروزه، گرچه لوازم خانگی بسیار باهوش تر از سال ۱۹۹۱ شده اند و **Sun** در این مورد یک شکست فاحش داشته است، ولی در عوض، یک زبان شیئی گرایی جدید برای سرname نویسی در **Internet** بوسیله او به وجود آمده است.

ترجمه: النازکدری



بناید، هیچکس روش "از پنجه دفتر به بیرون نگریستن" آقای Gosling (برای انتخاب اسم) را به کار نبست و شاید جای خوبختی هم بود که چنین نشد. فکر کنید که آیا **Java** با اسمی مثل اسامی زیر، می توانست تا این حد موفق باشد؟

Shrubbery - (بوته زار) **OfficeBilding** - (در بقی ساختمان دفتر) **NextDoor** - (تیر چراغ برق)

LightPole - (شیشه شور) **WindowWasher** - (منشی برای نهار رفت)

SecretaryLeavingForLunch - (آدم چاق متjur) **FatGuyMoving** - (آدم چاق متjur)

سر انجام پس از جلسات طولانی که در میان ۱۹۹۵ برای جانشین کردن نام **Oak** بر پا شد، **Java** برای زبان و **HotJava** برای مرورگر **Web** (بجای **WebRunner**) برنده شدند. **Java** مخفف **Just Another Vague Acronym** (به معنی: یک کلمه اختصاری نامفهوم دیگر) و یا هیچ عبارت با معنای دیگری نیست. درست مانند نام گروههای موسیقی راک (Deep Blue, Smashing Pumpkins) انتخاب گشت که به نظر زیباتر و جالب تر می رسید، همین. واژه های رقیب دیگری که "Java" بر آنها پیروز گشت، **WRL**, **Ruby**, **Silk**, **DNA** (WebRunner Language) بودند.

حالا دیگر پروژه نامی مناسب، هدفی مناسب و یک مرورگر **HotJava** برای ارائه آن در اختیار داشت. در ماه مارس ۱۹۹۵،

نوا

قطعاتی از تلاوت قران توسط قاریان بزرگ

موسیقی

برگزیدهای از زیباترین آهنگهای ایرانی:

بنان: الله ناز، کاروان، اگر خدا خواهد، آرزو و...

شجریان: دلشدگان، قاصدک، همرا، نوا، های های، شیدا، یادایام

افتخاری: ساقی نامه، سرمستان، یاریاراو...

شهرام ناظری: الا یا ایها ساقی، حیرانی، زمستان، مستان

یک CD برای همه پویش

ساختار فایل‌های گرافیکی BMP

حامد شیبانی راد

مشخص می‌کند و ماکریم آن در حالت تک بیتی ۲، در حالت چهار بیتی ۱۶ و در حالت هشت بیتی ۲۵۶ می‌باشد. اگر مقدار Usedcol را صفر باشد فرض بر این است که از ماکریم رنگ استفاده شده است. نقشه رنگ که بلافاصله بعد از قسمت عنوانی فایل قرار دارد مقدار رنگ را بحسب RGB مشخص می‌کند.

Palette :

	موضع تفاوت مکان	توضیح
0	Blue	مقدار آبی رنگ مورد نظر
1	Green	مقدار سبزی رنگ مورد نظر
2	Red	مقدار قرمزی رنگ مورد نظر
3	Reserved	حاوی مقدار صفر است

در مورد فایل‌های ۲۴ بیتی اثربラکت Palette نیست بلکه RGB رنگها مستقیماً برای هر نقطه مشخص می‌شود. داده‌های تصویر پس از نقشه رنگ شروع می‌شود و تصویر را ردیف به ردیف مشخص می‌کند. در تصاویر فشرده نشده و یا حالت تک بیتی و بیست و چهار بیتی این دو نوع غیر فشرده هستند. نقاط بصورت فیزیکی قرار دارند به این معنی که :

تک بیتی: هر پیکسل یک بیت منفرد است که به صورت هشت تائی در یک بایت بسته بندی شده است، بیست بالائی سمت چپ ترین پیکسل است. ۲۴ بیتی: هر پیکسل سه بایت است که حاوی مقادیر قرمز و سبز و آبی هستند. هر ردیف با صفر به بسته‌های چهار بایتی تبدیل شده است.

۴ بیتی: هر دو پیکسل در یک بایت قرار می‌گیرند که نیمه بالائی در آن پیکسل سمت چپ خواهد بود. هر ردیف با بسته‌های چهار بایتی مشخص شده است.

۸ بیتی: در هر بایت یک پیکسل مشخص می‌شود و هر ردیف مضرب ۴ می‌باشد. بصورت بسته‌های چهار بایتی قرار دارد. و اما تصاویر ۴ و ۸ بیتی می‌توانند با روش RLE فشرده شوند. تصاویر فشرده شده شامل مجموعه مرتبی از گروهها است و گروههای موجود عبارتند از :

۱- گروههای تکرار شونده: دو بایت است که بایت اول تعداد تکرار پیکسل و بایت دوم بایت تکرار شونده می‌باشد.

هشت بیتی : ۳۶ ۳۶ ۳۶ ۳۶ ۳۶ ۳۶ ۳۶ ۳۶

چهار بیتی : ۰ ۵۳۶ ۳۶ ۳۶ ۳۶ ۳۶ ۳۶ ۳۶

۲- گروههای حرفي: حاوی یک بایت صفر و یک بایت مشخص کننده تعداد پیکسل و بایتهای حاوی نقاط می‌باشد.

امروزه کمتر کسی هست که با دنیای کامپیوتر های شخصی آشنا باشد و کلمه Windows را نشنیده باشد. و هر کسی که با ویندوز کار کرده باشد حتماً با فایل‌های گرافیکی BMP سروکار داشته است. این موضوع همان انگیزه لازم برای نوشن ساختار فایل‌های BMP است. پس ...

فایل‌های BMP که از تصویر نوع بیت مپ استفاده می‌کند در برنامه‌های تحت ویندوز پشتیبانی بسیار دارد (برخلاف برنامه‌های دیگر) و بعنوان نمونه می‌توان از Windows Paint نام برد. فایل‌های BMP شامل تصاویری با مقادیر ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۶ بیت در پیکسل می‌باشد که تصاویر تک و چهار بیتی دارای نقشه رنگ (Palette) و تصاویر بیست و چهار بیتی دارای رنگ مستقیم هستند. چون این فایلها برای کامپیوترهای Intel طراحی شده اند لذا از شرایط حافظه ای Intel استفاده می‌کنند یعنی اینکه بایت کم ارزش ابتداء نوشته می‌شود.

هر فایل BMP شامل یک قسمت عنوانی (Header) و یک نقشه رنگ (Palette)- بجز نوع ۲۴ بیتی - و تصویر (Data) می‌باشد.

Header :

	موضع تفاوت مکان	توضیح
0	Type	حاوی کلمه BM میباشد
2	Size_f	اندازه فایل بر حسب کلمه مضاعف (۴ بایت)
6	Reserved	حاوی مقدار صفر است
10	Off_bit	چهارده واحد کمتر از آدرس شروع تصویر (برای راحتی پرش)
14	Size_h	اندازه قسمت عنوانی منهای چهارده (۴۰)
18	Width	عرض تصویر بر حسب پیکسل
22	Height	طول تصویر بر حسب پیکسل
26	Planes	تعداد صفحات تصویر (۱)
28	Bit	تعداد بیت در پیکسل (۲۴، ۸، ۴، ۱)
30	Comp	نوع فشرده سازی
34	Size_i	اندازه تصویر بر حسب بایت
38	X_pel	وضوح افقی (بر حسب متر/پیکسل)
42	Y_pel	وضوح عمودی (بر حسب متر/پیکسل)
46	Usedcol	تعداد رنگهای مورد استفاده
50	Impcol	تعداد رنگهای مهم مورد استفاده
54	???	شروع نقشه رنگ و تصویر

چون ممکن است Usedcol از تعداد رنگهای ممکن که کامپیوتر در کیفیت وضوحهای مختلف می‌تواند تولید کند بیشتر باشد، Impcol تعداد رنگهای مهم را که با آن می‌توان تصویر را به نمایش در آورد

ب - کد ۰۱ ۰۰ نشان دهنده پایان **Bitmap** است.
 ج - کد ۰۲ ۰۰ XX YY نشان دهنده تفاوت مکان XX پیکسل به طرف راست و YY پیکسل بطرف پایین است.
 در پایان برای اینکه بحث فقط جنبه تئوری نداشته باشد برنامه ای نوشته ام که یک فایل **BMP** با 200×200 نقطه و ۲۵۶ رنگ را نمایش می دهد.



```
#include <conio.h>
#include <graphics.h>
#include <dos.h>
#include <stdio.h>
unsigned char Buf[3001] ,
char Name_of_File[15] ,
FILE *File;
struct REGS reg;
struct{
  long Size,Width,Height ;
  unsigned int Plane,Bcount ,
}Header ;
int Row,Mod ,
```

```
void Put_Pixel (int x , int y , unsigned char Col )
{
  unsigned char far *Add ;
  Add = (unsigned char far *) MK_FP(0xa000,(320*y)+x);
  *Add = Col ;
}

void Show_Picture ( char File_Name[15] )
{
  int y,w,i,j ;
  File = fopen ( File_Name , "rb" ) ;
  if ( File == NULL ) return ;
  fread ( Buf,14,1,File ) ;
  fread ( &Header,16,1,File ) ;
  fread ( Buf,Header.Size-16,1,File ) ;
  for ( j = 0 ; j < (1<<Header.Bcount) , j++ )
  {
    fread ( Buf,4,1,File ) ;
    outportb ( 0x3c8,j ) ,
```

هشت بیتی : ۱۲ ۳۴ ۵۶ ==> ۰۰ ۰۳ ۱۲ ۳۴ ۵۶
 چهار بیتی : ۱ ۲ ۳ ==> ۰۰ ۰۳ ۱۲ ۳۰ ۰۰
 نکته ای که در اینجا وجود دارد این است که در انتهای این گروه با گزاردن صفر باید تعداد بایتهای این گروه را تبدیل به عددی فرد کرد.
 ۳- گروههای مخصوص : دارای سه نوع کد که هر کدام مشخص کننده حالتی است می باشد.

الف - کد ۰۰ ۰۰ نشان دهنده پایان یک ردیف است.

```
outportb ( 0x3c9,Buf[2] >> 2 ) ,
outportb ( 0x3c9,Buf[1] >> 2 ) ,
outportb ( 0x3c9,Buf[0] >> 2 ) ,
}
y = Row ,
w = 0 ;
while ( Header.Bcount * Header.Width > w*8 ) w++ ,
do
{
  fread ( Buf,w,1,File ) ;
  for ( i = 0 , i <= w-1 , i++ )
    Put_Pixel ( i,y,Buf[i] ) ;
  fread ( Buf,(4-w)%4,1,File ) ,
  y-- ,
}
while ( Row-y < Header.Height ) ,
fclose ( File ) ,
getch () ,
}
void main ()
{
  printf ("Input filename : ") ;
  scanf ("%s",&Name_of_File) ,
  reg.h.ah = 15 ,
  int86 ( 16,&reg,&reg ) ,
  Mod = reg.h.al ,
  reg.h.ah = 0 ,
  reg.h.al = 19 ,
  int86 ( 16,&reg,&reg ) ,
  Row = 199 ,
  Show_Picture ( Name_of_File ) ,
  reg.h.ah = 0 ,
  reg.h.al = Mod ,
  int86 ( 16,&reg,&reg ) ,
}
```



فربد فرامانی راد

راه زیادی را برای تکامل در پیش داشت و مرتب روی آن کار میشد و نسخه های زیادی از آن به بازار آمد.

NT در دو نسخه به بازار عرضه شد: نسخه سرویس دهنده NT و نسخه سرویس کاری Server.

در سال ۱۹۹۶ NT Server به عنوان بهترین سیستم عامل سرویس دهنده و NT Workstation نیز به عنوان بهترین سیستم عامل کاری انتخاب شد. NT به سرعت مراحل ترقی را پیمود تا اینکه در سال ۱۹۹۷ نسخه ۴ آن قدم به دنیای کامپیوترها نهاد و هم اکنون نسخه ۵ آن در حال آماده شدن است نسخه ای که به تول خود مایکروسافت انقلابی را در صنعت سیستم های عامل ایجاد خواهد کرد.

امنیت، حرف اول

یکی از مهمترین ویژگیهای ویندوز NT مساله امنیت و حفاظت اطلاعات آن است بطوریکه در طول سالهای اخیر NT بسیاری از ویروس نویسان کامپیوتر را مایوس کرده است. کاربران کامپیوتر در سراسر جهان بسیار خوب از این ویژگی استقبال کرده اند که این نشان دهنده اهمیت بالای حفاظت اطلاعات در دنیای امروز است. Windows NT تنها بر روی CD-ROM عرضه می شود و مانشینهایی که بوت شدن از روی CD-Drive را پشتیبانی میکنند میتوانند از قابلیت بوت شدن دیسک نوری NT استفاده کنند. همچنین نسخه ۴ از تراشه های Intel 80X86 IBM Power PC

ALPHA و سیستمهای LISP پشتیبانی کامل میکند.

اوخر دهه ۸۰ بود که مایکروسافت و IBM در صدد ساخت سیستم عاملی بودند تا به خوبی جانشین DOS شود. سیستم عاملی که علاوه بر پشتیبانی تراشه های Intel 80X86 با کلیه نرم افزارهایی که تا آن زمان به بازار عرضه شده بودند سازگار باشد. در آن زمان IBM OS/2 خود را معرفی نمود اما مایکروسافت همچنان مشغول کار روی سیستم عامل قویتری بود که علاوه بر تراشه های ایتل سایر تراشه ها را نیز پشتیبانی کند. تلاش آنها براین بود که سیستم عامل جدید را در یک زمان کارآمد و استاندارد مانند C بنویسد تا در اکثر مانشینها به اجرا در آید.

مایکروسافت به سیستم عامل جدید خود لقب New OS/2 Technology (تکنولوژی جدید) یا همان NT را داد و آنرا ۲ NT نامید. جالب است بدانید که اوایل به NT حتی ۳ و یا OS/2 V3 نیز میگفتند.

اوایل دهه ۹۰ همگان شاهد موفقیت چشمگیر سیستم Windows 3.1 بودند، مایکروسافت از این ایده استفاده کرد و رابط گرافیکی NT را همچون ویندوز در آورد. از آن زمان بود که نام Windows NT رسما به ثبت رسید. ویندوز NT در زبان C++ نوشته شد ولی بعد بعضی از قسمتهایش به زبان C برگردانده و بازنویسی گردید. در سال ۱۹۹۳ اوایلین نسخه آن با نام Windows NT 3.1 عرضه شد. یک سیستم عامل کاملا ۲۲ بیتی قدرتمند با قابلیت اجرای برنامه های DOS و رابط گرانیکی (GDI) مانند سیستم عامل ویندوز.

مقایسه NT Server و NT Workstation

NT Workstation	NT Server	موضوع
۱۰	نا محدود	تعداد اتصال به Client های دیگر
نا محدود	نا محدود	تعداد اتصال به شبکه های دیگر
۲ پردازنده	۴ پردازنده	استفاده از چند پردازنده شرگر
۱ اتصال	۲۵۵ اتصال	RAS
ورودی	ورودی و خروجی	انتقال اطلاعات
خیر	بله	سرورهای مکیتاش
خیر	بله	معتبر سازی Logon
خیر	بله	حفظ اطلاعات در برابر آسیب دیدگی
نظری به نظری	سرویس دهنده	نوع شبکه

نحوه راه اندازی

- ۲- رکورد بوت اصلی به حافظه فراخوانده میشود و برنامه اجرا میگردد
- ۳- سکتور بوت از پارتیشن فعلی دیسک نیز وارد حافظه میشود
- ۴- فایل مهم NTLDR اجرا میگردد
- ۵- حالت پردازش از 32-Bit flat mode به Real mode تغییر میابد
- ۶- NTLDR نایهای پیکربندی سخت افزار سیستم را فراخوانی میکند
- ۷- NTLDR فایل BOOT.INI را میخواند
- ۸- NTLDR سیستم عامل انتخاب شده را اجرا میکند.
- اگر NT انتخاب شده بود فایل NTDETECT.COM را اجرا میکند.
- اگر سیستم عامل دیگری انتخاب شده بود NTLDR فایل NTDETECT.COM را اجرا و کنترل را به آن میسپارد. کار اینجا به پایان میرسد.
- ۹- NTDETECT.COM سخت افزار کامپیوتر را چک میکند و یک لیست از آنها را بر NTLDR میفرستد
- ۱۰- سپس NTLDR بترتیب فایلهای NTOSKRNL.EXE، HAL.DLL را اجرا میکند
- ۱۱- با توجه به سخت افزار ماشین درایورهای لازم نیز اجرا میگردد
- ۱۲- NTLDR کنترل را به NTOSKRNL.EXE میسپارد که به معنی خاتمه عملات بوت شدن است

- ابتدا فایلهایی که جهت بوت شدن در سیستم NT مورد نیاز هستند معرفی میگردد:
- * NTLDR: یک فایل مخفی فقط خواندنی که سیستم عامل را بالا می آورد
- * Boot loader: فایل فقط خواندنی برای ساختن سیستم عامل (منوی چند گزینه‌ای) در تراشه‌های مبنی بر Intel 80X86
- * BOOTSECT.DOS*: فایلی است مخفی و موافق اجرا می شود که سیستم عاملی غیر از NT انتخاب شده باشد.
- * NTDETECT.COM: فایلی است مخفی فقط خواندنی و سیستمی که سخت افزار موجود را مورد بررسی قرار میدهد و لیست سخت افزاری مورد نیاز NT را می‌سازد.
- * NTBOOTDD.SYS*: این فایل تنها هنگامی استفاده می شود که سیستم از یک دیسک اسکارزی (SCSI) بوت شود.
- * NTOSKRNL.EXE: هسته مرکزی سیستم عامل
- * SYSTEM*: این فایل مجموعه‌ای است از تنظیمات پیکربندی سیستم
- * DEVICE DRIVERS*: فایلهایی هستند که اجزاء مختلف سخت افزار را پشتیبانی میکنند.
- * HAL.DLL*: برنامه مدیریت سخت افزار لازم به تذکر است که در یک ماشین واحد میتوان دو یا بیشتر سیستم عامل NT داشت در حالی که در روی همان ماشین تنها و تنها یک سیستم عامل Windows 95 یا Windows 98 میتواند حکومانی کند. وظیفه انتخاب سیستم عامل مورد نظر کاربر در ماشینهایی که بیش از دو سیستم عامل دارند به عهده فایل BOOT.INI میباشد. به طور کلی راه اندازی NT را به ۱۲ مرحله تقسیم می‌کند:

۱- آزمایش خود سیستم عامل

HAL (Hardware Abstraction Layer) و اسطوانه فرم افزاری است بین سخت افزار و سیستم عامل که بصورت یک شیوه سازی شده و جزئیات سخت افزاری از قبیل کنترل و فنون را و واسطه‌های ورودی و خروجی را از دید NT می‌پوشاند (مخفی میکند) این Abstraction قابل جمل می‌کند. چون مدد سیستم عامل دیگر به سکوی فریبکی که روی آن اجرا می‌شود قوچه نمی‌کند. هر سکوی سخت افزاری که روی آن اجرا می‌شود یک HAL مخصوص خود دارد به این ترتیب وقتی قرار باشد NT برای یک پردازنده جدید مهیا شود بخش عده سیستم عامل می‌تواند به راحتی دوباره کامپایل شود. بنابراین هدف اینجاد HAL، کاهش وابستگی‌های سخت افزار و تاکنون حمل شدن NT است. HAL تنها توسط اجزای خود NT مورد استفاده قرار می‌گیرد و هیچگاه مستقیماً توسط برنامه‌های سطح کاربر فراخوانی نمی‌شود همچنین HAL تنها قسمی از سیستم NT است که اجزای دارد مستقیماً با سخت افزار مفتکو کند بنابراین یک برنامه نمی‌تواند با نیتی شوم و صرفاً تصادفی، یا نوشتن چیزهایی روی سخت افزار باعث Crash شدن سیستم شود. همچنین ممکن است از خواندن مستقیم برنامه‌های سخت افزار امکان اینجاد مدل امنیتی NT را فراهم می‌کند. البته با وجود همه این حرکتها تعداد اندکی از جهاز‌گردانها یا فراخوانهایی هستند که اینها می‌گذارند و مستقیماً به سخت افزار باعث ناسازگاری آن با برخی برنامه‌های قدیمی سخت DOS یا Windows می‌شود که مستقیماً با سخت افزار کار می‌گردند.

NETIQUETTE

News group و Mailing list ها در شبکه خسته خواهید شد و تصمیم خواهید گرفت که شما هم چیزی بگویید. در آن هنگام زندگی شما عوض خواهد شد! باید بینیم آیا می‌توانیم این تغییر را در جهت مثبت انجام دهیم!؟

هر کس هر از چندگاهی و سوسه می‌شود که "از نامه‌های دیگران انتقاد کند ولی در تاریخ شبکه ها هیچ کس توانست برای اولین بار این کار را بدون اینکه احتمق جلوه کند به انجام برساند! اگر شما فکر می‌کنید که همان یک نفری هستید که می‌تواند این کار را انجام دهد، این مقاله بیشتر از همه به درد شما می‌خورد! (توجه کنید که پیش فرض ما این است که بیشتر افراد، تمایل دارند که دوست پیدا کنند تا دشمن!) کتابی شامل تمام این آداب و رسوم وجود ندارد. چون این قوانین نانوشتۀ از یک گروه به گروه دیگر تفاوت پیدا می‌کند، بهتر است قبل از پست کردن نامه در یک انجمن ابتدائی به آرشیو آن انجمن بزینید و سعی کنید "نه" های بزرگ را کشف کنید. ما هم یک لیست را که از این ور آن ور (!) جمع کرده‌ایم و بیشتر جاها به کار می‌آید در اختیار شما قرار می‌دهیم:

Netiquette چیست؟ به طور خلاصه از آن به Network Etiquette یا آداب معاشرت شبکه یاد می‌شود. به بیان دیگر Netiquette مجموعه‌ای از قوانین و اصول، برای داشتن رفتار مناسب تر در شبکه است.

وقتی که شما به یک فرهنگ جدید وارد می‌شوید - که شبکه نیز فرهنگ خاص خود را دارد - بسیار مستعد ارتکاب اشتباهات اجتماعی و فرهنگی هستید. ممکن است که به سادگی بدون اینکه منظور خاصی داشته باشید مردم را آزرده خاطر کنید. ممکن است گفته‌های دیگران را بدفهمید و از چیزی مکنّر شوید که ابدًا مقصود گوینده نبوده است. چیزی که وضعیت را بدتر می‌کند، خصوصیت شبکه است زمانی که شما فراموش می‌کنید که با انسانهای واقعی در حال صحبت کردن هستید؛ نه با کاراکترهای ASCII بنابراین اشخاص بخاطر فراموش کردن اینکه افراد واقعی روی خط هستند و معمولاً بسیاری از اعضای بی خرض شبکه - علی الخصوص تازه وارد‌ها - قرارداد‌ها و رسوم را نمی‌دانند، مرتکب همه جور اشتباهی می‌شوند.

شما هم یکی از همین روزها از فقط خواندن و تماشاجی بودن در

بکن، نکن‌ها!

۱) برحمانه تیچی کنید! آنقدر باقی بگذارید که معلوم بشود به چه چیز دارید پاسخ می‌دهید. هیچ وقت سربرگ‌های نامه‌ها را ضمیمه نکنید.

۲) مختصرًا نقل قول کنید. یا مضمون آنچه را جواب می‌دهید بنویسید. عنوان نامه جواب را مرتبط با عنوان قبلی انتخاب کنید.

۳) شروع کردن یک بحث جدید همیشه یک ریسک است. ممکن است که گروهی به تازگی از یک مجادله آتشین در مورد این موضوع خلاص شده باشد. ولی به هر حال اگر میل به ریسک دارید، بهتر است با دادن یک نظر از جانب خودتان شروع کنید.

۴) این محبتی است به آنها که با ویرايشگر های مبتنی بر پایانه (Terminal Based Editors) کار می‌کنند.

۱) از آوردن تمام متن نامه قبلی در جواب خود، خودداری کنید.

۲) نامه‌ها را بدون نقل قول یا نقل مضمون آنچه که به آن جواب می‌دهید، پاسخ ندهید (کاربرد عمدۀ در list Mailing ها)

۳) از فرستادن پیام‌هایی مانند "چرا کسی در مورد X صحبت نمی‌کند؟" یا "چه کسی می‌خواهد راجع به X بحث کند؟" اجتناب کنید.

۴) سعی کنید در هر خط از نامه بیشتر از ۷۰ کاراکتر استفاده نکنید.

۵) نامه تان را با رسم الخط معمولی بنویسید. پاراگراف ها را با خطوط خالی جدا کنید. خلاصه آنکه نامه تان را برای خواننده اش جذاب کنید.

۶) حتی خطوط «To:» و «Cc:» را در نامه خود قبل از فرستادن بار دیگر بخوانید و اطمینان حاصل کنید که نامه به همان جایی می‌رود که باید برود!

۷) با هر نامه‌ای که می‌فرستید طوری برخورد کنید که انگار به رئیستان و یا بدرین دشمنان می‌فرستید! دقیق و بدون چیزی که جای بهانه باقی بگذارد.

۸) توجه داشته باشید که تن کلام یا حالت بیان شما با نامه مستقل نمی‌شود؛ از شکلک‌های احساسی یا خندان برای بیان بهتر احساس می‌توانید بهره ببرید. کلمات مورد تاکید خود را مشخص کنید. از قرارداد‌های Usenet برای نوشتمن *Italic* یا زیرخط کشیدن استفاده کنید: (*italic و *underlined)

(۵) همه نامه را با حروف بزرگ ننویسید. خواندن پیامی که اینطور نوشته شده دشوارتر از خواندن معادل آن با حروف کوچک و یا مخلوط(۱) است.

(۶) نامه‌ها را سرسری ارسال نکنید. یک نامه خصوصی، بسیار ساده ممکن است به همه اعضای *Mailing list* فرستاده شود.

(۷) از به کار بردن عبارتی که از آن تعبیر به یک معامله می‌شود پیشیزد. مثلاً گفتن "البتہ! من یک عالمه از این پفک‌های شما می‌خواهم!" ممکن است باعث شود که یک کامیون پفک به در خانه شما بیاید!!

(۸) به قابلیت‌های خوانندگان نامه تان در تشخیص بین شوخی و جدی اصلاً تکیه نکنید. نوشتمن یک نامه خنده دار واقعی کار آسانی نیست، از آن مشکل تر نامه طنز است.

اینجا هم یک سری توصیه‌ها و یادآوری‌های دیگر:

● بحای گفتن: "حرف حرف من است، مرگ بر آنها بی که مخالفت کنند" بهتر است بگویید: "به نظر این حقیر".

● پوزش بخواهید! هر هنگام که کج فهمی رخ می‌دهد - خصوصاً اگر برای کسی که اشتباه فهمیده احترام قائلید - تقصیر را خود به گردن بگیرید و به خاطر نامفهوم بودن گفتار تان معدتر خواهی کنید و آنچه را که مقصودتان بوده واضح تر بیان کنید و اصل‌اً به دل نگیرید. مانند زندگی واقعی، آنان که سریع عصبانی می‌شوند راحت هم می‌باشند. ● بخاشیش! حتی شما دوست حرفه ای عزیز! سعی کنید که از نامه های مردم عصبانی نشوید. حتی اگر هم عصبانی شدید شما به بزرگی خودتان بیخشید!! (به یاد بیاورید که خود شما هم از این غلط ها کرده‌اید!!)

● همه کلمات را با حروف بزرگ نوشتمن بی ادبی است! اینکار به مثابة فریاد کشیدن است.

● اگر آدرس *E-mail* کس دیگری را از شما خواستند، قبل از اعلامش از صاحب آدرس اجازه بگیرید.

● هنگامی که در یک انجمن یا *Mailing list* فعالیت می‌کنید، از فرستادن جواب‌هایی مانند "من هم موافقم" یا "من هم همینظر" خودداری کنید. می‌توانید تصور بکنید که چقدر ناراحت کننده است که *Mail Box* خودتان را پر از همچین نامه‌هایی ببینید.

● فرستادن متن‌ها یا تصاویری که *Copy right* دارند به روی شبکه کاری ناپسند و به علاوه غیر مجاز است. شرکت‌های بزرگ (مثل: *Microsoft, Disney*...) افرادی را در استخدام دارند که

معرفی شبکه اطلاع رسانی

شبکه اطلاع رسانی ماورا یک سیستم ارتباطی و اطلاع رسانی فرهنگی است که امکانات لازم برای جمع آوری و تبادل اطلاعات را بوسیله ابزار مخابراتی فراهم آورده است. شبکه ماورا فعالیت خود را در سال ۱۳۷۴ آغاز نمود و یکی از اولین شبکه های اطلاع رسانی الکترونیکی ایران می باشد. در حال حاضر شبکه ماورا از نظر تعداد کاربر، تعداد خطوط ارتباطی، تعداد انجمن های عمومی و تخصصی، تعداد بانک های اطلاعاتی و کمیت و کیفیت سرویس های الکترونیکی از جمله بزرگترین شبکه های ایران محسوب می گردد. برخی از امکاناتی که این شبکه در اختیار مشترکین خود قرار می دهد از این قرار است:

■ بانک نرم افزار: هر یک از انجمنها دارای یک یا چند بانک نرم افزار مربوط به خود می باشد که فایل های و برنامه های مورد نیاز و مرتبط با موضوع انجمن در آن ذخیره می شود. در حال حاضر تعداد این بانک ها بیش از ۷۰ مورد می باشد.

■ سرویس WEB ماورا: سرویس WEB در حال حاضر یکی از متداول ترین سرویس های شبکه ای در جهان است. از طریق این سرویس اطلاعات به شکل متن، صدا، تصویر و فیلم قابل دسترسی اند. WEB ماورا روز بروز در حال گسترش است. در حال حاضر بخش های اصلی آن به این قرار است:

○ بخش آموزشی (صفحات دانشگاهها، مراکز اطلاع رسانی، بانک های اطلاعاتی و...).

○ بخش مطبوعات (شامل نشریات اطلاع، رایانه، صنایع هایی، علم الکترونیک و کامپیوتر، فرزنده سالم، بزرگ رایانه، کزارش، پویش و...).

○ بخش سازمانها ۰ بازارچه الکترونیکی ۰ بخش کتاب ۰ بخش نگارخانه الکترونیکی هنرمندان بزرگ ایران ۰ بخش صفحات شخصی ۰ بخش صفحات شخصی کاربران ۰ بخش سینمایی ۰ تالار بزرگان ۰ بخش تصویر عشق ۰ مجموعه عکس های دفاع مقدس ۰ بخش سرگرمی ۰ بخش کنگره بزرگداشت سرداران شهید سپاه و...

■ سرویس های اطلاعاتی شبکه: مانند سرویس جستجو و تامین پرونده ثبت اختراعات آمریکا و اروپا، سرویس اطلاع رسانی پژوهشیار (که با هزینه ناچیز هزار تومان در سال، لیست جدید ترین مقالات و خلاصه آنها را در رابطه با رشته تخصصی برای مشترکین ارسال می کند)، تهیه و توزیع کتب و نشریات و مقالات و مدارک علمی از ایران و سراسر جهان و...

جدول هزینه اشتراک در سال ۷۷ (به ریال)

سطح	زمان دسترسی	هزینه	یک ساله
A	۲۴ ساعته	۵۰۰۰۰	۸۰۰۰۰
B	۵ ساعته	۲۰۰۰۰	۴۰۰۰۰
C	۳ ساعته	۱۵۰۰۰	۲۵۰۰۰

دسترسی به امکانات ماورا در سه سطح مختلف امکان پذیر است. همه کاربران به تمام امکانات عمومی سیستم دسترسی دارند و تفاوت این سطوح در زمان دسترسی در طول روز است. برای استفاده از امکانات شبکه، علاوه بر هزینه اشتراک، باید مقداری اعتبار تیز خریداری نمود. اعتبار مانند سپردهایست که هر کس به مقدار دلخواه خریداری می کند و در زمان استفاده از امکانات اعتباری سیستم، به طور خودکار از میزان اعتبار وی کسر خواهد شد. هر واحد اعتبار یک ریال می باشد. در زمان ثبت نام، معادل ۱۰٪ هزینه اشتراک به کاربر اعتبار داده می شود. از آن پس، به ازای هر دقیقه حضور در سیستم ۵٪ واحد، دریافت هر کیلوبایت فایل از انجمن ها و کتابخانه ها ۸٪ واحد، هر دقیقه مشاهده صفحات وب ۲۰٪ واحد و هر دقیقه استفاده از تله کنفرانس ۶۰٪ واحد از اعتبار کاربر کسر می شود. فهرست کامل امکاناتی که استفاده از آنها مستلزم داشتن اعتبار است از طریق تماس با روابط عمومی ماورا قابل تهیه است.

■ مدارک مورد نیاز: یک برگ فتوکپی شناسنامه، فرم تکمیل شده اشتراک، اصل فیش بانکی (لطفاً مجموع هزینه اشتراک و اعتبار درخواستی را به حساب جاری ۱۶۲۲۲/۱۶ بانک سپه، شعبه خالد اسلامی تهران، به نام شرکت بهینه پردازی و اریز و رسید آنرا همراه مدارک فوق به آدرس شرکت ارسال و یا تحويل فرمایید)

از ایده‌الشیوهای سرددیده

برگی از یک کتاب

او قبلاً با همه به آرامی صحبت کرده بود و از آنها خواسته بود که هیچ وقت آموختن و تعریف را کنار نگذارند تا هرچه بیشتر به حقایق مجهولات زندگی پی بپرسند. وقتی سخن می‌گفت پرها یا شبابانتر و شفاقت‌مند شدند. بالاخره اینقدر در خشان می‌شدند که هیچ مرغی نمی‌توانست به آنها بینکرد.

اینها آخرین کلمات برناک بودند:

«آذرباد! تنها عشق بیاموزا و در این راه بکوش!»
روزها سپری می‌شد و آذرباد بیشتر به فکر زندگیش در کره زمین می‌افکار. اگر وقتی آنجا بود فقط یک دهم یا یک صدم آنچه را که حالا می‌دانست، دانسته بود، چقدر زندگی پرمعناتر می‌شد. همان‌طور که روی ماسه‌ها ایستاده بود با خود می‌اندیشید که شاید مرغی در کره زمین وجود داشته باشد که بخواهد مانند او در زندگانی معنایی بالاتر از دنبال ماهی و تکه‌تان رفتن، بیابد. شاید هم مرغی از جامعه آنها به خاطر این طرز فکر رانده شده باشد.

هرچه بیشتر آذرباد راجع به محبت و عشق آموخت بیشتر خواستار بازگشت به کره زمین شد [...]

پس از این سخنان، برناک در هوا تا پیدید شد و در یک آن خود را پنجه متر آنطرف تر به لب آب رساند. یک لحظه بعد دوباره تا پیدید شد و خود را به کنار آذرباد رساند. «کار جالی است، این طور نیست؟»

آذرباد مبهوت شده بود. او فراموش کرد که درباره بهشت چیزهای بیشتری بپرسد «چطور این کار را انجام دادید؟ چه حسی دارید و تا چه مسافتی می‌توانید این طور پرواز کنید؟» برناک به طرف دریا نگاه کرد و جواب داد: «به هر زمان و مکانی که بخواهی می‌توانی بروی. مرغانی که برای رسیدن به کمال از سفر و طی راه می‌ترسند به جایی نمی‌رسند. اما مرغانی که به خاطر کمال یافتن از سختی راه نمی‌ترسند به همه جا می‌روند. و تو ای آذرباد، به خاطر داشته باش که بهشت زمان و مکان نیست، زیرا مکان و زمان معنی ندارد، بهشت!»

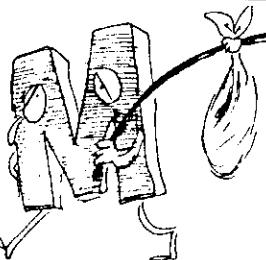
«می‌توانید چنین پروازی را به من بیاموزید؟»

هیجان آموختن این مشکل ناشناخته تن آذرباد را به لرده انداخت.

کتاب پرندگانی به نام آذرباد،

نوشته (ریچارد باخ، ترجمه رسودابه پرتوی)

ترجمه دیگری نیز از این کتاب با عنوان «جوناتان، هرگ دریابی» صورت گرفته.



اگه محسن بره چی؟!!

- نمی‌رمه.

- بالآخره می‌رمه.

- خدا بزرگه. یکی رو می‌رسونه.

- حالا آمد نرسوند!

- چو فردا شود فکر فردا کنیم، بی خیال بایا.

محسن ظریفیان کاریکاتوریست و طراح خوش ذوق مجله کوچک ماست. فکر می‌کنم اگر شماره چهارم پویش را دیده باشید شما هم با من هم عقیده هستید که یکی از وزین‌ترین قسمت‌های مجله طرح روی جلد و طرحهای داخل آن است. طرحهایی که همگی به یاری ذهن پویا و دستان ظریف و توانایی ظریفیان خلق شده‌اند. طرحهایی که توانست برشی ضعفها را بپوشاند و البته توهمهایی را هم ایجاد نمود که باید پاسخگو بود.

اما دوست هترمند ما در شرف فارغ‌التحصیلی می‌باشد. امیدواریم محسن بازهم به دانشکده بی‌گردد، این بار به عنوان دانشجوی کارشناسی ارشد. ولی این یکی از چندین احتمال ممکن است، خلاصه اینکه شاید از هنر ظریفیان محروم شدیم (نه به این زودی). نبودن خودش یک طرف خالی شدن مجله از طرحهای زیبایی هم یک طرف. می‌گید: یک نفر دیگه، مگه کاریکاتوریست تخطه! من هم باشما موافقم. البته با قسمت اولش، اما کی؟ کجاست؟ بله، هستند، اما ما که هنوز کاری از آنها ندیده‌ایم. کم لطف‌اند شاید هم، بله شاید هم اشکال از جای دیگری است. یک مشکل عمومی. مشکلی که منحصر به ما نیست، مال همه جامعه است. اینکه هر زمان به هر دلیلی مُقدّر از هنر و خدمت هزیزی محروم شویم احساس خلا می‌کنیم. چرا؟ چون اولاً: با وجود آن بزرگوار به بقیه کمتر توجه می‌کنیم. ثانیاً: آنها بی که توانایی دارند به خاطر احترام به آن هزیز یا اینکه فکر می‌کنند با وجود چنین فردی جایی برای آنها نیست و خیلی دلایل دیگر خودشان را بروز نمی‌دهند.

اما حالا بنای دیگری داریم. این قفس را می‌شکنیم و می‌گوییم: آقایان، خانمها، خلاصه دوستانی که کم لطفی می‌کنید، این دست تمنای ما! بفشاریدش.

- چه خبریه ظریفیان ظریفیان راه انداختی! نویش رو آوردي مگه.

- چیه حسودیت میشه؟

- نه بایا اولاً: حالا کو تا بره.

ثانیاً: نباشه مگه چی میشه مجله کاریکاتور که نیست.

- درسته ولی ...

- ولی نداره شورش رو در آوردي.

- حرص نخور. دفعه بعد نویت تو، خوب؟!

این نوای مرموز ...



○ حقیقت چیه؟ من شه بیشتر توضیح بدید.

● کلا جهان سیرالی ... دارد و هر چیزی که مانع این سیر تکاملی بشود، مانع رسیدن انسان به حقیقت است.

● (علی ح.)، مبتذل یعنی پیش پا افتاده، مبتذل در بواب متعالی است. آهنگی مبتذل است که بیان کننده هیچ احساس متعالی نباشد.

من هیچ چیز از فلسفه غنا نمی دانم. دنبال دانستن هم نبودام، من گوش کردن به هر آهنگی را برای خودم مجاز می دانم. حالا اگر کسانی هستند که برخی آهنگها را منوع می شمارند، باید دلایلشان را توضیح دهند. آنهم به طور منطقی و در رسانه های عمومی، نه اینکه فقط در رساله ها بنویسند فلان موسیقی حرام است.

● (محمودع.)، اگر شعر همراه آهنگ را در نظر نگیریم، موسیقی مبتذل همان غناست. من اینطوری فهمیدم که: هر چیزی که باعث مختل شدن کنترل عقل بر شخص شود، از نظر اسلام حرام شمرده می شود، که می توان به مسکرات و غنای موسیقی اشاره کرد. چون موسیقی طربانگیز برای لحظاتی تسسلط عقل را زایل می کند از نظر اسلام حرام است.

● (غلام رضا ف.) در مقوله هنر فکر می کنم هر چیزی که از ارزش های هنری اش جدا شود مبتذل است. حالا چه موسیقی، چه نقاشی و ... غنا، آنطور که من از متون فقهی برداشت کرده ام، آن موسیقی ای است که باعث تحریک قوای شهوانی بشود. البته تشخیص آن بستگی به افراد هم دارد و یک امر نسبی است. حتی ممکن است برای یک فرد در شرایط مختلف فرق کند. غنا چیزی جدای از ابتدال است. ممکن است موسیقی که غنا محسوب می شود، دارای ارزش هنری باشد و سازنده اش ظرافت های هنری خاصی را در آن بکار بردé باشد. همینطور ممکن است آهنگی بسیار مبتذل باشد، ولی غنا هم نباشد.

○ از خواننده های لس آنجلسی مثل ایسی و داریوش چیزی گوش داده اید؟ نظرتان در مورد آنها چیست؟

● (الف. د.) گاهی موقع گوش می کنم. چون یاد خاطراتم می افتم ولی بعضی از اونها رو اصلاً نمی توانم تحمل کنم.

● (س) گوش ندادم. به نظرم جلف است. اغلب شون هم آدمای کثیفی هستند.

● (حسن) نه گوش میدم، نه خوشم میاد.

● (پریسا ش.) عالیه، اصلاح هم مبتذل نیست.

● (م. مجید) من دوست ندارم. یعنی تا حالا چیزی که دوست داشته باشم نشنیدم.

○ شما موسیقی گوش می کنید؟

● (الف. د.) بله.

● (پریسا ش.) - 15 ساله) خوب آره

● (علی ح.)، البته ... آهنگها تسکین دهنده تنها بی آدماند.

● (م. مجید - پسر - برق) بله ... به قول شاعر:

خشک سیمی، خشک چوبی، خشک پوست

از کجایم آیداین آوای دوست

● (حسن) بله، مگه کسی هم هست که گوش نکنه؟

● (خ. سعیدی) خیر

○ چرا؟

● چون حرام است، آدمی که خدا را گم کرده سعی می کند جای

حالی اش را اینطوری پر کند.

○ چه جور موسیقی را دوست دارید و گوش می کنید؟

● (الف. د.) همه نوع

● (پریسا ش.) شاد، باحال

● (علی ح.)، فرقی نداره

● (م. مجید) چیزی گوش می کنم که در من احساس آرامش ایجاد کنه

● (حسن) سنتی

● (س) عرفانی

● (غلام رضا ف.)، مذهبی - عرفانی و بعد سنتی

● (پ. دانش) غمگین

○ موسیقی مبتذل چیست؟ غنا چیست؟ آیا بهم ربطی دارند؟

● (الف. د.) موسیقی ای مبتذل است که ارزش موسیقیایی نداشته باشد. ملاک ارزش هم نظر موسیقی دانان است. غنا موسیقی شنگول آمیز است! این دو تا لزوماً بهم ربطی ندارند.

● (پریسا ش.)، به نظر من هیچ موسیقی مبتذل نیست.

● (پ. دانش) آهنگهای قاطی پاطی مبتذلند. به طور کلی در موسیقی موزه های بایدم شخص باشند، الان یک آهنگ می سازند که اصلاً موسیقی سنتی نیست ولی به اون برچسب سنتی می زندند خودشان را باور نمی کنند و همه چیزراهم در هم و بر هم می کنند.

● (م. مجید) موسیقی که وقتی گوش بدی چیزی دست نیاد، مبتذل است. در مورد غنا هم نمی دونم. من مرجع تقلید نیستم.

● (حسن) آهنگی مبتذل است که انسان را از حقیقت دور کنه. دقیق نمی دانم که غنا چیست. ولی فکر می کنم هر مساله مبتذلی حرام است.

(علی ح). اغلب گوش می کنم... بخصوص اینی. به نظر من بعضی
نگهایی

خواند تشنگ است. به دلم می نشیند. حالا اینکه رفتار خودش
مطوري است بحث دیگری است. من وقتی می خواهم در مورد یک
آنگ قضاوت کنم، به شخصیت خواننده اش کاری ندارم. همانطور که
از مورد انکار، باید به خود حرف توجه داشت، نه گوینده اش.

(محمود ع). شنیده ام. ولی گوش نمی دهم. هر عملی برای مقبولیت
اید دو حسن داشته باشد: حسن فعلی و حسن فاعلی. بعضی از
چیزهایی که شنیده ام حسن فعلی را داشته، و بعضی نداشته. راجع به
آن ناعلی نمی توانم تضاد کنم.

(غلامرضا ف). به نظر من ابتدال بستگی به شخص ندارم. چون
چیزهایی که یک فرد می سازد ممکن است خیلی متفاوت
باشد. نمی شود گفت فردی که چهارتا آهنگ مبتنی خوانده، همه
آنگهایش مبتنی است. باید به صورت موردي بخورد کرد. مثلاً من
بر اغلب آهنگهای داریوش، به جز یکی دو تا، ابتدال را ندیدم.

خواننده یک شعری خانم است. نظرتون در این مورد چیه؟

(الف د). خوب اشکالی نداره.

(حسن) حرام است.

(م. مجید) معمولاً مبتنی شود.

(على ح). خیلی هم خوب است! خیلی از آهنگهای زیبا و به یاد
ماندنی معاصر توسط خانمها خوانده شده. مثلاً آهنگ معروف مرغ
سحر با صدای قمرالمکوک وزیری، یا آهنگ بسیار زیبای
بوجوی مولیان که بنان و مرضیه بطور مشترک خوانده اند و...
(محمود ع). شنیدن صدای آواز زن نامحرم حرام است.

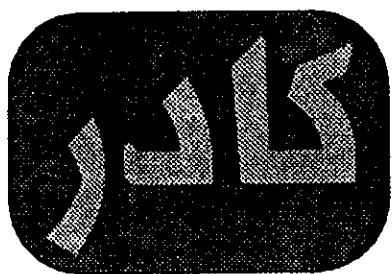
(غلامرضا ف). این مسأله دو جنبه دارد. یکی از نظر ابتدال، یکی
از نظر شرع. در مورد اول که مسأله مشترکی است و همان معیارهایی
که گفتم، در اینجا هم مطرح می شود. از نظر شرع هم فکر کنم چیزی

حرمت موسیقی یا نهنا؟

بر خلاف آنچه امروز در میان عوام رواج یافته، در فقه شیعه آنچه مطرح است حرمت موسیقی نیست، بلکه اصطلاحی که در متون علمی مأجود دارد و در زیان فقهی ما مطرح می شود جو مفتخر است با معرفت همچنان که تقریباً به معنی سروین شعر شهوانی و عاشقانه است، تغفی اصطلاحاً تواخن و خواندن ساز و آواز، موسیقی شهوانی و عاشقانه مطربی است که معمولاً با رقصهای هوسی از گنیز کنیز کن و آواز خواننده ای خوانندگان تصنیف های عشقی و شهوی یا قصیده های مددوح با هنگاهی شبیه افاس متعلقانه علیه مخالف را بآواز تحریک آمیز در مجالس عباشی و شیزمه دهاری های اشرافی توان بوده. سفوفش شوین و موتیارت و باع و بتهوون گناه نیست. سلفونی پنجم که وقتی مرد آهین آلمان، بیسپارک می شنود اشک برگوئه اش روان می شود و با حالت نامل اکیز و عدیق عرقانی می گویند. در این اثر تمامی اسرار حیات و پیج و خم های تاپیدای روح آنی و بازی شکفت تذکیر راهی شنوبم. راهی تویان با تایاکرم و چرائی رقصی یکی داشت. عذایه تنها در فقه شیعه بلکه در نظر همه روش فکران متعید و همه گروههایی که ایندتویزی اندوهنار سکین جها و بیداری توده را ببردوش دارند و حتی در نظر همه هنرمندان و حتی هوسیقیدانانی که به هنریه علوان یک عامل رشدی و کمال انسانی و اجتماعی می تکرند و میرای آن ارزش قائلند جرام است و مبارزه با آن در متن رسالت اجتماعی و مسؤولیت اعتفادیشان قرار دارد.

غذاموسیقی شهوی تذکیر کننده است و در نظام خلافت، سفید رژیم و عامل تذکیر توده ها، و شیعه با تحریم آن بزرگترین ضریبه رایه وستگاه زده است و نقش شد اجتماعی آن را رسوا کرده و در تبریزش به مقاومت برخاسته است.

از کتاب "متن اتفاقیان یاد و یاد اوران" نویشته دکتر علی شریعتی



گریهای در کار

■ [کادر سیاه است - صدای تیک تاک در پس زمینه باقی مانده] گوینده: شنوندگان هزیز! این یک گزارش واقعی است. هم اکنون صدایی می‌شوند که گویا صدای ترک برداشتن یک دیوار است. با ما همراه باشید.

■ [خارجی - روز - شهر] نمایی از آسمان خاکستری. حرکت دوربین به پایین. تصویری از بزرگراههای پیچ دریچ و خالی. اتومبیلی از انتهای کادر به دوربین نزدیک می‌شود. اتومبیل از جلوی دوربین عبور می‌کند. تعقیب اتومبیل توسط دوربین. قطع به تصویر یک بازی کامپیوترا اتومبیل رانی. دوربین عقب می‌رود، تصویر نمایشگر رایانه. ادامه حرکت دوربین به عقب. رایانه‌ای در میان علفزار. دوربین همچنان دور می‌شود. نمایی از دشت و کوه و دریا. حرکت ماموتها در انتهای تصویر. یک گله انسان اولیه از سمت راست کادر وارد و از سمت چپ خارج می‌شوند. صدای گوینده فیلم‌های مستند: «یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر، قرنهای تلاش کرده تا انسان از عمق فارها پا بر طبقه یکصد و هفتاد و پنجم آسمان‌خراش بگذارد.» قطع به نمایی از شهر نیویورک و مجسمه آزادی. دوربین به مجسمه آزادی نزدیک می‌شود. نمایی درشت از مشعل مجسمه. زبانهای آتش کادر را پر می‌کند. قطع تصویر به چهره عرق کرده و بی‌تاب کودکی که در تپ می‌سوخت (همان نمای معمولی با همان صدای تیک تاک - کمی تندتر). حرکت دوربین به بالا. کادر سیاه می‌شود.

■ [کادر سیاه - صدای تیک تاک در پس زمینه] گوینده: هم اینک به من اطلاع دادند صدایی که به گوش می‌رسد، صدای خرد شدن چیزی لای جز دیوار است. شنوندگان هزیز! این گزارش کاملاً واقعی است. همچنان همراه ما باشید.

■ [مکان: نامشخص - زمان: بی‌همیت] حرکت دوربین به پایین. کادر همچنان سیاه است و صدای تیک تاک در پس زمینه باقی مانده. از میان تاریکی صدایی به گوش می‌رسد. کسی سوال می‌کند. سوال بسیار ساده است. نمای درشت از چهره یک فیلسوف: «اگر از حقیقت واجب الوجود

■ شنوندگان هزیز ما هم اکنون اینجاییم. صدای ما را از اینجا می‌شنوید. اینجا حادثه‌ای در شرف تکوین است. این یک گزارش واقعی است.

■ [داخلی - ساعت ۲ نیمه شب] خیابانی معمولی، انتهای کوچه‌ای معمولی (بن بست). خانه‌ای معمولی. صدای تیک تاک آرام عقره مساعت. نمای درشت از چشمهاش نگران. کودکی در تپ می‌سوزد (نمای معمولی). مادری نگران، کنار بستر کودکش، بیدار. حرکت دوربین به بالا. تصویر سقف خانه. خانه چواغ ندارد. خانه تاریک است.

■ [خارجی - روز - گذشته] نمایی از آسمان آبی. حرکت دوربین به پایین. علفزاری سبز تا افق. در انتهای تصویر ردیفی از درختان سرو به چشم می‌خورد. حرکت دوربین به پایین. زوم روی جوانه‌ای در حال سیز شدن. نمای درشت از تولد یک شقایق. دوربین دور می‌شود. نمای باز از علفزار. زمین سرخ سرخ است. عبور دسته‌ای کبک از میان گلهای و علفها. صدای آواز گنجشکی در پس زمینه. گریهای از پشت دوربین به درون کادر می‌پرداز. تصویر گریه در حال دورشدن. دوربین گریه را تا وقتی بین درختان سرو گم شود تعقیب می‌کند. دیگر گریهای در کادر نیست. صدای وزش باد، طیش علفزار در باد. نمایی از نزدیک شدن ابرهای سیاه. باد تندتر شده. صدای وزش تند باد. کادر پر از گرد و غبار می‌شود. ابرها رسیده‌اند. کادر تاریک است. طوفان. صدای ابر و حشتناک.

(آواز جنگ، جیغ میمونهای وحشی، صدای یوهاها...) جرکت مضطرب دوربین به چپ و راست. از آسمان سنگ می‌بارد. نمایی از آسمان: ابرهای سیاه - طوفان - سنگ. صدای رعد. نمای کلی علفزار در حال سوختن. درختهای سرو در افق آتش گرفته‌اند. نمای درشت سوختن یک شقایق. صدای شهram ناظری در پس زمینه: «یک شب آتش در نیستانی فتاد...». قطع به نمای درشت چهره عرق کرده پسرگی چهارینج ساله. صدای شهرام ناظری در پس زمینه: «مرد را دردی اگر باشد...». کودکی در تپ می‌سوزد (نمای معمولی). تیک تاک ساعت تندتر شده. حرکت دوربین به بالا. تصویر سقف سیاه.

پس زمینه هنوز به گوش می‌رسد]. حرکت دوربین به سمت بالا. دور شدن از ستاره‌شناس، دور شدن از کره‌زمین، دور شدن از منظومه، دور شدن از کهکشان، دور... دور... تا جایی که هیچ نقطه نورانی پیدا نیست. کادر دوباره میاه شده. از میان سیاهی، بتدریج تصویر چهره آشنا و تکیده‌ای پدیدار می‌شود: «تنها یک واژه‌ا عمری در پس واژه‌ام... صمری در پس واژه‌ای... نیاقتم! نیاقتم! نیاقتم! نیاقتم!...» [طنین صدای شاعر با صدای تیک تاک همراه می‌شود] چهره ملتهب و نا آرام شاعر. قطع به چهره عرق کرده کودکی که... محوشدن تاریخی تصویر. صدای تیک تاک آرام آرام خاموش می‌شود. کادر قرمز شده. قطع به نمای باز از دشت سرخ شقایقها [صدای آواز گنجشکها در پس زمینه]. در دور دست، کودکی میان دشت پی چیزی می‌گردد. کودک با دیدن دوربین به طرف آن می‌دود و دستش را که چیزی در آن است تکان می‌دهد [صدای کودک در پس زمینه]. نمایی از زمین خوردن کودک. همان نما، با حرکت آهسته از زاویه‌ای دیگر. نمای درشت از صورت کودک بر خاک. این همان کودکی است که در تپ می‌سوخت. چهره عرق کرده کودکی که در تپ می‌سوزد (نمای معمولی کلیشه‌ای، با صدای نفس نفس در پس زمینه). حرکت دوربین به بالا، همچنان سیاهی.

■ [کادر میاه است- صدای نفس نفس در پس زمینه] شنوندگان عزیزاً صدایی که هم‌اکنون می‌شنوید... و معنی و مفهوم آن این است... [قطع صدای گوینده با پارازیت. قطع پارازیت. سکوت. صدایی نیست]

■ [داخلی (خارجی)- شب- خانه‌ای آشنا، نه چندان معمولی] طین سکوت در شب. صدای تیک تاک مدت‌هast که قطع شده. مادری کنار بستر کودکش به خواب رفت. نمای درشت از چهره آرام مادر. قطع تصویر به چهره آرام کودک. تصویر چشمهای باز کودک. کودک کاملاً آرام است. کودک بیش از حد آرام است. کودک نفس نمی‌کشد. حرکت دوربین به بالا، در جستجوی سقف خانه. خانه سقف ندارد، نمای آسمان شب از بین چهار دیوار: هلال ماه در میان تصویر و هزاران ستاره اطراف آن در حال چشمک زدن. با بالا رفتن دوربین، دیوارها از کادر خارج می‌شوند. شهابی از کادر می‌گذرد. کات □

پوره‌مز

چیزی بیرون بوده باشد، ذات حق مصدق سلب همان چیز خواهد بود، و اگر مصدق سلب آن چیز نبوده باشد، بایستی به حکم محال بودن ارتفاع نقیضین، مصدق سلب آن چیز بوده باشد. پس بنا به قاعده سلب سلب که اثبات می‌شود، همان چیز عین واجب الوجود خواهد بود؛ و این خلاف فرض است...» دوربین از چهره فیلسوف می‌گذرد.

نمای درشت از چهره یک شاعر: «ما بر زمینی هر زه می‌باریم... ما هیچ را در راهها دیدیم.» دوربین می‌گذرد.

توقف روی چهره یک عارف: «چون مرد را دیده دهنده، در نگرده، بینند، دانند که ندانند. شک اینجا پیدا گردد. شک اول مقام سالکان است و تا به شک نرسد، طلب نبود. چونکه بدانند که ندارد طلب کنند، پس راه رود. چون برسد، دیگر بار جلال ازل کمین قدر برو بگشاید. اینجا مرد به کفر بینا گردد که: «آن انسان لری گوی لکفور...» دوربین می‌گذرد.

توقف روی چهره شاعر (که به تدریج خطوطی آشنا بر آن آشکار می‌شود): «به شقایق نرسیدیم هنوز...» عبور دوربین.

توقف روی چهره جامعه‌شناس: «برخی اعتقاد دارند که هدف جامعه پیشرفت است، چرا که جامعه در صدد است افراد را ثروتمندتر، مرغه‌تر و خوشبخت‌تر سازد. در نظر ارسطو جامعه در حکم موجود زنده‌ایست که تحت تاثیر قوانین ولادت و مرگ مختلف انسانها، به نظر دورکیم...» عبور دوربین.

توقف روی چهره شاعر (آشنا): «نرسیدیم هنوز...» عبور دوربین.

توقف روی چهره یک جراح: «خیر، چنین چیزی نیست. زیر تیغ جراحی من نیامده.» عبور دوربین.

توقف روی چهره شاعر (چین و چروک‌ها بیشتر شده): «من در این آبادی، پی چیزی می‌گشتم...» عبور دوربین.

توقف روی چهره ریاضی دان: «یک هر بار که از "صفر" شروع می‌کند، ده برابر می‌شود.» عبور دوربین.

توقف روی چهره ستاره‌شناس: «من یکی از شش میلیارد انسان روی زمین. زمین یکی از نه سیاره‌ایست که به دور خورشید می‌چرخند. خورشید در یکی از دو بازوی کهکشان و در دو سوم طول آن بازو از مرکز کهکشان واقع است. فاصله دو انتهای کهکشان صدهزار سال نوری است. در محدوده‌ای به فاصله ۱۰۰ میلیون سال نوری از کهکشان ما، هزاران کهکشان دیگر وجود دارد که همه اینها، جزء کوچکی از کل کائنات است...» [صدای تیک تاک در

یک سیگار

دیدگاه

رویشان. قدمای حق داشتند که خیال کنند این بالا کسی عزیز، زندگی می‌کند. یکسری از این ابرها نازکند و رقیق، و وقتی که زمین کوہی، با آن رگه های آبی رودخانه های خشک شده، زیرشان می‌افتد، واقعاً زیبا می‌شوند. زمین مان از این بالا جذاب تر است. اما این زمین، کنار ابرهای پُف پُفی که مثل بوته های برقاق مرموز خودنامای می‌کنند، آدم می‌سر و پایی را می‌مانند که کارهای نواعث ایستاده، با این تفاوت که دیگری پر از راز به نظر می‌رسد. فکر می‌کنی که کدام اشان زیرکانه اسرارشان را از دیده های مشتاق پنهان کرده اند؟ وقتی به درون ابرها حمله می‌بریم، جز سفیدی چیز دیگری نمی‌بینیم. چیز که باید بدانش، تا این سفیدی ها را از هم تشخیص دهم؟ آهای سیگار جان، می‌شونی؟ و اتساً فصله دارد که زیانشان را نمی‌دانیم، با ما حرف نمی‌زنند... بعد به یک حالت هدیان فرورفت. در آن پویشانی اش، یادم است که روکرد به من و گفت:

می‌دونی سیگار جان، توی این عالم اگر می‌خواهی عادی باشی باید خودت را در جایی که هستی متحقق بدانی. اگر هم مطابق میلت نبود، حقت را نداده اند و تو حق گلایه داری. اما من فکر می‌کنم حقی که داریم، کمک کردن به همیگر است. آخر اگر ما به همیگر کمک نکنیم، فکر می‌کنی ابرها کمکمان می‌کنند؟ آه که چه ناخوب همیگر را به امید کمک ابرها، پاره پاره می‌کنیم. بعد گفت: یادم است سیگار عزیز، یک بار دویدم. خیلی دویدم. بعد ایستادم و ماه رانگاه کردم. بدون عینک. قشنگ بود، اما خیلی میهم بود. چیزی از آن نفهمیدم، اما قشنگ بود. بعد رفتم خونه. خوشحال بودم. بعد خوابیدم.

به هر حال هواپیما فرود آمد. ما در این شهر جدید یک اتاق گرفتیم. سقف آن خیلی بلند بود. رنگ آن هم سفید بود، امامه به سفیدی ابرها. در این اتاق هم بود که آن مردک با او حرف زد. او مثل همیشه روی میل سه تنقه افتاده بود که در، روی پاشنه اش چرخید و آن مردک سرش را خم کرد و از چهارچوب در، داخل شد. سقف بلندمان برازنده قدش بود. شاید به خاطر همین، اتاقی با سقف بلند گرفته بودا به هر حال وارد شد. نگاه سرزنش آمیزی به من کرد، انگار که می‌گفت: «تو بودی که از عده های ابری نامیدیش کردی». بعد رو به او کرد و گفت: «می‌دونی مشکل تو چیه؟ تو نمی‌دونی که سیگار کسی بودن، یعنی چه. نمی‌دونی که کلمات چه کسی را به زبان می‌آوری. نمی‌دونی برای که نمایش بازی می‌کنی. نمی‌دونی که «وانهاده ای» یا «اینکه» کسی هست». نمی‌دونی که اگر گفتی آناتاب اینجانبود، در هدیت هست یا نه. نمی‌دونی که جای امید هست یا فقط «نا امیدی» است. نمی‌دونی هدف آفرینش را باید آفرید یا پیدایش کرد. نمی‌دونی هلت رنجها، ابر است یا زمین. اما بدان که من آرزوی چپ دستانم. بیچاره ام. «دلهره ای» عجیب بر دلش افتاد. لبانش حالت شنیچ آمیزی پیدا کردند و من بر زمین افتادم. افتادم بر «زمین». از اینجا، از روی زمین، ماجراجایم را برایتان تعریف می‌کنم. روی زمین که افتادم، آن مردک، لیخند استهزا، آمیزی به من زد و لبانش حرکات سریعی کردند. به نظر آمد که گفت:

«راز» از هدیت و پوچی قوی تر است. بعد رفت.

من او را بسیار دوست دارم. آن مردک که رفت، تب شدیدی هارضش شد و در این تب سوخت. در این حالت پریشانی، بلند شد تا به طرف پنجه برود و او، پایش را روی من گذاشت. او نفهمید پایش را کجا گذاشته، اما من له شدم. اگر صدایم ضعیف است، به خاطر این است که دارم خاموش می‌شوم. بیچاره نگاهش به زمین نبود، ابرهای آسمان نگاهش را جذب کرده بودند. او به شدت می‌سوخت. کنار پنجه، دست چپش را بلند کرد و دوباره قسم خورده که همه را دوست بدارده و به طرف میل حرکت کرد. در راهش دوباره من را لکردا روی میل که نشست، نگاهش به من افتاد. بیچاره فریادی از وحشت زد و گفت: «او هلت رنجهاست». سید احسان لویانی

اینجا از روی زمین، خیلی راحت می‌توانم با چیز های اطرافم دوستی کنم. اینجا، از روی زمین، می‌شناشیم و کمکشان می‌کنم که وجود داشته باشد. آنها هم به من کمک می‌کنند تا بتوانم آنچه را که او باید بگیرد، آن چیزی را که باعث می‌شود ما همه، همیگر را از هم تشخیص دهیم، «بیش حالی کنم». من کمک می‌کنم و دیگران هم کمک می‌کنند؛ اما او، او شیفتیه بلنده قذ آن مردک بلند قذ شده. آن مردک که کله اش از زمین خیلی فاصله دارد. آن مردک، در آن احوال پریشان او، از در وارد شد و چیزهایی گفت که تب را هم بر آشتنگی اش افزود. اما قبل از اینکه به ماجرا آن مردک و او بپرداز، بهتر است کمی از حالات او و رابطه اش با من بگویم. یعنی از یک سیگار، که من باشم، و یک چپ دست، که اوست.

من خیلی دوستش دائم. او هم من را خیلی دوست دارد. یعنی آنقدر با هم دوستیم که اجازه می‌دهد «برم تو ش». من تلس اویم و او هم آتش من. البته او کمی ناخوش است، ولی باز هم زیاد خنده می‌کند. تا خوش است، چون فکر می‌کند ابرها رازی در خود دارند! خیال می‌کند، ابرها که آن بالاها هستند و خورشید را پنهان داشته اند، با علمی که از «او» کسب کرده اند، می‌توانند کمکش کنند. می‌توانند او را به حضور برسانند. من را امیر کرده که زیان ابرها را یادبگیرم. می‌گویید که اگر من حرفهایم را به زیان ابرها بزنم حقیقت لختی که اطراف ناست، خواهد توانست ما را هم سرخ کند، ملتهب کند. ما هم دود خواهیم کرد، خاکستر خواهیم شد و عدمیت را تجربه خواهیم کرد. بر او خرد نگیرید، ناخوش است.

اما من او را دوست دارم. این کلمات را هم که برایم انتخاب می‌کند، دوست دارم. این کلمات را او نوشت، ولی من که به شما فریادشان می‌کنم. با دودی که از «رویندگان زمینی» حاصل شده، با شما حرف می‌زنم. معانی ای را که او، مثل همین الان، بر زیانم جاری کرده برای شما می‌گویم. اینجا، از زمین، حرف مرا می‌فهمند، اما او به دنبال زیان ابرهای است. می‌گویید «ابراها از آن بالا رنجهای مارا، بدون آنکه کاری بکنند، نظاره کرده اند. اگر من بتوانم به زیان آنها، که پر از بی تفاوتی و ظلم است، حرف بزنم، ظلمی که در زیانت است، من را بخاطر تمام زنجها، خواهد سوزاند. این سوزش من، قطعاً حقیقت لخت اطراف امان را به ما خواهد تمایاند». بر او خرد نگیرید، ناخوش است. می‌گویید: «اگر حقیقت لخت را بیایم، آن وقت است که حضور خواهیم داشت و می‌توانیم به همیگر کمک کنیم تا حضور داشته باشیم. یادم است که جناب پچهرا در کتاب آچپار نوشته بود: «آنکه آگاهی به آگاهتر از خود، در خود پیدا کند، خواهد توانست «هدفها» را خلق کند. او من تواند برای این «چرا؟» که چرا این جاییم؟ جوابی اختراع کند. او هلت رنجها خواهد بود». او بعد از آنکه آن مردک رفت به من گفت: «او هلت رنجهاست. اما دارم هجله می‌کنم.

او مردا دوست دارد. یکبار به من گفت: «پروانه ها باید به دور «تو» پیگردند. توبی که برای تمام رنجها می‌سوزی». به من گفت: «من هم مثل تو برای همه خواهیم سوخت». بعد سوگند خورده که همه را

دوست پدارد. آنگاه سواره اپیما شدیم تا به جایی برویم که آن مردک به دینش آمد. در هواپیما من بر لبانش نبودم، در آن ارتفاع که زمین ریزی می‌نمود، اجازه نمی‌دادند که من حرف بزنم. من هم بیکار نشستم و پیوسته به دنبال این بودم که در این تماسی که با ابرها داریم، زیانشان را بیاموزم. اما آنچه او دید و من آموختم، فقط زیانی رازآورد بود. زیانی که به زحمت می‌توانستم تشخیص بدهم که بخاطر پوچی است یا راز. او می‌گفت: «این ابرها آنقدر قشنگ هستند که آدم دلش می‌خواهد بپرید

حدّدر فراموش کارند!

بادهمن

حد اختلافات اعضای یک خانواده باشد. بدانید که همه باهم برا دریم، بدانید که باید با هم زندگی کنید...» و برای یکدل کردن قومها و گروهها بسیار کوشید. کوششی که از تجزیه کشور در حس امن ترین لحظه‌های تاریخ آن چلورگیری نمود.

بنویسید متوسطه، می گفت: «شما را به کتاب و شرافت و حقیقت انسانی سوگند می دهم که بیایید یک آهنگ باشیم در آنچه مشترک بین همه ماست: آزادی این ملت، که ما ایش، شرمنش، هستی ایش، حیاتش و استعدادش بسرقت برده شده...» و برای این هدف مقدس، وحدت و آزادی، چقدر تلاش کرد.

می گفت: «اگر این محیط آزادی را قدردانی نکنیم و آنرا محیط عقده گشایی و عناد و بهم ریختگی و موضع گیری قرار دهیم، نتیجه ایش پیدا شدن مستبدین است و دیگر رحم بر صفير و کبیر ما نخواهد کرد... در مقابل مستبد دیگر نمی شود گفت که قانون چنین و چنان... دیگر مجال ندهید برای اینکه مفسد و مستبد، به هر صورت و در هر لباسی حاکمیت پیدا کنند...»

بود، بسوزد، در دندانه می گفت: «دلم می خواهد بنشیم که کنم به حال ملتی که آن وحدت، آن یگانگی، آن تسلیم در برابر حق و آن شوری که داشت، پندیرج تبدیل به خصومت و جبهه گیری و عداوت می شود... نگذارید این انقلاب عظیم و توحیدی و اعجاب انگیز ما بدست مشتی خودخواه و خودپرست که همه چیز را برای خودشان می خواهند به درگیری ها و جنگهای داخلی تبدیل شود و بعد، مستقبل آن ها را، شما مسلط شنیدن.»

سببین را بخواهید. آن کسی که فقط وعده آب و نان می دهد دلسوز بشر می گفت: «گول نخورید. آن کسی که فقط وعده آب و نان می دهد دلسوز بشر نیست. آن کسی که آزادی را نمید می دهد، اوست که طرفدار انسان است... انسان که پست ترا از حیول نیست. انسان می خواهد آزاد نفس بکشد، آزاد زندگی کند و در مقدرات خودش موثر باشد... ما اگر محیط سالم را از دست بدھیم و اگر با هم درگیر باشیم، اگر مصلحت خود را فدای مصلحت گروه نکنیم، آینده نگران نباشیم، در خطر خواهیم بود... امروز ما خطر با لاتری داریم و آن مستبدینی است که از ما بر ما تحمیل کنند... پیرهیزید از اینکه از هم پویرگردانید. همه به همراه بیاورید و پیرهیزید از اینکه از هم پیرید. همه با هم متصل باشید».

هم مصلح باشید. هنگامه کشتار و انتقام اکتوبر، هنرها و هنرمندان ایشان، صدایش بگوش
می رسانید که: «بدهمکن، بمنزه از دادنی باشد دامنش از لوث گناه پاک
بزدیدهای این هشتاد و هشت ساله قلم، گناهکار و بی گناه به هم وابسته ایم.
آنچه از این دوستها و شفایی برآورده که خواهان خواه به طرف گناه کشیده
شوند میتوانی اصلی نبینند... ما می خواهیم یک عفو عمومی که باقیمانده
ستگی از این شورت بگیرد تا به جهانیان بفهمانیم انقلاب ما
خوب صفت داشت، اگرچه خود دش را دارد».

حصوصیتی که بینندگان از راه رسیدگان و مددگاران، طعم تند قدرت را مزمنه می کردند، نیز در این تکرید و سکوت را برگزید تا... تا آنکه سرانجام صدای آسمانی اش در فیض هوای جدال قادر پرستان، مظلومانه خاموش شد. صدایی که طینین آن در خاکستری ادگان این دیار جاودانه می ماند:

«نگذارید صدای فویژه هردم ایران میان این اختلاف ها آرام بگیرد، یا خدای نخواسته از میان بروید. نگذارید صدای ما به همه جا برسد. صدای ما، صدای آزادی انسانهاست و زردومن استبداد و استعمار و عوارض آن و آنچه از آن ناشی شده...»

یادش گرامی باد علی مقدم

تقویم را که باز کنی، جایی خارج از محدوده مناسبتهای رسمی، جایی در حاشیه صفحه، دست خطی را می بینی که بارنگ سفید توشه: «شهادت پدر».

پیش خودم نکر من کنم: «تقویم ها چقدر فراموش کارند»
طالقانی یک عمر را در جهاد و روشنگری گذراند. او که از حبس و از رنجی به رنجی در رفت و آمد بود و هیچگاه در جهاد بزرگ خود سستی و سردی نداشت،... او برای اسلام به منزله ابودڑ بود. زبان گویای او چون شمشیر مالک اشتر برندۀ بود و کارشانه همچو کار ایشان بود و عمر او با برکت... طینی کلام امام در زمستانی می‌خواستند این سنت را در میان رنجی به رنجی...»

می کوش از درون قاب پنهانی و از پلای استخراج است گذشته و در زمانه امروزی را به یاد بیاورید که هرگز تغییر نداشته ام.

امروز ۱۹ شهریور ۱۳۹۷ است، در روستاهای میان خراسان و خراسان جنوبی افغانی درگذشت. این انسانی که بیانگرانی خود را می‌نمود، از آن دردناک‌های

عجیب‌تر از این که این کسی که بیرون از این مکان نباشد، باید پدر رهمه مای بود. یعنی بود که تمدن ایرانی، تاریخ ایرانی، فرهنگ ایرانی، این رسم و رسالت را در پیش بودنی پیشگام نمی‌بود، تمام اشتباهی و اشتبکی داشت. این کسی که بیرون از این مکان نباشد، باید پدر رهمه مای بود کسی می‌شد که باید این رسم و رسالت را در پیش بودنی پیشگام نمی‌بود، و حالا این کسی که بیرون از این مکان نباشد، در جانش ماست...، که این را گفت و... فرموش می‌شدا

می گفت: «راه خدا نه به طرف آسمانهاست، نه شرق و غرب و می خوب و نه شمال. راه خدا همین است: ~~و همه آیاتی که در باره سچوان تعلق مجرت~~ حرکت و مبارزه آمده ایست...» و بر استق تمام زندگیش مبارزه کرد و حرکت پارها به زندان افتاد ~~و آنها در زندان ماند.~~ «از حبسی به حبسی و از رنجی به رنجی». تا آنکه در راهی زندان استیوا، بدست مردم به حرکت در آمده شکسته شد ~~و همچنانچه در خروش، پکنگوان دریای مردم بازگشت تا... تا~~ طوفان بزرگ فرار سپیدا ~~و~~

پشتند. همه اینها شرکتند... هیچگاه با انسون کلام در پی فریب مردم نبود. محبویت‌شیخ پیغمبر اظلوی پسین بود و سادگی اش، نخواست و نگذاشت از او بتنی بسازند بجای بته‌لی بسازند که شد.

می‌گفت: «مسئله بتن تراشی و بت پرسنی، ثُنها مجسمه‌هایی هستند و شخص پرسنی نیست. مکتب پرسنی یک نوع بت است. همانطور که شهرت پرسنی و مظاهر شهرات... اینیا آمدند تا انسان را از همه شیرکها، از همه پندها، از همه محدودیتها، از همه یک بعدینی ها... بگیرند. بت بعد بودن‌ها، آزاد گشند و بزرگ‌گردانند به انسان متعقل و عاقل فطری.»

می گفت: «روحانیت بنا نیست که وزارت فیوو کلید و در دولت دستگیر مستقیم کنند. اینکه دائم می گویند استبداد دیگری می آید، دیکتاتوری چکمه می رود و دیکتاتوری نعلین می آید، یک مقداری نشخوار حرف است...»

می گفت: «ما ایرانها تجربه نداشتمیم. لذا همیشه ضریبیانی که خوردیم یا از راستهای متعصب جامد، خوارج نهروانی بود، یا از چپگراهای به طرف مکتب های دیگر رفت. راه و سط و صراط مستقیم، جاده ایست که کاروان بشر را به سرمنزل نجات و سعادت می رساند.»

کسی در راه
درختان برکنار و شاپرک همراه
امید عاقبت در دل
هجوم واژه هادر سر
کسی در راه بی آخر.
کسی در راه
مه و خورشید ناپیدا
زمان: بیگاه
در آنسوی جهان در انتظاری نوی
نگاه صد هزار انگاره می سوزد
کسی انگار در راه است
نگاه منتظر در آینه
تالحظه همواره میگردید

عبور از سرمهیان

نگاه مردگان

کسی در راه بی

علی خان

زمینهای بی رنگ
زمینهای خالی
شاید سفید
و شاید پاک
کل سرخی بر زمینه سفید
کل سرخ:
و حروف نامه،
و صفحهای هنوز سفید

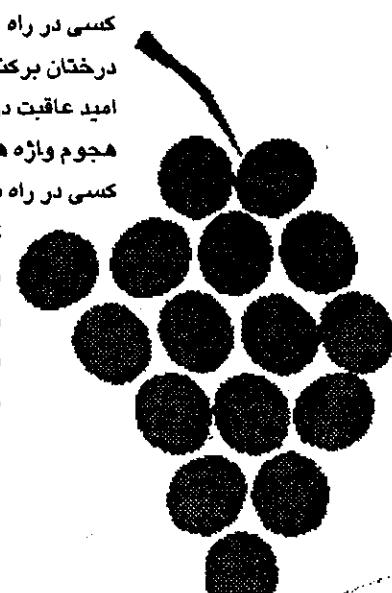
اما پر
اما پاک

به خون دل نامت را بر زندگی ام خواهم بود

جایی که کل سرخی خواهم گذاشت

جایی که تا دیروز، چون زندگی ام، خالی بود

اسد



و در آن مرتبه که یکانه دکلار گور گل آدمی سرمهیان معرفت میکردند پس اول گام آدمی تزویج گشت. خطاب "یا ملانکه اسجدوا الام" مدنظر چنان که بر نفس واحد میگردید. ذات مخلوق را عربان نمود و آدمی یاز گفت آنچه آموخت، خیابی جل و علا وجودش متکثر ساخت زوجش پدید آورد و آدم به کنار سمه خویش آرامش یافت، چنان که از پیش بود. پس این قوار به سرکشی نشخوار گندم شناخت بفروخت. هستی را غیرت به جوش آمد، چنان مغضوب گشت که دیو پیش از آن، پس آن هبوط آدمی بر سیاق سلف خود ترقه فریاد "انا ظلمتنا" سرداد. پروردگارشان بدان کلام بیخشدید، به خاک درآمدند تا بدان دانه از صورت به سیرت رسند و از دانش به معرفت. بدان که به تناول و توارث آن دانه به جان تو پیوسته است، در آغاز در آنچه گذشت نیک بیاندیش. اول آنکه به تکثر بر نفس واحده نقص حادث شد، نیاز از نقص مشتق

ابوالفضل غلامرضا

و باران راز سبزی داشت
و باران روی احساسم چنان بارید
که مدتها تمام حرفهایم بیوی باران داشت
و او آغاز عصیان بود.
من از عصیان یک مجتمع نمیگویم
که مجتمع نام لیلی، خوب میدانست
من از عصیان تن های دو دیوانه نمیگویم
که بس تاریک و نرفت بار و آلوهه است.
من از عصیان روحی پاک میگویم.
اسیر بند و زنجیری بنام تن،
ز روحی سرکش و یافی،
که در آغوش نامردان نمیگنجد.
و در ادراک بین دردان نمیگردید.
من از پرواز میگویم
و آن پلاک داشت هیچ دستگش
در آن برآمد نمیباشد
من از تجایم
و عصیان راز پرواز
و بدان نقطه آغاز عصیانم
و باران راز سبزی داشت



پردازندگی‌های جدید اینتل در راهند...

با سرعت 702MHZ کار می کند، شرح داد. تراشه های در راه ایتل
بجای تکنولوژی متداول 25. فعلى از تکنولوژی تولید 18. میکرون
استفاده خواهند کرد. Willamette

که در اوایل سال 2000 قرار است عرضه شود، با معماری شبیه Pentium2 نسلی، به سرعتی تا 800MHz می‌رسد و هنگامی که شرکت به تکنولوژی بعدی (13). دست یابد، سد گیگابایت با پردازنده‌هایی با سرعت 1.2GHz شکسته می‌شود. برای کامپیوترهای کینی (Notebook)، ایتل نسخه‌ای از پردازنده در راه خود بنام Mendocino را تا نیمة اول سال 99 عرضه کند. این پردازنده دارای 256K cache2 است و سرعت آن حدود 333MHz خواهد بود (بیشترین سرعت Notebook های موجود در بازار در حال حاضر 266MHz است). بعد از آن، ایتل تصدی دارد نسخه‌ای از Katmai برای کامپیوترهای کیفی با سرعتی در حدود 450MHz عرضه نماید نسخه Katmai 700MHz با قیمتی در حدود 700\$ به بازار می‌رسد. هر چند رحال حاضر تقاضا برای چنین چیزهایی وجود ندارد. چون برنامه‌های معلق برای اجرا به چنان سرعتهایی نیاز ندارند ولی چشم انداز آینده چیزی یکگری است: هنگامی که تصاویر به بعدی و سیستمهای تشخیص گفتار دست خط جزئی از سیستمهای اول شوند.

در طی ۱۸ ماه آینده، ایستنل در نظر دارد کارایی پردازنده‌های کامپیوترهای شخصی و کتابی (Notebook) خود را با استفاده از

تولیدات جدید بالا برد. بسیار خوب! ولی چه کسی از این تولیدات پیشفرته استفاده می کند؟ واقعیت آن است که اگر تولید نرم افزارها و Application هایی که به این تولیدات نیاز داشته باشند، کافی نباشند این محصولات در یا اتن بازاری مناسب برای فروش دچار مشکل می شوند و کسی حاضر نمی شود برای این فن آوریها مبالغه هنگفت پردازد. اینتل قصد دارد در طی سال آینده پردازندۀ جدیدی با نام Coppermine را پس از محصول Katmai معرفی در دست آمدش کند که سرعت کامپیوترهای شخصی رومیزی را تا 700MHz بالا خواهد برد. اینتل می گوید Katmai را در فصل اول سال ۹۹ معرفه خواهد کرد که سرعت آن تا 500MHz افزایش یافته است این روزانه علاوه بر دستورات قبلي (MM) دارای یک سری قابلیت های نازه است که در کارهای سه بعدی و چند رسانه ای به درد می خورد. اینتل می گوید هسته پردازندۀ Pentium میتواند به سرعت 700MHz برسد. در ماه مارس نمایشگاه CeBit که در آلمان Hannover می باشد، اینتل قابلیت های سیستمی را که

لینوکس جدید

تمهیه کنندگان سیستم عامل Linux احتمال داشتند Version جدید این سیستم عامل که قویتر و قدرتمند شر از Version های قبلی میباشد عرضه شد.

این سیستم عامل جدید ملاوه بر امکانات قابلی خود شامل امکاناتی نیز برای Support کردن پردازنده ۶۴ بیتی ساخت شرکت ایستل می باشد (Merced Processor). در حال حاضر حد ها نظر از مردم در حال استفاده از این سخن

برای این مانند Data Base و Auto Cad به راحتی می‌توانند بروی این سیستم حاصل صفت کنند.

لیکن از مسؤولین این پروژه اعلام داشت: شماره‌های مساختن
بن سیستم حامل جدید "بالا" بودن تقدیر اعطای پذیری بود.
رو جال حافظ این سیستم حامل بروزی Super Computer
نماینصب می‌باشد و علاقمندان میتوانند از آن استفاده کنند.
لذم بعده‌ی که در این راه قرار است بوداشته شود شخصی کردن
بن سیستم حامل می‌باشد که هر کس بروزی دستگاه خود از
آن را بخواهد.

راه دهنگان این سیستم عامل جدید خیلی خوشین نیستند
نرم افزار های شرکت Microsoft بتواند سررودی همچنین
سیستم عامل فعل کند.

هر حال از این دهنگان این سیستم عامل اعلام کرده اند با
هم تلاش بیشتر نسخه هایی بعدی این سیستم عامل
تکنیکی توانسته باشند.